

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۳/۱۲ (عصر)

مشتمل بر موضوع زیر:

- لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

تلاوت آیاتی از کلام الله مجید

لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

آقای جنتی - خیلی خوب، بفرمایید بخوانید آقا. ما امروز اگر بتوانیم باید بررسی این مصوبه^۱ را تمام کنیم.

منشی جلسه - «حوادث غیر مترقبه و امداد

۷۳

۷۳-۱- در اجرای بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷* به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۹/۱۵۱۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. در مرحله‌ی اول بررسی شورای نگهبان، مواد این مصوبه از ابتدا تا بند (۲-۳-۱۳) در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ و از تبصره‌ی بند (۲-۳-۱۳) تا بند (۷۲) آن در جلسه‌ی صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و از بند (۷۳) تا بند انتهایی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ بحث و بررسی شد. اعضای شورای نگهبان در این مرحله، برخی از مفاد این مصوبه را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۹۲/۳/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ اصلاحات لازم را در مصوبه‌ی خویش اعمال و آن را برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲۳۰/۵۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

* گفتنی است هیئت وزیران لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. مجلس با توجه به عدم فرصت کافی برای بررسی آن در بازه‌ی زمانی پیش از سال ۱۳۹۱، بررسی این لایحه و تصویب آن را به سال ۱۳۹۲ موکول کرد. دولت نیز برای جبران خلأ تقنینی ناشی از عدم تصویب قانون بودجه برای هزینه‌کرد دولت و دستگاه‌های اجرایی در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۲، لایحه‌ای با عنوان «لایحه بودجه سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۲ کل کشور» به مجلس تقدیم کرد که این لایحه، با عنوان «قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور» در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

توسعه جمهوری اسلامی ایران^۲، بخشی از اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱^۳ معادل مبلغ دو هزار و هفتصد و پنجاه میلیارد (۲,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نسبت چهل درصد (۴۰٪) هزینه‌ای و شصت درصد (۶۰٪) تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برای شبکه امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و تأمین امکانات، تجهیزات، پایگاه‌ها و انبارهای اضطراری و خودروهای امداد و نجات به منظور پیش‌بینی، پیشگیری، آمادگی و مقابله با حوادث، سوانح و بحران‌ها به جمعیت مذکور اختصاص می‌یابد.»

آقای عزیززاده - این بند عیناً در لایحه‌ی بودجه‌ی دولت بوده است.

منشی جلسه - «۲-۷۳- ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات پیش‌بینی شده در ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۴ تا سقف دو

۲. بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ش- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور پیشگیری، مقابله و جبران خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه و مدیریت خشکسالی، تنخواه‌گردان موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ را به سه درصد (۳٪) و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران را به دو درصد (۲٪) افزایش دهد. اعتبارات مذکور با پیشنهاد معاونت و تصویب هیئت وزیران قابل هزینه است. بخشی از اعتبارات مذکور به ترتیب و میزانی که در قانون بودجه سنواتی تعیین می‌شود، به صورت هزینه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای به جمعیت هلال احمر اختصاص می‌یابد تا در جهت آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح هزینه گردد.»

۳. ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ (اصلاحی ۱۳۸۹/۱۰/۲۵) در قانون برنامه پنجم توسعه و به موجب بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون مزبور: «ماده ۱۲- به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده معادل دو درصد (۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین کند تا به صورت اعتبارات خارج از شمول با پیشنهاد شورای عالی و تأیید رئیس جمهور هزینه گردد.»

۴. ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اصلاحی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰: «ماده ۱۰- به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهی‌ها، پیشگیری، امدادرسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و اپیدمی‌های دامی، اعتبار مورد نیاز را در لوایح بودجه سالانه منظور نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط کمک‌های بلاعوض را برای پرداخت خسارت‌دیدگان به طریقی تعیین می‌کنند که سهم اعتبار اقدامات بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه یادشده نسبت به کمک‌های بلاعوض، سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل به تدریج کمک‌های بلاعوض حذف شوند. به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث غیرمترقبه از جمله

←

آقای علیزاده - بند (۷۵)، واقعاً بودجه‌ای نیست.

آقای مدرس‌یزدی - ببینید آقای علیزاده، درست می‌فرمایید، ولی اگر توجه کنید [موضوع این بند هم] حوادث غیرمترقبه و امداد است.

آقای علیزاده - مگر نمی‌خواهند این [مرکز مدیریت اطلاعات بلاای طبیعی آسیا و اقیانوسیه در ایران]، به طور دائم به وجود بیاید.

آقای مدرس‌یزدی - مگر این بند دارد چه کار می‌کند!؟

آقای امیری - [اگر دولت می‌خواهد مرکز مدیریت اطلاعات بلاای طبیعی آسیا و اقیانوسیه را در ایران تأسیس کند]، باید جداگانه و تحت عنوان [لایحه‌ی] عضویت در این سازمان، لایحه‌ی دوفوریتی یا سه‌فوریتی به مجلس بدهد.

آقای مدرس‌یزدی - حالا به هر حال، تأسیس چنین سازمانی پول می‌خواهد دیگر.

آقای علیزاده - نه، اصلاً نیاز به لایحه‌ی جداگانه ندارد؛ چون خود ما هم به عضویت این سازمان درآمده‌ایم و قبلاً گفته‌ایم که باید چنین مرکزی را در ایران تشکیل بدهند.

آقای امیری - بله، بند (۷۵) فقط در خصوص حکم تأسیس مرکز است؛ [بنابراین] حکم تأسیس این مرکز چه ارتباطی به قانون بودجه دارد!؟

آقای مدرس‌یزدی - خب تأسیس این مرکز، به پول نیاز دارد. بند (۷۵)، واقعاً نامربوط نیست؛ چون عنوان فصل، «حوادث غیرمترقبه و امداد» است.

منشی جلسه - «پنجم - علم و فناوری

۷۶- مصوبات هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و آموزشی با رعایت مواد (۲۰) و (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ معتبر است. هیئت‌های مذکور

۱. مواد (۲۰) و (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۲۰-

الف- به منظور زمینه‌سازی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی دولت مجاز است:

۱- هزینه سرانه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد تقاضای کشور بر اساس هزینه‌های آموزشی و هزینه‌های خدمات پژوهشی، تحقیقاتی و فناوری مورد حمایت را در چهارچوب بودجه‌ریزی عملیاتی برای هر دانشگاه و مؤسسه آموزشی، تحقیقاتی و فناوری دولتی محاسبه و به طور سالانه تأمین کند.

۲- حمایت مالی و تسهیل شرایط برای افزایش تعداد مجلات پژوهشی و ترویجی کشور در زمینه‌های مختلف علمی با حفظ کیفیت به‌گونه‌ای که تا

هزار و سیصد میلیارد (۲,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نسبت مساوی هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جهت اجرای مأموریت، تکالیف و وظایف مندرج در قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به جمعیت مذکور اختصاص می‌یابد.»

آقای علیزاده - مجلس این بند را [به لایحه‌ی پیشنهادی دولت] اضافه کرده است.

منشی جلسه - «۷۴- منابع بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به صورت کمک بلاعوض، یارانه، حق بیمه محصولات کشاورزی و دامی، یارانه سود تسهیلات، تسهیلات قرض‌الحسنه یا به صورت ترکیبی در همه بخش‌ها به طور مستقیم یا از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و صندوق‌ها نیز حسب مورد اقدام، پرداخت، هزینه و مصرف گردد.

مبلغ یک‌هزار و پانصد میلیارد (۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل اعتبارات موضوع بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به صندوق بیمه محصولات کشاورزی تخصیص می‌یابد.

۷۵- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است در خصوص ایجاد، تأسیس و راه‌اندازی مرکز مدیریت اطلاعات بلاای طبیعی آسیا و اقیانوسیه در جمهوری اسلامی ایران موضوع قطعنامه شماره ۶۷/۴ مورخ ۱۳۹۰/۳/۳ برابر با ۲۰۱۱/۵/۲۵ میلادی کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل مرکز آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) بر اساس برنامه‌های مرکز که مورد تأیید طرفین است، اقدام نماید.»

آقای مدرس‌یزدی - این بند در لایحه‌ی دولت بوده یا نبوده است؟

آقای علیزاده - بله، این بند در لایحه بوده است.

آقای مدرس‌یزدی - درست است؛ چون داشت بودجه‌ی حوادث غیرمترقبه را بیان می‌کرد، این هم یکی از مواردی است که باید انجام بشود؛ پس این بند نامربوط نیست. من اول فکر کردم این بند، به حوادث غیرمترقبه مربوط نیست؛ بعد دیدم مربوط است.

→

خشکسالی، سیل و مانند آنها تا معادل سه درصد (۳٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه موضوع ماده (۱) این قانون تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه خواهد شد. آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»



پایان برنامه، تعداد مجلات و مقالات چاپ شده در مجلات علمی داخلی نسبت به سال پایانی برنامه چهارم را حداقل به دو برابر افزایش دهد. همچنین تمهیدات لازم برای دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی علمی معتبر را فراهم نماید.

۳- از ده دانشگاه برتر وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری و پنج دانشگاه برتر وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که دارای عملکرد برجسته در راستای گسترش مرزهای دانش و فناوری هستند، حمایت مالی و حقوقی و پشتیبانی ویژه نماید.

۴- از انجمن‌های علمی، حمایت مالی به عمل آورد.

ب- دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیئت امنا که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس جمهور می‌رسد، عمل می‌نمایند. اعضای هیئت علمی ستادی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز مشمول حکم این بند هستند. حکم این بند شامل مصوبات، تصمیمات و آیین‌نامه‌های قبلی نیز می‌گردد و مصوبات یادشده مادام که اصلاح نگردیده به قوت خود باقی هستند.

تبصره ۱- صندوق‌های رفاه دانشجویان مشمول مفاد این بند می‌گردند.

تبصره ۲- هر گونه اصلاح ساختار و مقررات مالی - اداری، معاملاتی، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی فقط مشمول مفاد این بند است.

تبصره ۳- اعتبارات اختصاص‌یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات کمک تلقی شده و بعد از پرداخت به این مراکز به هزینه قطعی منظور و بر اساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امنا و با مسئولیت ایشان قابل هزینه است.

ج- معادل درآمدهایی که مؤسسات و مراکز آموزش عالی، پژوهشی و فناوری و فرهنگستان‌ها در هر سال از محل تبرعات، هدایا و عواید موقوفات جذب می‌نمایند از محل درآمد عمومی نیز به عنوان اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تأمین و محاسبه می‌گردد.

د- به منظور افزایش کارایی مأموریت‌های اصلی دانشگاه‌ها در امور آموزش، پژوهش و فناوری، در هر سال حداقل بیست درصد (۲۰٪) از امور خدمات رفاهی دانشجویان از نظر ساختاری از بدنه دانشگاه‌ها جدا و به بخش غیردولتی واگذار گردد.

ه- دولت مکلف است به منظور کاهش تصدی‌گری، جلوگیری از انجام امور موازی و تقویت نقش حاکمیتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وحدت رویه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ارتقای کمیت و کیفیت ارائه خدمات دانشجویی نسبت به ایجاد مدیریت واحد ساماندهی امور



مربوط، بهره‌گیری از مجموعه امکانات و توانمندی‌های حقوقی، پرسنلی و اعتبارات صندوق رفاه دانشجویان، فعالیت‌های امور ورزشی دانشجویان، اداره تربیت بدنی و معاونت دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طی سال اول برنامه اقدام کند.

و- اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل بودجه عمومی دولت به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها بر اساس ردیف مستقل در بودجه سنواتی آنها در قالب اعتبارات ملی اختصاص می‌یابد.

ز- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی و پیام نور و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت آموزش و پرورش، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی که دارای مجوز از یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند، تسهیلات اعتباری به صورت وام بلندمدت قرض‌الحسنه در اختیار صندوق رفاه دانشجویان و یا سایر نهادهای ذی‌ربط قرار دهد.

ح- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند از ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، بر اساس قیمت تمام‌شده یا توافقی با بخش غیردولتی و با تأیید هیئت امنا در مقاطع مختلف دانشجو بپذیرند و منابع مالی دریافتی را حسب مورد پس از واریز به خزانه کل به حساب درآمدهای اختصاصی منظور کنند.

ط- به دانشگاه‌ها اجازه داده می‌شود بخشی از ظرفیت آموزشی خود را از طریق پذیرش دانشجوی خارجی با دریافت شهریه تکمیل کنند. در موارد خاص به منظور ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی پذیرش دانشجوی خارجی با تصویب هیئت امنا بدون دریافت شهریه یا با تخفیف، مجاز است.

ی- دانشگاه‌های کشور، حسب مورد به تشخیص وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تصویب شورای گسترش وزارتخانه‌های مربوط، می‌توانند نسبت به تأسیس شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند.

ک- شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و همسران شهدا و همسران جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و همسران آزادگان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود.

تبصره ۱- پذیرش دانشجو در شعب دانشگاه‌های مذکور در داخل کشور خارج از آزمون سراسری انجام خواهد شد. ضوابط پذیرش دانشجو برای دوره کارشناسی توسط کارگروه موضوع ماده (۴) قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ و برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی با پیشنهاد دانشگاه‌ها و حسب مورد با تأیید یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- میزان شهریه دریافتی از دانشجویان با توجه به نوع رشته و سطح



موظفند در مصوبات خود به گونه‌ای عمل نمایند تا ضمن بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های در اختیار دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و آموزشی تمامی تعهدات قانونی در سقف اعتبارات ابلاغی تأمین گردد و از ایجاد تعهد مازاد در منابع ابلاغی جلوگیری به عمل آید. تبصره- کلیه مصوبات هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی برای افزایش و پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و اعضای هیئت علمی، رسمی و پیمانی و حق‌الزحمه سایر کارکنان صرفاً در چهارچوب اعتبارات این قانون معتبر است و

→

خدمات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ارائه شده، توسط هیئت امنای دانشگاه تعیین و اعلام می‌شود. اجرای دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی طبق ضوابط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این گونه شعب بلامانع است.

تبصره ۳- دولت مکلف است حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ درخواست داوطلب نسبت به اعطای روادید (ویزا) و اجازه اقامت برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان خارجی این شعب دانشگاهی و جامعه‌المصطفی‌العالمیه اقدام کند.

تبصره ۴- دانشجویان ایرانی این شعب دانشگاهی، همانند سایر دانشجویان از معافیت تحصیلی برخوردار خواهند بود.

تبصره ۵- نحوه پذیرش دانشجو موضوع بندهای (ح) و (ی) این ماده در مقاطع مختلف به پیشنهاد هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات یادشده و حسب مورد با تأیید وزارتخانه‌های ذی‌ربط و با رعایت قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ خواهد بود. در مقاطع کارشناسی ارشد و بالاتر با استفاده از ظرفیت‌های جدید از طریق امتحانات ورودی مؤسسات یادشده با در نظر گرفتن توان علمی داوطلبان با رعایت ضوابط سازمان سنجش آموزش کشور خواهد بود.

تبصره ۶- مدرک تحصیلی دانشجویان موضوع بندهای (ح) و (ی) این ماده با درج نوع پذیرش و محل تحصیل صادر می‌گردد.

ل- حوزه‌های علمی از تسهیلات، مزایا و امکاناتی که برای مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین شده یا می‌شود، برخوردار هستند.

ماده ۲۹- کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و همچنین تصمیمات و مصوبات هیئت‌های امنای و مقامات اجرایی و مراجع قوه مجریه به استثنای احکام محاکم قضایی که متضمن بار مالی برای صندوق‌های بازنشستگی یا دستگاه‌های اجرایی و دولت باشد، در صورتی قابل اجرا است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قوانین بودجه کل کشور و یا بودجه سالانه دستگاه یا صندوق ذی‌ربط تأمین اعتبار شده باشد. در غیر این صورت، عمل مراجع مذکور در حکم تعهد زائد بر اعتبار است و مشمول پرداخت از سوی دستگاه یا صندوق‌های مربوطه نخواهد بود.

دستگاه‌ها و صندوق‌های مربوط مجاز به اجرای احکام مقامات اجرایی و مراجع قوه مجریه که بار مالی آن تأمین نشده است، نیستند. اجرای احکام یادشده فقط در حدود منابع مذکور ممکن است. در هر حال، تحمیل کسری بودجه به دولت و دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌ها غیرقابل پذیرش می‌باشد. مسئولیت اجرای این بند به عهده رؤسای دستگاه‌ها و صندوق‌ها و مدیران و مقامات مربوط است.»

هرگونه ایجاد تعهد مازاد بر اعتبارات ابلاغی ممنوع می‌باشد.»
آقای کدخدائی - تصویب این بند، رعایت حد نصاب [دو سوم آرای نمایندگان که برای اصلاح قوانین برنامه‌های پنج‌ساله کشور لازم است] را نمی‌خواهد؟ چون این بند، یک بحثی را در ارتباط با قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه دارد و در واقع، [حکم مقرر در قانون برنامه را] به مواردی که احتمالاً در قانون برنامه پنجم نبوده، مقید کرده است.

آقای ره‌پیک - مجلس گفته که همه‌ی بندهای [مربوط به اصلاح قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه] را با نصاب دو سوم رأی گرفته‌اند و تصویب کرده‌اند.

آقای کدخدائی - یعنی در خصوص همه‌ی این موارد، نصاب دو سوم را رعایت کرده‌اند؟ در همه‌ی مواد این مصوبه؟

آقای ره‌پیک - گفتند که در خصوص همه‌ی این موارد، نصاب دو سوم را رعایت کرده‌ایم.

آقای کدخدائی - نظر من این است که این مصوبه، ابهام دارد؛ چون به هر حال این بند، قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه را مقید کرده است و معلوم نیست که آن حد نصاب در تصویب این بند رعایت شده باشد. آقای دکتر ره‌پیک می‌فرمایند که مجلس گفته است که ما همه‌ی این موارد را با رعایت نصاب دو سوم رأی گرفته‌ایم.

آقای علیزاده - این بند، اشکال دارد.

آقای امیری - در شورای نگهبان که ایراد گرفتن نسبت به این موارد را لغو کردیم؛ چون [طبق استدلال] حاج‌آقای علیزاده، این بحث، مربوط به آیین‌نامه‌ی داخلی خود مجلس است [و به شورای نگهبان ارتباطی ندارد].

آقای اسماعیلی - بند (۷۶) دانشگاه‌ها را دارد می‌گوید دیگر.

آقای جنتی - حالا این [رعایت نشدن نصاب دو سوم] را باید مستند بگوییم که فعلاً ما دلیلی برای آن نداریم.

آقای کدخدائی - در این بند، دارند دانشگاه‌ها را در هزینه‌ها محدود می‌کنند و دستشان را می‌بندند. اصل این بند، این است. وضعیت دانشگاه‌ها در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم درست شد، اما اینجا دوباره دارند دستشان را می‌بندند.

آقای اسماعیلی - این ایراد، رأی مغایرت ندارد.

آقای کدخدائی - بله، من فقط می‌گویم چون اصلاح قانون برنامه است و یک قیدی به مقررات آن قانون زده است [از این جهت، ممکن است ایراد داشته باشد].

آقای علیزاده - خب، کجای قانون اساسی می‌گوید [اصلاح قانون

جایی که در خود قانون اساسی، رعایت نصاب خاصی بیان شده باشد.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، ببینید اصل (۶۵) می‌گوید تصویب طرح‌ها و لوایح باید طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس باشد. **آقای علیزاده -** حالا در این اصل، صحبت از رعایت تمام آیین‌نامه نیست.

آقای مدرسی یزدی - این اصل گفته مصوبات مجلس باید طبق آیین‌نامه داخلی مجلس و به هر شیوه‌ای که در این آیین‌نامه مقرر شده است، انجام شود.

آقای علیزاده - منظور از «طبق آیین‌نامه»، رعایت نصاب است.

آقای مدرسی یزدی - نه، همه چیزش، فرقی نمی‌کند؛ همه امور باید طبق آیین‌نامه باشد.

آقای جنتی - حالا این چیزی نیست که ما به آن ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - چرا نیست؟! واقعاً هست. ما که معتقدیم هر جا که احراز کنیم مجلس بر خلاف آیین‌نامه‌ی داخلی‌اش عمل کرده، می‌توانیم ایراد بگیریم [و آن را مغایر اصل (۶۵) قانون اساسی اعلام کنیم].

آقای یزدی - حالا این اشکال شما به کجاست؟

آقای مدرسی یزدی - آقایان می‌گویند آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس بیان می‌کند که آنچه که مربوط به اصلاح قانون برنامه است، باید با دو سوم آرای نمایندگان به تصویب برسد، اما الآن در اینجا در تصویب ماده (۷۶) [که اصلاح قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه است]، معلوم نیست که دو سوم نمایندگان به این ماده رأی داده باشند.

آقای امیری - اگر بخواهیم این بند را ایراد بگیریم، باید باز برگردیم؛ چون این ایراد به خیلی از بندهای قبلی هم وارد است و خیلی از جاهای دیگر هم، همین جوری است.

آقای یزدی - اگر می‌خواهید ببینید که آیین‌نامه داخلی مجلس رعایت شده یا نه، مدیر جلسه [رئیس مجلس یا یکی از نواب رئیس مجلس] بوده است [و قاعداً بر این کار نظارت می‌کرده است]. اگر هم خلاف آیین‌نامه چیزی بخواهد تصویب شود، ایشان می‌بیند که آیین‌نامه رعایت شده است یا نه.

آقای مدرسی یزدی - بله، ما قاعداً نمی‌توانیم از این نظر [=عدم رعایت آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس] ایراد بگیریم؛ باید حمل بر صحت کرد.

منشی جلسه - «۷۷- اعضای هیئت علمی آموزشی و پژوهشی شاغل در سمتهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با اطلاع مدیریت دانشگاه برای داشتن سهام یا

برنامه، نیاز به رأی دو سوم دارد؟]

آقای امیری - آقای دکتر [کدخدائی]، این مصوبه، موارد دیگری هم از این جنس داشت که به آنها ایراد وارد نکردیم.

آقای علیزاده - [ضمن اینکه، در این موارد] ظاهراً مجلس نصاب دو سوم را رعایت کرده است.

آقای مدرسی یزدی - اگر ما بدانیم [و یقین داشته باشیم که مجلس در تصویب مقرره‌ای] آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس را رعایت نکرده است، خلاف است؛ چون قانون اساسی می‌گوید مجلس باید آیین‌نامه‌ی داخلی‌اش را رعایت کند.

آقای علیزاده - آن چیزی که در قانون اساسی در زمینه‌ی آیین‌نامه داخلی مجلس گفته، در مورد رعایت نصاب برای تصویب خود آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس است.

آقای مدرسی یزدی - نه، قانون اساسی کلی گفته است.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - اصل (۶۵) قانون اساسی را بخوانید.

آقای علیزاده - ببینید اصل (۶۵)، در مورد رعایت نصاب در مجلس [هنگام تصویب آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس] است.

آقای مدرسی یزدی - نه آقا، اعم است.

آقای علیزاده - اصل (۶۵) قانون اساسی می‌گوید: «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی، نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی، موافقت دو سوم حاضران لازم است.»

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب. پس بنابراین، مصوبات مجلس باید طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس به تصویب برسد.

آقای علیزاده - طبق آیین‌نامه یعنی باید دید نصاب آیین‌نامه در قانون اساسی چقدر است [و آیا رعایت شده است یا نه]. هر سه تا [رسمیت جلسات مجلس، تصویب طرح‌ها و تصویب لوایح در مجلس]، در مورد نصاب است.

آقای مدرسی یزدی - مصوبات مجلس باید طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس باشد؛ اگر [به طریقی] غیر از مقررات آیین‌نامه‌ی داخلی باشد، خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - آقا، اصل (۶۵)، در مورد نصاب است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر.

آقای علیزاده - اصل (۶۵) می‌گوید که مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم نمایندگان تشکیل می‌شود. در بقیه موارد، نصاب رسیدگی و تصویب با آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس است، مگر در

مدیریت خدمات کشوری^۲ در حکم حقوق، ثابت باقی بماند، انجام می‌پذیرد.»

۸۰- در تمامی دستگاه‌های اجرایی، امتیاز کمک‌هزینه فوت و ازدواج ۶۵۰۰ و امتیاز حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) ۱۵۰ تعیین و پرداخت می‌گردد.»

آقای مدرسی‌یزدی - یعنی هر کس فوت کند، با کمک‌هزینه‌ی فوت کمکش می‌کنند!

آقای کدخدائی - بله، این حکم برای مستخدمین دستگاه‌های اجرایی است که وقتی فوت می‌کنند، معمولاً این کمک‌هزینه را به ورثه‌ی آنها می‌دهند.

۲. مواد (۷۱) و (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات بعدی: «ماده ۷۱- سیمت‌های ذیل مدیریت سیاسی محسوب شده و به عنوان مقام شناخته می‌شوند و امتیاز شغلی مقامات مذکور در این ماده به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- رؤسای سه قوه (۱۸۰۰۰) امتیاز؛

ب- معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای نگهبان (۱۷۰۰۰) امتیاز؛

ج- وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس جمهور (۱۶۰۰۰) امتیاز؛

د- استانداران و سفرا (۱۵۰۰۰) امتیاز؛

ه- معاونین وزرا (۱۴۰۰۰) امتیاز.

تبصره ۱- نخست‌وزیران دوران انقلاب اسلامی با مقامات بند (ب) این ماده هم‌تراز می‌گردند و تعیین سایر پست‌های هم‌تراز به عهده هیئت وزیران بوده و تعیین هم‌ترازی پست‌های کارکنان اداری مجلس به عهده رئیس مجلس خواهد بود.

تبصره ۲- علاوه بر حقوق موضوع ماده فوق و امتیاز ویژگی‌های شاغل (مذکور در ماده (۶۶)) که حقوق ثابت تلقی می‌گردد، فوق‌العاده‌های ماده (۶۸) این قانون نیز حسب مورد به مقامات تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۳- دولت مجاز است با پیشنهاد سازمان، برخی از امتیازات قانونی مقامات موضوع این قانون (به استثنای حقوق و مزایا) را به مشاغل خاص ویژه مدیریت حرفه‌ای و یا سیمت‌های خاص و ویژه قضایی تسری دهد.

ماده ۷۸- در دستگاه‌های مشمول این قانون کلیه مبنای پرداخت خارج از ضوابط و مقررات این فصل به استثنای پرداخت‌های قانونی که در زمان بازنشسته‌شدن یا ازکارافتادگی و یا فوت پرداخت می‌گردد و همچنین برنامه کمک‌های رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت و آمد، سلف سرویس، مهد کودک و یا سایر موارد پرداخت می‌گردد، با اجرای این قانون لغو می‌گردد.

تبصره- در صورتی که با اجرای این فصل، حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی هریک از کارمندان که به موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود و این تفاوت تطبیق ضمن درج در حکم حقوقی با ارتقاءهای بعدی مستهلک می‌گردد. این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه نیز منظور می‌گردد.»

سهم‌الشرکه و عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دانش‌بنیان، مشمول «قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲» نیستند. **آقای علیزاده** - در اینجا [بر خلاف بند قبلی] دست دانشگاه‌ها را باز گذاشته‌اند، یک‌جا بسته‌اند و یک‌جا باز گذاشته‌اند.

منشی جلسه - «۷۸- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مکلفند یک درصد (۱٪) تا سه درصد (۳٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور پژوهشی و توسعه فناوری هزینه نمایند.»

آقای علیزاده - دولت [در لایحه پیشنهادی بودجه] گفته نیم درصد (۵٪) تا سه درصد (۳٪) درصد، اما مجلس در اینجا گفته یک درصد (۱٪). این بند هم به نفع دانشگاه‌ها است.

منشی جلسه - «اعتبارات موضوع این بند فقط در چهارچوب سیاست‌ها و نقشه جامع علمی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظارت شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و اولویت‌های تحقیقاتی دستگاه‌ها و شرکت‌های ذی‌ربط که به تصویب شورای مذکور می‌رسد و همچنین با رعایت جزء (۱) بند (م) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ و قوانین و مقررات هزینه می‌گردد. مصرف اعتبارات موضوع این بند در موارد دیگر ممنوع است.

آیین‌نامه اجرایی این بند حداکثر تا پایان تیرماه ۱۳۹۲ توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ششم- نظام اداری و مدیریت

۷۹- افزایش حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر از قبیل هیئت علمی، کارکنان کشوری و لشکری و قضات به طور جداگانه توسط دولت به نحوی که تفاوت تطبیق موضوع مواد (۷۱) و (۷۸) قانون

۱. جزء (۱) بند (م) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «م-»

۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی و مراکز تحقیقاتی وابسته به آنها و شرکت‌های دولتی که از اعتبارات بخش تحقیقات کشور (توسعه علوم و فناوری و یا اعتبارات پژوهشی) استفاده می‌کنند، موظفند این اعتبارات را بر اساس سیاست‌گذاری‌ها و اولویت‌های تحقیقاتی تعیین‌شده توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری هزینه نمایند و هر سه ماه یک‌بار گزارش عملکرد خود را به دبیرخانه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری ارائه دهند. شورا موظف است پس از دریافت گزارش و حداکثر تا پایان اردیبهشت‌ماه سال بعد گزارش جامعی از عملکرد اعتبارات تحقیقاتی کشور را به همراه نتایج و دستاوردهای پژوهشی تهیه و پس از تأیید در شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

۸۳- سقف افزایش حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌های نقدی و غیر نقدی شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، بانک‌ها و بیمه‌ها موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^۳ به کارکنان و مدیران خود در سال ۱۳۹۲ توسط هیئت وزیران تعیین می‌گردد. از ابتدای سال، اجرای بودجه شرکت‌های مذکور در سقف یادشده امکان‌پذیر است. در اصلاحیه بودجه سال ۱۳۹۲ عناوین مذکور، افزایش پرداخت نقدی و غیرنقدی از قبیل حقوق و مزایا، پاداش تحت هر عنوان، عیدی و نظایر آن و همچنین کمک‌های نقدی و غیر نقدی به کارکنان و مدیران و اعضای هیئت مدیره نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی و شرکت‌هایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، علاوه بر پرداخت‌های قانونی منظور شده در بودجه مصوب سال ۱۳۹۲ شرکت‌های مزبور ممنوع است.

عضویت کارکنان دستگاه‌های اجرایی و دارندگان ردیف و سایر مشمولین قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی یا شرکت‌های وابسته و تابعه شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به صورت موظف و غیرموظف، فقط در قالب مأموریت با دریافت حقوق و مزایا مجاز بوده و هر گونه دریافتی به هر نحو از جمله به استناد قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن، فقط از یک محل و یک صندوق مجاز است.

۸۴- کلیه اشخاص حقوقی که تمام و یا قسمتی از اعتبارات آنها از محل منابع بودجه عمومی تأمین می‌شود و شکل حقوقی آنها منطبق با تعاریف مذکور در مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور^۴ نیست، در مصرف اعتبارات مذکور از لحاظ اجرای

آقای مدرسی‌یزدی - خودش فوت کند، کمک‌هزینه‌ی فوت خودش را به خودش می‌دهند!

آقای کدخدائی - یک مبلغی را به بستگانشان می‌دهند.

آقای مدرسی‌یزدی - برای هزینه‌ی تدفین و ...

آقای کدخدائی - بله، برای همین کار است.

منشی جلسه - «۸۱- ماده (۱۷) قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ منحصر به امور خدمات اداری دستگاه‌های اجرایی است و شامل اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نمی‌شود. همچنین اختیارات هیئت وزیران در مورد تعیین نصاب معاملات موضوع قانون برگزاری مناقصات به مواردی که معامله به صورت مزایده انجام می‌شود نیز تسری می‌یابد.

۸۲- بازنشستگی پیش از موعد کلیه مشمولین قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت و قانون تمدید آن با موافقت بالاترین مقام اجرایی دستگاه یا مقام مجاز موضوع مواد (۵۲) و (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور^۲ و بدون سنوات ارفاقی پیش از موعد مجاز است. اجرای این حکم از محل منابع دستگاه‌ها و واگذاری اموال دولتی قابل پرداخت است.

۱. ماده (۱۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات بعدی: «ماده ۱۷- به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی بر اساس فعالیت مشخص، حجم کار معین، قیمت هر واحد کار و قیمت کل به‌طور شفاف و مشخص بخشی از خدمات مورد نیاز خود را تأمین نمایند. در صورت عدم مراجعه متقاضیان، اجازه داده می‌شود با رعایت قانون برگزاری مناقصات و تأیید سازمان از طریق ترک تشریفات مناقصه اقدام گردد.

تبصره- شرکت‌های موضوع این ماده حسب وظایف مربوط توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا وزارت کار و امور اجتماعی تعیین صلاحیت شده و در صورت تخلف از حکم این ماده لغو صلاحیت می‌گردند.»

۲. مواد (۵۲) و (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ با اصلاحات بعدی: «ماده ۵۲- پرداخت هزینه‌ها به ترتیب پس از طی مراحل تشخیص و تأمین اعتبار و تعهد و تسجیل و حواله و با اعمال نظارت مالی به عمل خواهد آمد.

ماده ۵۳- اختیار و مسئولیت تشخیص و انجام تعهد و تسجیل و حواله به عهده وزیر یا رئیس مؤسسه و مسئولیت تأمین اعتبار و تطبیق پرداخت با قوانین و مقررات به عهده ذی‌حساب می‌باشد.

تبصره ۱- اختیارات و مسئولیت‌های موضوع این ماده حسب مورد مستقیماً و بدون واسطه از طرف مقامات فوق به سایر مقامات دستگاه مربوط کلاً یا بعضاً قابل تفویض خواهد بود، لیکن در هیچ مورد، تفویض اختیار و مسئولیت، سلب اختیار و مسئولیت از تفویض‌کننده نخواهد کرد.

تبصره ۲- در اجرای این ماده، تفویض اختیارات و مسئولیت‌های مربوط به وزیر یا رئیس مؤسسه و ذی‌حساب به شخص واحد و نیز تفویض اختیار و مسئولیت‌های وزیر یا رئیس مؤسسه به ذی‌حساب و یا کارکنان تحت نظر او مجاز نخواهد بود.»

۳. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۴. مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ با اصلاحات بعدی: «ماده ۲- وزارتخانه، واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود. ماده ۳- مؤسسه دولتی، واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.

ماده ۴- شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح، ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰

مقررات قانون یادشده در حکم مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به شمار می‌آیند.

۸۵- حذف شد.^۱

هفتم- بودجه و نظارت

۸۶- حذف شد.^۲

۸۷- افزایش اعتبار هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای معادل ده درصد (۱۰٪) از محل صرفه‌جویی در سایر اعتبارات هزینه‌ای هر دستگاه مجاز است. اعمال این حکم در مورد اعتبارات دستگاه‌ها و دارندگان ردیف منوط به پیشنهاد دستگاه‌های ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در سقف کل اعتبارات طرح است.

۸۸- حذف شد.^۳

۸۹- حذف شد.^۴

۹۰- در اجرای بند (ب) ماده (۲۱۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۵ و به منظور استفاده از ظرفیت‌های بخش غیردولتی، کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلفند برای شروع عملیات اجرایی پروژه‌ها و طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای ملی خود و یا طرح‌های بزرگ مصوب (مجمع و یا دولت از محل منابع داخلی) شرکت‌های دولتی با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰^۶ و قانون برگزاری مناقصات به روش ذیل اقدام کنند: «...»

آقای مدرسی‌یزدی - منظور از «مجمع» چیست؟

آقای مؤمن - مجمع خود شرکت.

→

درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود. تبصره- شرکت‌هایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به‌کارانداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.

ماده ۵- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون، واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.

۱. بند (۸۵) لایحه‌ی دولت: «۸۵- دعاوی راجع به حفظ حقوق و اموال بیت‌المال (حقوق و اموال عمومی و دولتی) از قبیل دعاوی مربوط به اراضی ملی، محیط زیست، منابع طبیعی، املاک و اموال دولتی و عمومی، از پرداخت هزینه دادرسی در مراحل مختلف معاف است و وجوه موضوع قانون اجازه پرداخت پنجاه درصد (۵۰٪) حق‌الوکاله‌های وصولی به نمایندگان قضایی و کارمندان مؤثر در پیشرفت دعاوی دولت مصوب ۱۳۴۴/۱۰/۱۲ با صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت طرف دعوی به پرداخت خسارت حق‌الوکاله و از محل مبالغ وصولی قابل پرداخت است.

معادل ده درصد (۱۰٪) از مبالغ موضوع قانون یادشده به صورت علی‌الحساب حسب مورد و بر اساس موضوع دادخواست‌های تقدیمی، از محل اعتبارات مصوب وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و در مورد شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی از محل منابع داخلی آنها قابل پرداخت است و پس از وصول مبالغ موضوع قانون یادشده به نحو مقتضی نسبت به اعمال حساب اقدام خواهد شد.»

۲. بند (۸۶) لایحه‌ی دولت: «۸۶- افزایش اعتبارات هزینه‌ای نسبت به اعتبارات مصوب وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی برای تأمین کسری احتمالی ناشی از هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر، تعهدات و مطالبات و حقوق نیروی انسانی تا سقف بیست درصد (۲۰٪) از اعتبارات هر یک از ردیف‌های منظور در جداول و پیوست‌های این قانون با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب دولت مجاز است.»

→

۳. بند (۸۸) لایحه‌ی دولت: «۸۸- مصارف درآمدهای اختصاصی موضوع این قانون در چهارچوب اهداف قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به میزان مورد نیاز و حداکثر تا منابع تعیین شده و براساس موافقتنامه متبادله دستگاه اجرایی با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و سازوکار تخصیص اعتبار قابل هزینه است.»

۴. بند (۸۹) لایحه‌ی دولت: «۸۹- کلیه مالکان املاک و مستغلات مکلفند حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ اعلام دولت، با مراجعه به سامانه‌ها یا محل‌هایی که تعیین و اعلام می‌شود، مشخصات املاک خود را ثبت نمایند. برنامه‌ریزی برای یکپارچه‌سازی و ایجاد سامانه‌های مورد نیاز توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام خواهد پذیرفت و کلیه دستگاه‌های اجرایی مرتبط موظف به همکاری و ارائه اطلاعات مورد نیاز به وزارت مذکور خواهند بود. هر گونه نقل و انتقال املاک و مستغلات منوط به ثبت اطلاعات در سامانه خواهد بود.»

۵. بند (ب) ماده (۲۱۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۴- ...»

ب- روش‌های اجرایی مناسب از قبیل «تأمین منابع مالی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری»، «تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری»، «طرح و ساخت کلید در دست»، «مشارکت بخش عمومی - خصوصی» و یا «ساخت، بهره‌برداری و مالکیت» را با پیش‌بینی تضمین‌های کافی به کار گیرد.»

۶. مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «ماده ۲۲- تشخیص صلاحیت و طبقه‌بندی مهندسين مشاور و پیمانکاران توسط سازمان بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران صورت خواهد گرفت. ارجاع کار به مهندسين مشاور و پیمانکاران و روش تعیین برنده مناقصه بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران توسط دستگاه اجرایی انجام می‌گیرد. تبصره- ارجاع کار از طرف دستگاه اجرایی به مؤسسات علمی و یا تخصصی جهت اجرای طرح‌های مطالعاتی همچنین انعقاد قرارداد مربوط با تأیید سازمان خواهد بود.

ماده ۲۳- سازمان برای تعیین معیارها و استانداردها، همچنین اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی، آیین‌نامه‌ای تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بر اساس آن دستورالعمل لازم به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌نماید و دستگاه‌های اجرایی موظف به رعایت آن می‌باشند.»

مجلس تذکر بدهیم.

منشی جلسه - «۲-۹۰-» تأمین منابع مالی اجرای طرح‌ها طبق دستورالعمل‌های ابلاغی موضوع ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه کشور حسب نوع قرارداد (با رعایت کمک دولت در نوع ه) به عهده شرکت پروژه طرف قرارداد می‌باشد.

۳-۹۰- زمین مورد نیاز طرح با رعایت قوانین و مقررات مربوط توسط دستگاه اجرایی تأمین و به مدت حداکثر پنجاه سال حسب نوع بهره‌برداری از طرح در اختیار شرکت پروژه قرار می‌گیرد، در غیر این صورت، تأمین زمین برای اجرای طرح، جزئی از موضوع قرارداد خواهد بود.

۴-۹۰- دولت موظف است حداکثر دو ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه این بند را شامل گشایش اعتبارات اسنادی ارزی و ریالی به نفع شرکت پروژه و یا برقراری تسهیلات لازم (اخذ وام و خطوط اعتباری توسط شرکت پروژه) و توثیق قراردادهای موضوع این بند، به عنوان بخشی از وثائق لازم در بانک‌های عامل را به تصویب برساند. در هر صورت، مسئولیت تأمین تمام منابع مالی احداث و اجرای طرح‌ها به استثنای سهم کمک مالی دولت (از پیش تعیین شده) بر عهده مشارکت (کنسرسیوم) برنده مناقصه از طریق شرکت پروژه است.

۵-۹۰- هزینه‌های مطالعات و نظارت دستگاه‌های اجرایی بر اجرای طرح بر عهده دستگاه است. همچنین تعهدات دستگاه طرف قرارداد شامل پیش‌پرداخت‌ها و پرداخت‌های آتی قراردادهای مذکور از طریق گشایش اعتبار اسنادی بوده و یا مقدم بر سایر پرداخت‌های دستگاه‌های اجرایی از محل اعتبارات و منابع دستگاه‌ها و ردیف‌های مصوب مربوط در قانون، تأمین و پرداخت می‌گردد.

ذی‌حساب دستگاه اجرایی مکلف است گواهی تعهد دستگاه اجرایی مبنی بر پرداخت مبالغ مشخص در سررسیدهای معین شده در قراردادهای موضوع این بند را برای ارائه به مؤسسات مالی و بانک‌ها به عنوان وثیقه (مکمل وثیقه موضوع جزء ۴-۹۰) برای دریافت تسهیلات توسط شرکت پروژه صادر نماید.

تبصره- پرداخت‌های قراردادهای نوع (د) صرفاً بر اساس و از محل منابع حاصل از صرفه‌جویی ناشی از اجرای قرارداد ذی‌ربط صورت می‌گیرد.

۶-۹۰- پس از احداث پروژه در صورت توافق طرف‌های قراردادهای موضوع این بند، شرکت پروژه مجاز است متناسب با سهم (آورده) خود امتیازات، حقوق، مستحقات، دارایی، منافع و

آقای علیزاده - منظور، همان مجمع عمومی شرکت‌ها است.

منشی جلسه - «۱-۹۰-» قرارداد تأمین منابع مالی، اجرا و بهره‌برداری طرح‌ها (پروژه‌ها) را به شرکت پروژه صاحب صلاحیت که صرفاً به همین منظور تأسیس می‌شود واگذار کنند و با آنها برای پیش‌خرید تأسیسات احداثی (نوع الف)، اجاره درازمدت تمام یا بخشی از تأسیسات (نوع ب)، خرید درازمدت و یا پیش‌خرید کالا و خدمات تولیدی آن طرح (نوع ج)، بهبود کارایی آب و انرژی (نوع د) و یا سایر انواع مشارکت بخش عمومی با بخش خصوصی برای ارائه خدمات عمومی (نوع ه) اقدام کنند.»

آقای مدرس‌یزدی - استفاده از واژه‌ی «پروژه»، عیبی ندارد؟ «شرکت پروژه»، ایراد [مغایرت با اصل (۱۵) قانون اساسی] ندارد؟

آقای کدخدائی - آقای اسماعیلی هم دیگر این ایراد را نمی‌گیرند؛ خسته شده‌اند.

منشی جلسه - «تبصره ۱- شرکت پروژه، شرکت سهامی خاص با سرمایه حداقل یک چهارم مبلغ قرارداد و یا شرکت تضامنی است که توسط مؤسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مشاوره‌ای، پیمانکار و یا سازنده برای عقد قرارداد و انجام پروژه تأسیس می‌شود.

تبصره ۲- قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تولیدی این پروژه‌ها و طرح‌ها که به طور مستقیم به عموم عرضه می‌شود با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با توجه به نوع بازار آن کالا یا خدمت تعیین می‌شود.

تبصره ۳- دولت مجاز است صرفاً در قرارداد نوع (ه) پس از پیش‌بینی ردیف بودجه کمک‌های فنی و اعتباری به تفکیک سنوات مورد نیاز و از طریق گشایش اعتبار اسنادی به شرکت پروژه تا چهل درصد (۴۰٪) مبلغ برآورد دستگاه مناقصه‌گزار برای ساخت، کمک مالی اعطا کند.

تبصره ۴- مشارکت دولت و دستگاه‌های دولتی در سهامداری و مدیریت شرکت پروژه ممنوع است.

تبصره ۵- به‌کارگیری روش‌های موضوع این بند در پروژه‌های (طرح‌ها) استانی ویژه و استانی بلا مانع است.»

آقای علیزاده - خب، پس اگر این جور است [که در تبصره (۵) آمده]، به مجلس بگوییم هر جا که واژه‌ی «پروژه» به‌کار برده‌اید، آن را به «طرح» تبدیل کنید؛ یعنی در مورد امثال تبصره (۵) که گفته است، «این بند در پروژه‌های (طرح‌ها) استانی ...».

آقای کدخدائی - بله، پروژه‌ها (طرح‌ها) را نوشته است؛ ولی در سطرهای بالایی این بند، اشتباه به‌کار برده‌اند. این موضوع را به

ارزش حال بازپرداخت پیشنهادی به ارزش حال هزینه‌های آب یا انرژی صرفه‌جویی شده خواهد بود.

۹-۹۰- شرکت‌های مشارکت‌کننده در مناقصه‌ها و شرکت پروژه طرف قرارداد باید حسب مورد بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی، تشخیص صلاحیت شده باشند. همچنین اجرا و احداث طرح‌های موضوع این بند صرفاً توسط پیمانکاران صاحب صلاحیت و با رعایت استانداردهای لازم صورت گیرد.

۱۰-۹۰- دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب مورد امکان استفاده از بیمه تعهدات دستگاه اجرایی، نرخ سالانه محاسبه ارزش حال ارقام پیشنهاد مالی مناقصه‌گران، مبلغ پیش‌پرداخت عقد قرارداد و همچنین زمان‌بندی، مبلغ و نحوه پرداخت کمک مالی دولت به پروژه (نوع ه) را مشخصاً در اسناد مناقصه به همه مناقصه‌گران اعلام نمایند.

۱۱-۹۰- دستگاه‌های اجرایی در مورد ادامه اجرای طرح‌های نیمه‌تمام که بر اساس مواد (۴۶)، (۴۷) و (۴۸) شرایط عمومی پیمان^۲ و یا مواد متناظر در سایر پیمان‌ها، فسخ شده و یا خاتمه

۲. مواد (۴۶)، (۴۷) و (۴۸) تصویب‌نامه شرایط عمومی پیمان مصوب ۱۳۴۲/۳/۲۷ هیئت عامل:

«ماده ۴۶- موارد فسخ پیمان

الف) کارفرما می‌تواند در صورت تحقق هر یک از موارد زیر پیمان را طبق ماده (۴۷) فسخ کند.

۱) تأخیر در تحویل گرفتن کارگاه از جانب پیمانکار بیش از مهلت تعیین شده در بند (ب) ماده (۲۸).

۲) تأخیر در ارائه برنامه زمانی تفصیلی به مدت بیش از نصف مهلت تعیین شده برای تسلیم آن.

۳) تأخیر در تجهیز کارگاه برای شروع عملیات موضوع پیمان بیش از نصف مدت تعیین شده در بند (ج) ماده (۴) موافقتنامه فسخ پیمان؛ در این حالت در صورتی مجاز است که کارفرما قسمتی از پیش‌پرداخت را که باید بعد از تحویل کارگاه پرداخت کند، پرداخت کرده باشد.

۴) تأخیر در شروع عملیات موضوع پیمان بیش از یک دهم مدت اولیه پیمان یا دو ماه هر کدام که کمتر است.

۵) تأخیر در اتمام هر یک از کارهای پیش‌بینی شده در برنامه زمانی تفصیلی بیش از نصف مدت تعیین شده برای آن کار با توجه به ماده (۳۰).

۶) تأخیر در اتمام کار به مدت بیش از یک چهارم مدت پیمان با توجه به ماده (۳۰).

۷) عدم شروع کار پس از رفع وضعیت قهری موضوع ماده (۴۳) و ابلاغ شروع کار از سوی کارفرما.

۸) بدون سرپرست گذاشتن کارگاه یا تعطیل کردن کار بدون اجازه کارفرما، بیش از ۱۵ روز.

۹) عدم انجام دستور مهندس مشاور برای اصلاح کارهای انجام شده معیوب طبق بند (د) ماده (۳۲).

۱۰) انحلال شرکت پیمانکار.

تعهدات را به اشخاص ثالث دارای صلاحیت واگذار کند و یا با رعایت قوانین و مقررات از این حقوق، دارایی و منافع برای اخذ تسهیلات و یا انتشار اوراق بهادار استفاده نماید.

تبصره ۱- پس از احداث، نقل و انتقال سهام شرکای شرکت پروژه حسب مورد به اشخاص صاحب صلاحیت با توافق طرف‌های قرارداد بلامانع است.

تبصره ۲- در طول دوره اجرا و پس از احداث پروژه، استفاده از حقوق شرکت پروژه و منافع پروژه به منظور تأمین منابع مالی ارزی و ریالی برای اجرای پروژه با توافق طرف‌های قرارداد و حفظ مسئولیت‌های شرکت پروژه در قرارداد بلامانع است.

۷-۹۰- حذف شد.^۱

۸-۹۰- مشارکت (کنسرسیوم) مؤسس شرکت پروژه موضوع این بند صرفاً با برگزاری مناقصه دو مرحله‌ای (با پیشنهاد فنی بازرگانی و مدل مالی قابل قبول) انتخاب می‌شود. ارزیابی مالی مناقصات بر اساس کمترین ارزش حال کل پرداختی به شرکت پروژه (از جمله هزینه بیمه احتمالی قرارداد، پیش‌پرداخت سال عقد قرارداد، پرداخت‌های آتی، هزینه و سود تسهیلات دوره ساخت و بهره‌برداری حسب مورد) با احتساب نرخ سالانه پانزده درصد (۱۵٪) تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) صورت می‌گیرد.

تبصره ۱- پیشنهاد مالی مناقصه‌گران باید متضمن گواهی رسمی مؤسسات سرمایه‌گذاری و مالی و یا بانک‌های دارای مجوز از سازمان بورس اوراق بهادار و یا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تأمین مالی پروژه باشد.

تبصره ۲- پیش‌پرداخت، سایر پرداخت‌ها و کمک‌های دولت به شرکت پروژه قبل از بهره‌برداری از طرح صرفاً در مقابل اخذ ضمانت‌نامه معتبر صورت می‌گیرد.

تبصره ۳- برنده در مناقصه نوع (د) بر اساس مناسب‌ترین نسبت

۱. بند (۷-۹۰) لایحه دولت: «۷-۹۰- با تصویب هیئت امنای صندوق توسعه مالی، مبلغ یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از منابع صندوق توسعه ملی نزد سیستم بانکی (بانک مرکزی و بانک‌های عامل) سپرده‌گذاری می‌شود تا با بررسی و تأیید توجیه طرح و یا پروژه مورد نظر توسط کمیته‌ای متشکل از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، یکی از اعضای هیئت عامل صندوق توسعه ملی و یکی از اعضای هیئت مدیره بانک عامل، به تناسب تسهیلات مورد نیاز آن طرح، بخشی از مبلغ مذکور در مورد هر یک از طرح‌ها مسدود شده تا به منظور وجه‌الضمان (پشتیبان وثیقه) انجام تعهدات شرکت پروژه خصوصی طرف قرارداد برای اخذ تسهیلات قراردادهای موضوع این بند مورد استفاده قرار گیرد.

تبصره- این وجه‌الضمان مسدودشده به تناسب انجام تعهدات شرکت پروژه آزاد می‌شود تا در اختیار سایر پروژه‌ها قرار گیرد.»



(۱۱) ورشکستگی پیمانکار یا توقیف ماشین‌آلات و اموال پیمانکار از سوی محاکم قضایی به گونه‌ای که موجب توقف یا کندی پیشرفت کار شود.

(۱۲) تأخیر بیش از یک ماه در پرداخت دستمزد کارگران طبق بند (و) ماده (۱۷)

(۱۳) هرگاه ثابت شود که پیمانکار برای تحصیل پیمان یا اجرای آن به عوامل کارفرما حقالعمل، پاداش یا هدایایی داده است یا آنها یا واسطه‌های آنها را در منافع خود سهیم کرده است.

ب) در صورت احراز موارد زیر، کارفرما پیمان را فسخ می‌کند:

(۱) واگذاری پیمان به شخص ثالث

(۲) پیمانکار مشمول ممنوعیت قانونی ماده (۴۴) گردد، به استثنای حالت پیش‌بینی شده در بند (ب) آن برای مشمول ماده (۴۸).

ماده ۴۷- اقدامات فسخ پیمان

الف) در صورتی که به علت بروز یک یا چند مورد از حالت‌های درج شده در ماده (۴۶)، کارفرما پیمان را مشمول فسخ تشخیص دهد، نظر خود را با ذکر مواردی که به استناد آنها پیمانکار را مشمول فسخ می‌داند، به پیمانکار ابلاغ می‌کند.

پیمانکار مکلف است که در مدت (۱۰) روز از تاریخ ابلاغ کارفرما در صورتی که دلایلی حاکی از عدم انطباق نظر کارفرما با موارد اعلام شده داشته باشد مراتب را به اطلاع کارفرما برساند. اگر ظرف مهلت تعیین شده پاسخی از سوی پیمانکار نرسد یا کارفرما دلایل اقامه شده او را مردود بداند کارفرما فسخ پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌کند و بدون احتیاج به انجام دادن تشریفات قضایی، به ترتیب مفاد این ماده عمل می‌نماید.

در صورتی که تصمیم کارفرما برای فسخ پیمان به استناد موارد درج شده در بند الف) ماده (۴۶) باشد، موضوع فسخ پیمان باید بدو به وسیله هیئتی متشکل از سه نفر به انتخاب وزیر یا بالاترین مقام سازمان کارفرما (در مورد سازمان‌هایی که تابع هیچ یک از وزارتخانه‌ها نیستند) بررسی و تأیید شود و مورد موافقت وزیر یا بالاترین مقام سازمان کارفرما قرار گیرد و سپس به پیمانکار ابلاغ شود.

ب) کارفرما تضمین انجام تعهدات و تضمین حسن انجام کار کسر شده را ضبط و به حساب خزانه واریز می‌کند و بی‌درنگ کارگاه تأسیسات و ساختمان‌های موقت مصالح و تجهیزات، ماشین‌آلات و ابزار و تمام تدارکات موجود در آن را در اختیار می‌گیرد و برای حفاظت آن اقدام لازم معمول می‌دارد. سپس بی‌درنگ از پیمانکار دعوت می‌کند که ظرف یک هفته نماینده‌ای برای صورت‌برداری و تهیه صورت‌مجلس کارهای انجام شده و تمام مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات و ابزار و تدارکات دیگر که در کارگاه موجود است معرفی نماید. هرگاه پیمانکار از معرفی نماینده ظرف مدت تعیین شده خودداری کند یا نماینده معرفی شده از جانب او در موعد مقرر برای صورت‌برداری حاضر نشود، کارفرما به منظور تأمین دلیل با حضور نماینده دادگاه محل برای صورت‌برداری اقدام می‌نماید و پیمانکار حق هیچ‌گونه اعتراضی در این مورد را ندارد. پس از صورت‌برداری پیمانکار بی‌درنگ طبق ماده (۴۰) اقدام به تهیه صورت وضعیت قطعی از کارهای انجام شده می‌کند.

ج) کارفرما تأسیسات و ساختمان‌های موقت را که در کارگاه احداث شده و برای ادامه کار مورد نیاز است، در اختیار می‌گیرد و بهای آن را برابر ارزش مصالح و تجهیزات باقی‌مانده که با توافق دو طرف تعیین می‌شود با توجه به اینکه در این موارد نباید وجهی بابت برچیدن کارگاه به پیمانکار پرداخت



شود، به حساب طلب پیمانکار منظور می‌کند. اگر تأسیسات و ساختمان‌های پیش‌گفته در خارج از محل‌های تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد، کارفرما بهای اجاره آنها را با توافق دو طرف تعیین می‌شود، برای مدتی که به منظور تکمیل کار در اختیار خواهد داشت به پیمانکار پرداخت می‌کند.

د) کارفرما می‌تواند ماشین‌آلات و ابزار و وسایل متعلق به پیمانکار را که در کارگاه که موجود است و به تشخیص خود برای اتمام کار مورد نیاز بداند، برای مدت مناسبی که برای جایگزین کردن آنها با ماشین‌آلات دیگر لازم است در اختیار بگیرد و هزینه اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود، به حساب طلب پیمانکار منظور نماید. کارفرما نمی‌تواند بدون موافقت پیمانکار ماشین‌آلات او را بیش از مدت‌های تعیین شده در زیر اجاره خود بگیرد.

۱- در مورد ماشین‌آلات ثابت مانند دستگاه مرکزی بتن، کارخانه آسفالت و ماشین‌آلات خاصی که نام آنها در شرایط خصوصی پیمان پیش‌بینی شده است، برابر مدتی که از رابطه زیر به دست می‌آید.

...

۲- در مورد سایر ماشین‌آلات، برابر ده ماه.

اگر پیمانکار به کارفرما بدهکار باشد، کارفرما به میزان طلب خود، اقلامی از ماشین‌آلات و ابزار و وسایل پیمانکار را که توسط کارشناس یا کارشناسان منتخب طرفین ارزیابی می‌شود در اختیار می‌گیرد و با رعایت قوانین جاری کشور، به تملک قطعی خود در می‌آورد.

ه) کارفرما از مصالح و تجهیزات پای کار آنچه طبق مشخصات بوده و برای اجرای پیمان تهیه شده است قبول می‌کند و بهای آن را بر اساس نرخ متعارف روز در تاریخ خرید که مورد توافق دو طرف باشد به حساب طلب پیمانکار منظور می‌نماید.

و) پیمانکار با دریافت ابلاغ فسخ پیمان، بی‌درنگ فهرست مصالح سفارش شده برای اجرای کار را همراه با شرایط خرید آنها برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما تا (۱۰) روز از دریافت فهرست پیش‌گفته اقلامی از مصالح و تجهیزات سفارش شده را که مورد نیاز تشخیص می‌دهد به پیمانکار اعلام می‌نماید تا پیمانکار قرارداد خرید آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تأدیه شده است، در مقابل تسلیم اسناد و مدارک آن به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و تأدیه بقیه بهای خرید و هر نوع تعهد مربوط به آنها به عهده کارفرما خواهد بود.

ز) هرگاه پیمانکار ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ کارفرما، به منظور توافق در اجرای بندهای (ج)، (د) و (ه) حاضر نشود یا توافق بین طرفین حاصل نگردد، کارفرما یک یا چند کارشناس رسمی دادگستری انتخاب می‌نماید. نظر این کارشناس یا کارشناسان برای طرفین قطعی است و حق‌الزحمه آنان را کارفرما می‌پردازد و به حساب بدهی پیمانکار منظور می‌کند.

ح) پیمانکار مکلف است که مازاد مصالح و تجهیزات و دیگر تدارکات خود را که در محل‌های تحویلی کارفرما باقی مانده است، حداکثر ظرف (۳) ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما، از محل‌های یاد شده خارج کند. در غیر این صورت، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به هر نحو که مقتضی بداند عمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهکاری‌های پیمانکار منظور دارد.

ط) از تاریخ ابلاغ فسخ پیمان تا تاریخی که صورت‌برداری‌ها و ارزیابی



یافته باشند نیز مجازند بر اساس این بند اقدام کنند.

در مورد پیمانکارانی که قراردادشان خاتمه یافته و مجدداً به روش این بند در مناقصه همان پروژه برنده می‌شوند، به میزان دو درصد (۲٪) مبلغ برآورد ساخت، به عنوان تشویق به مبلغ قرارداد جدید آنها اضافه می‌شود.

۱۲-۹۰- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است امور جمع‌آوری اطلاعات، تسهیل اخذ مجوزها و تضمین‌ها، تدوین دستورالعمل‌ها، تشخیص صلاحیت شرکت‌ها، هماهنگی بین دستگاه‌ها و پشتیبانی راهبردی از مشارکت عمومی- خصوصی برای راه‌اندازی فرآیند سرمایه‌گذاری، ساخت و بهره‌برداری را انجام دهد و گزارش اقدامات مربوطه را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. دستگاه‌های اجرایی موظفند هماهنگی لازم با آن معاونت را به عمل آورند.»

آقای یزدی - واقعاً این بحث‌هایی که در اینجا ذکر شده، مثل این موضوع که به چه نحو باید مناقصه برگزار شود و چه اقداماتی باید برای واگذاری پروژه‌ها صورت گیرد و... بودجه‌ای است؟! مخصوصاً که این فصل اصلاً ربطی به بودجه ندارد. آخر اینها

→

از رسیدگی و تأیید کارفرما به حساب بستنکاری پیمانکار منظور می‌گردد. (ه) کارفرما تأسیسات و ساختمان‌های موقتی را که در کارگاه احداث شده است، در اختیار می‌گیرد.

بهای این تأسیسات و ساختمان‌ها با در نظر گرفتن پرداخت‌هایی که قبلاً به پیمانکار شده است، با توافق دو طرف تعیین می‌شود و به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و بابت آن وجهی به عنوان برچیدن کارگاه پرداخت نمی‌شود. اگر تأسیسات و ساختمان‌های پیش‌گفته در خارج از محل‌های تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد، کارفرما بهای اجاره آنها را با توافق دو طرف تعیین می‌شود، برای مدتی که به منظور تکمیل کار در اختیار داشت به پیمانکار پرداخت می‌کند.

(و) پیمانکار مکلف است که مازاد مصالح و تجهیزات و دیگر تدارکات خود را که در محل‌های تحویلی کارفرما باقی مانده است، حداکثر ظرف مدت (۳) ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما، از محل‌های یاد شده خارج کند. در غیر این صورت، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به نحوی که مقتضی بداند عمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهی پیمانکار منظور کند. در این صورت پیمانکار نمی‌تواند نسبت به ضرر و زیان وارد شده به اموال و دارایی‌های خود دعوایی مطرح نماید.

(ز) در مورد تضمین‌های پیمانکار، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

۱- تضمین انجام تعهدات پیمان، طبق روش تعیین شده در تبصره (۱) ماده (۳۴) آزاد می‌شود، با این تفاوت که آخرین صورت وضعیت موقت موضوع تبصره پیش‌گفته حداکثر تا یک ماه پس از تحویل کار، اعم از قسمت تحویل موقت شده و تحویل قطعی شده، با احتساب مصالح پای کار تهیه می‌شود.

۲- تضمین حسن انجام کار قسمت تحویل موقت شده و قسمت تحویل قطعی شده، هر یک جداگانه طبق ماده (۳۵) آزاد می‌شود.»

→

طبق این ماده پایان می‌یابد، نصف هزینه‌های مربوط به نگهداری و حفاظت کارگاه به عهده کارفرما و نصف دیگر به عهده پیمانکار است. این مدت نباید از سه ماه بیشتر شود، در غیر این صورت هزینه‌های مربوط به نگهداری و حفاظت کارگاه برای ایام بیش از سه ماه به عهده کارفرماست.

ماده ۴۸- خاتمه پیمان

هرگاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر، تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را با تعیین تاریخ آماده کردن کارگاه برای تحویل، که نباید بیشتر از (۱۵) روز باشد، به پیمانکار ابلاغ می‌کند. کارفرما کارهایی را که ناتمام ماندن آنها موجب بروز خطر یا زیان مسلم است در این ابلاغ تعیین می‌کند و مهلت بیشتری به پیمانکار می‌دهد تا پیمانکار بتواند در آن مهلت، این گونه کارها را تکمیل کند و کارگاه را آماده تحویل نماید.

اقدامات بعد از خاتمه دادن پیمان به شرح زیر است:

(الف) کارفرما آن قسمت از کارها را که ناتمام است، طبق مقررات درج شده در ماده (۴۱) تحویل قطعی و آن قسمت را که پایان یافته است، طبق مقررات تعیین شده در ماده (۳۹) تحویل موقت می‌گیرد. اگر معایبی در مورد کارهای ناتمام مشاهده شود، پیمانکار مکلف است، به هزینه خود، در مدت مناسبی که با توافق کارفرما تعیین می‌شود، رفع عیب نماید و سپس تحویل قطعی دهد. در صورتی که پیمانکار در مهلت مقرر رفع نقص نکند، کارفرما طبق بند (د) ماده (۳۲) اقدام به رفع نقص می‌نماید. تا حدی که مورد لزوم و درخواست کارفرماست، پیمانکار باید نقشه‌ها، کاتولوگ‌ها، قراردادها را با پیمانکاران جزء و سایر مدارک اجرای کار را تحویل کارفرما دهد.

(ب) صورت وضعیت کارهای انجام شده، طبق ماده (۴۰) تهیه می‌شود.

(ج) در مورد مصالح و تجهیزات موجود و سفارش شده، به شرح زیر اقدام می‌شود:

۱- مصالح و تجهیزات موجود در کارگاه که طبق مشخصات فنی بوده و برای اجرای موضوع پیمان تهیه شده است، اندازه‌گیری بهای آن را بر اساس نرخ متعارف روز در تاریخ خرید، که مورد توافق دو طرف باشد، در صورت وضعیت قطعی منظور می‌شود.

۲- پیمانکار با دریافت ابلاغ خاتمه پیمان، بی‌درنگ فهرست مصالح و تجهیزات سفارش شده برای اجرای کار را همراه با شرایط خرید آن برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما تا (۱۰) روز از دریافت فهرست پیش‌گفته، اقدامی از مصالح و تجهیزات سفارش شده را که مورد نیاز تشخیص می‌دهد به پیمانکار اعلام می‌کند تا پیمانکار قرارداد خرید آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تأدیه شده است، در مقابل تسلیم اسناد و مدارک آن به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و تأدیه بقیه بهای خرید و هر نوع تعهد مربوط به آنها به عهده کارفرما خواهد بود.

۳- پیمانکار باید بی‌درنگ پس از دریافت ابلاغ خاتمه پیمان، تمام قراردادها را با پیمانکاران جزء و اشخاص ثالث را خاتمه دهد. خاتمه قراردادها را خرید مصالح و تجهیزاتی که مورد نیاز کارفرما نیست پس از اعلام نظر کارفرما طبق بند (۲)، انجام شود.

(د) در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان، در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده است و در اثر خاتمه دادن به پیمان ملزم به پرداخت هزینه و خسارت‌هایی به آن اشخاص گردد، این هزینه‌ها و خسارت‌ها، پس

←

آقای یزدی - من پیشنهاد می‌کنم فی‌الجمله، واقعاً یک تذکری بدهیم. آخر اینکه الآن همین جور می‌خوانیم و از آنها می‌گذریم، درست نیست. بالاخره باید یک چیزی به مجلس و به دولت گفته بشود. اصلاً بودجه‌ی سالانه، یعنی یک مصوبه‌ی مختصر.

آقای علیزاده - این بند (۹۰)، ربطی به مختصر و مفصل کردن بودجه ندارد؛ این بند مثل جمله‌ی معترضه است که در وسط بودجه آورده‌اند که اصلاً ربطی به اینجا ندارد.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال گفته شده که در قانون بودجه، اگر مواردی مرتبط با بودجه باشد، می‌توانند آنها را در مصوبه‌ی بودجه وارد کنند، ولی اگر مربوط به بودجه نباشد، نمی‌توانند آنها را وارد بودجه کنند.

آقای یزدی - قانون بودجه، مسئله‌ی درآمد و هزینه [یک سال کشور] است، هیچ‌چیز دیگر هم نیست؛ اینکه [درآمدهای مملکت] از کجا و از کدام منابع به دست می‌آید و اینکه [این درآمدها] چگونه و در کجا باید هزینه شود.

آقای مدرسی یزدی - اصل (۵۲) قانون اساسی می‌گوید مصوبه‌ی بودجه سالانه را باید طبق قوانین بودجه‌ریزی بنویسند. اگر طبق قانون بودجه‌ریزی ننویسند، خلاف قانون اساسی هم می‌شود؛ چون قانون اساسی می‌گوید آن را طبق قانون بودجه‌ریزی بنویسند. بنابراین اگر واقعاً احراز می‌کنید که این احکام نامربوط است، می‌توانید به آنها اشکال وارد کنید.

آقای امیری - حاج‌آقا، مگر بودجه غیر از درآمد و هزینه، چیز دیگری هم می‌تواند باشد.

آقای مدرسی یزدی - «بودجه» و آنچه که مربوط به بودجه است [می‌تواند در مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه بیاید].

آقای امیری - خوب باشد، این بند (۹۰) که مربوط به بودجه نیست. عدد و ارقام این بند کجاست؟

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد، من منکر نیستم. می‌گویم اگر احراز می‌کنید که نامربوط است، طبق قانون اساسی می‌توانید ایراد بگیرید.

آقای امیری - واقعاً آوردن مقررات این شکلی در بودجه، فرصت بررسی دقیق بودجه را از مجلس می‌گیرد. هر دستگاهی، هر مشکلی در اجرا دارد، با گنجاندن احکام و مقررات در قانون بودجه می‌خواهد آن را برطرف کند.

آقای یزدی - منظور حاج‌آقای مدرسی این است که اگر می‌خواهید اشکال کنید، اشکال قانون اساسی به آن وارد کنید.

آقای مدرسی یزدی - بند (۹۰)، اشکال قانون اساسی دارد.

چيست که در مصوبه‌ی بودجه آورده‌اند؟!

آقای کدخدائی - چون این موضوعات یک سری تعهدات مالی برای دولت به دنبال دارد، این احکام را در اینجا ذکر کرده‌اند.

آقای یزدی - نه، یک وقت [حکم مندرج در بودجه]، درباره‌ی کیفیت تعهد مالی، مبلغ و حدود و ثغور درآمد یا صرف مال است [که مباحث بودجه‌ای است و آوردن آن در مصوبه‌ی بودجه سالانه‌ی کل کشور اشکالی ندارد]؛ اما یک وقت درباره‌ی کیفیت قرارداد، نحوه‌ی ساخت و ساز و تعیین پیمانکاران و این جور چیزها است [که مسائل ماهوی است و اصلاً ارتباطی به بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور ندارد].

آقای علیزاده - بند (۱۲-۹۰) که واقعاً بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - انصافاً و واقعاً این موضوعاتی که اینجا آمده، بودجه‌ای نیست. اینها چیست آخر؟!

آقای امیری - بله.

آقای مؤمن - بگذریم آقا.

آقای یزدی - یکی، دو تا از این بندها را آدم می‌بیند [چشم‌پوشی می‌کند، اما] هفت، هشت تا، بلکه همه‌ی بندهای این قسمت به هم مرتبط است و ظاهراً هیچ‌کدام هم بودجه‌ای نیست! لایحه‌ی بودجه را مفصل و بزرگ کردن که هیچ فایده‌ای ندارد.

آقای امیری - حاج‌آقا، اینها را ایراد بگیریم تا دیگر این موارد را در مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه نیاورند.

آقای یزدی - مواردی که باید به شکل قانون مستقل تصویب شود، چرا لابه‌لای این بحث‌ها به عنوان بودجه می‌آورند؟! در

حقیقت، موارد مذکور در بند (۹۰)، بیان یک سری «مقررات» است؛ حتی عنوان «قانون» هم نمی‌توانیم به آنها اطلاق کنیم؛

«مقررات» به معنای واقعی است. ذکر این سری مقررات، اصلاً هیچ ارتباطی به بودجه ندارد. حالا لایحه‌ی بودجه را مفصل کردن

به این عنوان که زحمت زیادی برای تنظیم آن کشیده‌اند، درست نیست. خوب به چه دلیل، بی‌خود وقت خودتان را و وقت دولت و مجلس را صرف گنجاندن این موضوعات در بودجه کرده‌اید؟!

آقای علیزاده - این احکام بند (۹۰) هم یک چیزهایی است که باید دائمی هم باشند [نه اینکه صرفاً برای یک بازه‌ی زمانی یکساله تصویب و اجرا شوند].

آقای یزدی - بله، اکثر این احکام، دائمی هستند.

آقای علیزاده - بله، یک‌بار چنین احکامی را در یک مصوبه‌ی مستقل بیاورند و ما و خودشان را راحت کنند؛ همه را راحت کنند.

منشی جلسه - «۹۱- سقف ریالی اختیار شورای فنی استانها در مورد طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای استانی برابر نصاب معاملات متوسط اصلاح می‌شود.

۹۲- اجرای طرحهای مربوط به مطالعه و اجرا، مندرج در جداول این قانون منوط به خاتمه عملیات مطالعه و رعایت احکام و تکالیف ماده (۲۱۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ است.

۱. ماده (۲۱۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۵- پیشنهاد طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای جدید در لوائح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف- عناوین، اهداف کمی و اعتبارات طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای جدید با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه بر اساس گزارش توجیهی فنی (حجم کار، زمان‌بندی اجرا)، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی و رعایت پدافند غیرعامل از سوی مشاور و دستگاه اجرایی پس از تأیید معاونت برای یک‌بار و به قیمت ثابت سالی که طرحهای مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد به تفکیک سالهای برنامه و سالهای بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. تبصره- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای زیست‌محیطی را در شش ماهه اول سال اول برنامه به معاونت جهت ابلاغ به دستگاههای اجرایی و شرکت‌های مهندسی مشاور به منظور رعایت مفاد آن در طراحی طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای خود اعلام نماید.

ب- مبادله موافقتنامه‌های طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای مشتمل بر اهداف طرح، شرح عملیات، اعتبارات مصوب، پیشرفت فیزیکی و مشخصات فنی مورد نیاز فقط یک‌بار در دوران برنامه انجام می‌پذیرد. این موافقتنامه‌ها برای دوران برنامه، معتبر و ملاک عمل خواهد بود. اطلاعات ضروری در خصوص موارد فوق در اصلاحیه موافقتنامه‌ها نیز درج می‌گردد.

تبصره- اعتبارات مورد نیاز طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای برای سالهای باقی‌مانده اجرای طرح در برنامه با اعمال ضرایب تعدیل محتمل محاسبه و توسط معاونت منظور می‌شود.

ج- موافقتنامه‌هایی که برای انطباق میزان اعتبارات سالانه طرحها با قوانین بودجه سنواتی مبادله می‌گردند، جنبه اصلاحی داشته و نباید موجب افزایش اهداف و تعداد پروژه‌های طرح شوند. موارد استثنا که منجر به تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها می‌شوند با پیشنهاد دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تأیید معاونت و تصویب هیئت وزیران با رعایت مفاد بند (الف) این ماده بلامانع است.

د- مبادله موافقتنامه‌های طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای محرمانه و بخش دفاع تابع دستورالعملی است که به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت به تأیید هیئت وزیران می‌رسد.

ه- معاونت موظف است خلاصه‌ای از جمع‌بندی گزارشهای توجیهی طرحهایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، به استثنای طرحهای دفاعی و امنیتی را یک سال پس از تصویب از طریق وبگاه معاونت در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد.

آقای جنتی - آقا، ببینید. اگر این حرفها را می‌خواستیم بزنیم و جدی بود، باید از اول که شروع به بررسی این مصوبه کردیم، بند به بند این ایراد را در نظر می‌گرفتیم و می‌دیدیم که این احکام و بندهای بودجه، بودجه‌ای است یا نه؟

آقای علیزاده - حالا در برخی بندهایی که تا الآن خواندیم، حداقل ارتباط کمی با بودجه داشت.

آقای امیری - حاج آقا، بعضی جاها ارتباط داشت؛ منتها بند (۹۰)، کاملاً بی‌ربط به بودجه است.

آقای جنتی - می‌دانم، اما تا حالا این اشکال، اصلاً مغفول مانده بود.

آقای مدرسی یزدی - نه، خب حالا از این به بعد با توجه، [این موضوع را هم در نظر می‌گیریم]. مشکلی ندارد. عرض کردم قانون اساسی گفته تدوین لایحه بودجه باید طبق قانون بودجه‌ریزی باشد. قانون بودجه این چنین است که می‌گوید آنچه که مربوط به دخل و خرج کشور است [باید در مصوبه بودجه بیاید].

آقای یزدی - هفت، هشت تا از این بندها، هیچ ربطی به بودجه ندارد.

آقای جنتی - خیلی خب.

آقای مدرسی یزدی - اگر این بند، نامناسب باشد، می‌توانیم ایراد بگیریم. بی‌جهت بودجه را حجیم کرده‌اند و وقت همه را بی‌جهت گرفته‌اند.

آقای جنتی - آقای سلیمی، شما حرفی دارید؟

آقای سلیمی - حاج آقا! «قانون» می‌گوید، اما سالهای قبل هم که ما این ایراد را گرفتیم، عمل نکردند [و مجدداً بندهای غیربودجه‌ای در بودجه وارد کردند]. بنابراین بگذارید بررسی این مصوبه را تمام کنیم، بعد پیگیری بشود که سال آینده، لایحه بودجه به موقع به مجلس برود، سر موقع تصویب بشود تا ما هم با حوصله، آن را رسیدگی بکنیم.

آقای علیزاده - ان شاء الله. این ان شاء الله را باید در خواب ببینیم!

آقای یزدی - عیناً مثل این است که برای انتخاب یک نفر به عنوان رئیس جمهور، چند هزار نفر ثبت‌نام می‌کنند، یا در یک محل که فقط یک نماینده مجلس می‌خواهد، ۳۰ نفر که ۲۷ نفرشان اصلاً هیچ یک از شرایط اولیه را ندارند، ثبت‌نام می‌کنند! خب، این مشکل از قانون است و باید اصلاح شود. این همه نیرو صرف کردن یعنی چه آخر؟!

آقای جنتی - ادامه‌ی مصوبه را بخوانید.

آقای عزیزاده - بفرمایید.

آقای مدرسی یزدی - البته در این بند که از «معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» صحبت کرده است [ممکن است بتوان گفت ارتباط کمی با بودجه دارد].

آقای عزیزاده - اینکه نام معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی

رئیس جمهور را آورده اند، که لزوماً این بند را بودجه ای نمی کند.

آقای جنتی - یک مشکل دیگر هم این است که ممکن است

رئیس جمهور بعدی، این معاونت را عوض کند یا آن را [از

تشکیلات قوه ی مجریه] حذف کند، آن وقت تکلیف این

معاونت چه می شود؟

آقای کدخدائی - هر سازمانی که جانشین این معاونت بشود [این

مسئولیت ها بر عهده ی او خواهد بود].

آقای عزیزاده - اصلاً [در بسیاری از مصوبات پیشین مجلس] ما

در شورای نگهبان قبول نمی کردیم که عبارت «معاونت» آورده

شود؛ چون تعیین معاونت [یا تغییر ساختار یا حذف آن] با رئیس

جمهور است.

آقای مدرسی یزدی - تعیین معاون، در اختیار رئیس جمهور

است؛ خوب پس این موارد را اشکال بگیرید.

آقای عزیزاده - ما در گذشته، این ایراد را وارد می کردیم.^۱

آقای مدرسی یزدی - خوب حالا هم ایراد بگیرید.

آقای عزیزاده - ما می گفتیم که ممکن است رئیس جمهور اصلاً

نخواهد چنین معاونتی داشته باشد؛ ممکن است بخواهد این

وظایفش را به عهده ی نهاد دیگری بگذارد یا نگذارد.

آقای جنتی - حالا ادامه اش را بخوانید.

منشی جلسه - «۹۵- در اجرای ماده (۳۵) قانون برنامه و بودجه،^۲

کلیه دستگاه های اجرایی ملی و استانی موضوع ماده (۲۲۲) قانون

۹۳- در سال ۱۳۹۲، کلیه قوانین عام و خاص که احکام و تکالیفی

برای مصرف اعتبارات تعیین کرده اند، به شرح عناوین، ارقام،

احکام و جداول این قانون و موافقتنامه های متبادله با معاونت

برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و در سقف اعتبارات

مصوب و در حدود وصولی ها، قابل تعهد، پرداخت و هزینه است.»

آقای مؤمن - این بند را برای چه آورده اند؟ با اینکه در اول

مصوبه هم بود، دوباره در اینجا هم آورده اند!

آقای عزیزاده - بله.

منشی جلسه - «۹۴- صورت جلسات مجامع عمومی کلیه

شرکت های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزیر امور

اقتصادی و دارایی عضو مجمع عمومی آن می باشند، در صورتی که

نصاب رأی داشته باشد و توسط یکی از این دو نفر امضاء شود،

معتبر است. معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و

وزیر امور اقتصادی و دارایی مکلفند حداکثر ظرف یک ماه از زمان

تحویل صورت جلسه به دفتر آنان، نسبت به تأیید و یا رد

صورت جلسه اعلام نظر نمایند. در صورت عدم اعلام نظر در موعد

مقرر، صورت جلسه تأیید شده تلقی می شود.»

آقای عزیزاده - واقعاً کجای این بندها، بودجه ای است؟! تنظیم

صورت جلسه و انجام فلان کار برای انجمن و...، چه ربطی به

بودجه دارد؟! من واقعاً تعجب می کنم.

آقای مدرسی یزدی - این ایراد را مرتب تکرار نکنید؛ نسبت به

آن ایراد بگیرید.

آقای سلیمی - تذکر بدهید بندهای غیربودجه ای را حذف کنند.

آقای مدرسی یزدی - تذکر برای چه؟ ایراد [مغایرت با قانون

اساسی نسبت به آنها] بگیرید.

آقای یزدی - بالاخره یا ایراد بگیرید یا تذکر بدهید که برای

بودجه سال های آینده این کار را تکرار نکنند. همین جوری

نمی شود [این بندهای غیربودجه ای را] خواند و رد شد.

→

و- تصویب طرح های تملک دارایی های سرمایه ای جدید در هر فصل

توسط معاونت، منوط به تأمین اعتبار کامل برای طرح های مزبور است به

طوری که اعتبار سال اول اجرای طرح جدید از نسبت کل اعتبار مورد نیاز

به مدت زمان اجرای طرح (بر حسب سال) کمتر نگردد. اعتبارات

طرح های تملک دارایی های سرمایه ای در ابتدای برنامه با در نظر گرفتن

پیش بینی نرخ تورم در دوران برنامه برآورد می گردد و اعتبارات

پیش بینی شده اصلاح و یا تغییر طرح برای هر فصل و دستگاه تا پایان سال

آخر برنامه فقط در حد انحراف نرخ تورم واقعی از نرخ پیش بینی شده

مجاز است.»

۱. به عنوان مثال، شورای نگهبان در بند (۳) نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۱۰۵ مورخ

۱۳۸۳/۱/۲۰ راجع به طرح تشکیل شورای عالی خانواده مصوب

۱۳۸۳/۱/۱۶، اظهار داشت: «تقیید ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی

کشور به معاونت رئیس جمهور، ایجاد محدودیت برای رئیس جمهور در

تعیین ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است و مغایر اصل

۱۲۶ قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۳۵) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «ماده ۳۵-

دستگاه های اجرایی موظفند در پیشرفت فعالیت های جاری و طرح های

عمرانی مراقبت دائم به عمل آورده و منظمأً به ترتیبی که از طرف سازمان

تعیین می شود، اطلاعات لازم را به سازمان تسلیم نمایند و کلیه تسهیلات و

همکاری لازم را برای نظارت و ارزشیابی سازمان بر نتایج اجرای فعالیت ها

و طرح ها از هر حیث فراهم سازند.»

پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۳ با احتساب اعتباری که دستگاه مربوط از محل سایر ردیف‌ها دریافت می‌دارد، به عمل می‌آید.

۹۸- حذف شد.^۴

بند الحاقی ۱- به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود به ازای صدور هر برگ سند مالکیت حدنگاری (کاداستری)، مبلغ سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال اخذ و به ردیف درآمدی ۱۴۰۱۴۱ واریز نماید.»

آقای کدخدائی - این بندهای الحاقی، مصوبات مجلس دیگر.

منشی جلسه - بله، بندهای الحاقی مجلس از اینجا شروع می‌شود.

۳. بند (ب) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ب- دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌هایی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیئت امنا که حسب مورد به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس جمهور می‌رسد، عمل می‌نمایند. اعضای هیئت علمی ستادی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز مشمول حکم این بند هستند. حکم این بند شامل مصوبات، تصمیمات و آیین‌نامه‌های قبلی نیز می‌گردد و مصوبات یاد شده مادام که اصلاح نگردیده به قوت خود باقی هستند.

تبصره ۱- صندوق‌های رفاه دانشجویان مشمول مفاد این بند می‌گردند.

تبصره ۲- هرگونه اصلاح ساختار و مقررات مالی - اداری، معاملاتی، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی فقط مشمول مفاد این بند است.

تبصره ۳- اعتبارات اختصاص‌یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات کمک تلقی شده و بعد از پرداخت به این مراکز به هزینه قطعی منظور و براساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امنا و با مسئولیت ایشان قابل هزینه است.»

۴. بند (۹۸) لایحه‌ی دولت: «۹۸- دولت مکلف است در اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، بودجه مصوب را مستقیماً به کلیه دستگاه‌های اجرایی اصلی ابلاغ نماید. مبادله موافقتنامه و تخصیص اعتبار نیز مستقیماً با دستگاه‌های اجرایی اصلی صورت خواهد گرفت. برای سایر دستگاه‌های اجرایی (زیرمجموعه) مبادله موافقتنامه با دستگاه‌های اجرایی اصلی در چهارچوب فرم‌ها، شرایط و دستورالعمل‌های ابلاغی صورت می‌گیرد و یک نسخه از آن به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دیوان محاسبات کشور ارسال می‌شود.»

برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ مکلفند تمامی اطلاعات در خصوص عملکرد قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ از جمله عملکرد احکام مندرج در ماده واحده، عملکرد منابع و مصارف را به ترتیبی که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مقرر می‌نماید، به این معاونت ارائه نمایند.

۹۶- در اجرای حکم ماده (۲۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۲ دستگاه‌های اجرایی مکلفند فعالیت‌های مربوط به هر یک از برنامه‌های اجرایی مندرج در پیوست شماره (۴) این قانون را به همراه اهداف کمی ذی‌ربط در موافقتنامه‌های متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور منظور نمایند. چگونگی انتخاب فعالیت‌ها، هزینه‌یابی و مدیریت عملکرد اجرای بودجه هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی، بر اساس دستورالعملی است که توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تهیه و به دستگاه‌ها ابلاغ می‌شود.

۹۷- تخصیص و پرداخت اعتبار ردیف‌های درآمد - هزینه‌ای و درآمد اختصاصی به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور به استثنای دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و دستگاه‌های مشمول بند (ب) ماده (۲۰) قانون برنامه

۱. ماده (۲۲۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۲۲- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در موارد مربوط، مشمول مقررات این قانون می‌باشند.»

۲. ماده (۲۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۲۱۹- به منظور استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، دولت موظف است تا پایان سال دوم برنامه به تدریج زمینه‌های لازم را برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه‌های اجرایی فراهم آورد به نحوی که لایحه بودجه سال سوم برنامه به روش مذکور تهیه، تدوین و تقدیم مجلس شورای اسلامی شود. دستورالعمل اجرایی توسط معاونت تهیه و ابلاغ می‌شود. همچنین در اجرای بند (۳۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم و استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، اعتباراتی که بر اساس قیمت تمام‌شده موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری اختصاص می‌یابد پس از پرداخت به واحدهای مربوطه بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و فقط بر اساس آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و اداری و استخدامی هزینه می‌گردد که متضمن پیش‌بینی نحوه نظارت بر هزینه‌ها و تحقق اهداف پیش‌بینی شده است و با پیشنهاد معاونت و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - واقعاً الآن زمین‌های مردم بی‌ارزش شده است. آن زمینی که صد میلیارد می‌ارزد، [برای صدور سند مالکیت] می‌رود سی هزار تومان می‌دهد و آن زمینی هم که ارزشی ندارد، برای صدور سند مالکیت باید برود سی هزار تومان بدهد! الان مالک هر کاری بخواهد [نسبت به ملکش] انجام دهد باید این سند یک برگی را ببرد و یک سند یک برگی دیگر بگیرد! در گذشته، یک سند داشتند که همان را می‌بردند و در ستون‌هایش [عملیات انجام‌گرفته نسبت به آن ملک، اعم از خرید و فروش، رهن و... را] می‌نوشتند. حالا برای هر کاری، باید بروند این سند را عوض کنند.

آقای جنتی - ادامه مواد مصوبه را بخوانید آقا.

آقای امیری - حاج‌آقای علیزاده، منظور از این [ردیف درآمدی مذکور در بند الحاقی (۱)]، حساب خزانه است؟
آقای علیزاده - ظاهراً بله.

آقای امیری - این را باید قید بکنند.

آقای اسماعیلی - این ردیف درآمدی چیست؟

آقای علیزاده - همان خزانه است.

آقای امیری - آخر جایی هم قید خزانه داریم؟ این به اسم خزانه نیست.

آقای علیزاده - بله، این ردیف، مربوط به خزانه است.

آقای امیری - خزانه است!؟

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - خدا آقای زواره‌ای [رئیس اسبق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور] را رحمت کند. این کار [= راه‌اندازی و اجرای طرح کاداستر] را ایشان پیگیری کردند.

آقای علیزاده - بله، خدا رحمتشان کند.

آقای یزدی - بنده‌ی خدا برای این کار خیلی زحمت کشید.

آقای علیزاده - بله، ولی هنوز هم این طرح به سرانجام نرسیده است. راستی یک نامه هم آقای احمدی‌مقدم [فرمانده نیروی انتظامی] در خصوص بند (۲۷) به شورای نگهبان نوشته بود؛ بعداً فراموش نکنیم آن را بخوانیم. بند الحاقی (۲) را بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۲- به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود بابت صدور و تعویض و تمدید هر جلد گذرنامه بیومتریک برای کلیه شرایط سنی، مبلغ هفتصد و پنجاه هزار (۷۵۰,۰۰۰) ریال دریافت و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.»

آقای مؤمن - «بیومتریک» یعنی چه؟

آقای یزدی - آقایان کارشناسان مرکز تحقیقات هم به این واژه

«بیومتریک» اشکال وارد کرده‌اند.^۱

آقای علیزاده - «بیومتریک» یعنی چه؟

آقای مدرس‌یزدی - «متریک» که یعنی همین متر [واحد اندازه‌گیری]؛ «بیو» هم یعنی حیاتی، زندگانی.

آقای کدخدائی - پارسال هم [در مصوبه‌ی بودجه] این حکم بود.^۲

آقای مدرس‌یزدی - «بیومتریک» یعنی انگشت‌نگاری و امثال آن.

آقای کدخدائی - نه، انگشت‌نگاری نیست. ظاهراً اینها با این روش ...

آقای علیزاده - هویت اشخاص را نشان می‌دهد؟

آقای مدرس‌یزدی - بله، هویت زیستی را نشان می‌دهند.

آقای کدخدائی - بله، مثل عنبیه‌ی چشم و...

آقای سلیمی - از چشم عکس می‌گیرند ...

آقای مؤمن - خب، نباید معادل فارسی آن استفاده شود؟

آقای یزدی - بالاخره اشکال اصل (۱۵) قانون اساسی^۳ وارد است. معادل فارسی‌اش را باید بگویند.

آقای مدرس‌یزدی - بهترین ترجمه و معادل برای واژه «بیومتریک»، مشخصات حیاتی است.

آقای علیزاده - آقا، بگویند این را اصلاحش کنند.

آقای کدخدائی - این را ایراد بگیرند.

آقای مدرس‌یزدی - بله، [طبق اصل (۱۵) قانون اساسی] استفاده از واژه‌های بیگانه در متون قانونی، اشکال دارد.

منشی جلسه - حاج‌آقا، نوشتیم بند الحاقی (۲)، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲، ص ۱۷، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

۲. بند (۵۰) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «بند ۵۰- تعرفه صدور، تمدید و تعویض گذرنامه زیست‌سنجی (بیومتریک) برای کلیه شرایط سنی به طور یکسان مبلغ ششصد هزار (۶۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌گردد. درآمد حاصل از آن پس از واریز به درآمد عمومی از محل ردیف ۹۸-۵۳۰۰۰۰ بابت جبران هزینه‌های صدور گذرنامه و همچنین احداث و تجهیز سامانه گواهی ریشه گذرنامه زیست‌سنجی (بیومتریک) به مصرف می‌رسد.»

۳. اصل پانزدهم قانون اساسی: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

آقای مؤمن - خود دولت این غرامت را رأساً اجرا می‌کند یا اینکه قاضی به آن حکم می‌کند؟
آقای علیزاده - نه، قاضی نمی‌تواند.
آقای کدخدائی - به این بندهای الحاقی باید ایراد گرفت.
آقای علیزاده - چرا؟

آقای کدخدائی - بی‌خود می‌گویند بیا باید کارت پایان خدمتتان را عوض کنید، پول هم بدهید! کارت را خودشان به اجبار عوض می‌کنند، دیگر مردم برای چه پول بدهند!
آقای سلیمی - برای بازکردن پلاکی که متعلق به خود من است، از روی یک ماشین و گذاشتن آن روی ماشین دیگر، چرا باید باز هم پول بدهم؟!

آقای کدخدائی - [در این بند الحاقی (۳)] تکلیف کرده که مردم کارت‌های پایان خدمتشان را تعویض کنند، بعد هم می‌گوید برای تعویض، پول بدهید!

منشی جلسه - «بند الحاقی ۶- تعرفه‌های رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری شوراهای حل اختلاف به ترتیب از مبلغ سی هزار (۳۰,۰۰۰) ریال به مبلغ یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال و از مبلغ پنج هزار (۵,۰۰۰) ریال به مبلغ پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) ریال افزایش می‌یابد.»

آقای یزدی - آقای علیزاده، شوراهای حل اختلاف مثل شعبی است که رئیس قوه‌ی قضائیه حق دارد تأسیس بکند؟ عین شعب می‌ماند؟

آقای علیزاده - بله.

آقای کدخدائی - بله، همان است دیگر.

آقای علیزاده - قانون دارد.^۳

آقای یزدی - بله، کم و زیاد کردن تعداد شعب شوراهای حل اختلاف، در اختیار رئیس قوه‌ی قضائیه است.
آقای علیزاده - الان در همه جا باید شورای حل اختلاف وجود داشته باشد.^۴

منشی جلسه - «بند الحاقی ۷- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از طریق بانک‌های دولتی نسبت به تأمین و پرداخت تسهیلات به مبلغ چهارده هزار و چهارصد میلیارد (۱۴,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل پس‌اندازهای قرض‌الحسنه با در نظر گرفتن دوره تنفس دوساله و در اقساط پنج‌ساله جهت اشتغال مددجویان سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

۳. قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸.

۴. مواد (۱) و (۲) قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸.

آقای مدرسی‌یزدی - درست است.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳- به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به‌ازای تعویض و تبدیل هر قطعه کارت پایان خدمت عادی به هوشمند مبلغ یکصد و بیست هزار (۱۲۰,۰۰۰) ریال دریافت و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

بند الحاقی ۴- به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به‌ازای واگذاری پلاک خودرو اعم از نوشماره، نقل و انتقال و تعویض پلاک، مبلغ چهارصد هزار (۴۰۰,۰۰۰) ریال دریافت و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

بند الحاقی ۵- تعرفه غرامت موضوع ماده (۱۱) قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۵، حداقل چهار میلیون (۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال و حداکثر بیست و پنج میلیون (۲۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌گردد.»

۱. بند (۱۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۴- در بند الحاقی (۲)، استفاده از واژه «بیومتریک»، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۱۱) قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۵: «ماده ۱۱- اشخاص زیر به پرداخت غرامت از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم می‌شوند:

۱- هر کس ایستگاه دیگری را بدون موافقت وزارت پست و تلگراف و تلفن مورد استفاده قرار دهد.

۲- هر کس در ایستگاه بدون پروانه عالملاً و عامداً مخابره رادیویی انجام دهد.

۳- هر کس از طول موج‌های غیرمجاز یا ثبت نشده در دفاتر وزارت پست و تلگراف و تلفن استفاده نماید.

۴- هر کس بدون گواهی‌نامه به عملیات رادیویی غیرحرفه‌ای اشتغال ورزد یا با علم و اطلاع با افراد بدون گواهی‌نامه ارتباط رادیویی بگیرد و یا به اشخاص بدون گواهی‌نامه اجازه کار در ایستگاه بدهد.

۵- هر کس از مقررات و قوانین رادیویی و یا مشخصات و شرایط و خصوصیات مندرج در پروانه ایستگاه تخلف کند.

۶- هر کس عمداً دفتر گزارش کار ایستگاه را بر خلاف ترتیب مقرر وزارت پست و تلگراف و تلفن تنظیم کند و یا تمام یا قسمتی از عملیات خود را در دفتر ثبت ننماید.

۷- هر کس پیام رادیویی مربوط به اشخاص دیگر را دریافت نموده، آن را مورد استفاده قرار دهد.

۸- هر کس با علامت شناسایی مربوط به دیگران خود و یا با ایستگاه خود را معرفی نماید.

۹- هر کس پس از انقضای مدت اعتبار پروانه یا گواهی‌نامه بدون کسب اجازه مجدد به کار خود ادامه دهد.»

متمركز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.

سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تکالیف مذکور در قانون فوق را از محل وجوه پرداختی انجام دهد و کلیه کارگران ساختمانی را تحت پوشش بیمه‌ای این قانون قرار داده و گزارش عملکرد خود در این خصوص را هر سه ماه یکبار به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. کارفرمایان امور ساختمانی موظفند کارگران ساختمانی غیرمشمول این بند را بیمه حوادث حین کار نموده و اسناد مربوطه را به مراجع صدور پروانه ارائه نمایند.»

آقای علیزاده - این بند شدیداً مورد اعتراض شورای شهر و سازمان تأمین اجتماعی بوده است و به شورا هم نامه نوشته‌اند. شهرداری‌ها می‌گویند طبق حکم این بند، عوارضی را که قانوناً باید شهرداری‌ها وصول کنند، در یکجا جمع کرده‌اند و دیگر پولی به شهرداری‌ها نمی‌رسد؛ یعنی حق وصول عوارض شهرداری را به وزارت امور اقتصاد و دارایی داده‌اند. شهرداری‌ها، ایرادشان این است. هم شورای عالی استان‌ها نامه نوشته است و هم شهرداری‌ها.

آقای کدخدائی - اشکال دارد.

آقای علیزاده - حالا بگذارید ایراد بعدی‌اش را هم من بگویم. سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید حکم این بند در راستای همان قانونی^۳ است که شورای نگهبان به آن ایراد گرفته بود؛ آنجا این بود که ما سالی (۲۰۰,۰۰۰) نفر را بیمه کنیم. ما الآن داریم اینها را بیمه می‌کنیم. آن وقت یک مقداری از حق بیمه‌ی کارگری که بیمه می‌شود را کارفرما باید بدهد، بخشی از آن را هم دولت باید بدهد و یک مقدار هم خود کارگر باید بپردازد. حالا اینجا در این بند الحاقی (۱۰)، مبلغ نه هزار میلیارد ریال برای بیمه‌ی این افراد در سال ۱۳۹۲ اختصاص داده شده است؛ این در حالی است که بیمه‌ی افراد فقط به یک سال ختم نمی‌شود؛ چون بیمه که مربوط به یک سال نیست. [سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید] ما اینهایی را که بیمه کردیم، باید هر سال بیمه بکنیم، اما وقتی مجلس می‌آید در بودجه یک‌سال می‌گوید من این قدر می‌دهم شما بیمه کنید، این سؤال پیش می‌آید که تکلیف حق بیمه‌ی سال‌های بعد این کارگران چه می‌شود؟

آقای مدرس‌یزدی - دوباره در بودجه‌ی سال بعد منظور می‌شود.

۳. قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان مصوب ۱۳۹۱/۹/۲۹.

کشور به بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور اقدام نماید.»

آقای مؤمن - یعنی به اینها [مددجویان سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی] قرض می‌دهند؟
آقای علیزاده - بله.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۸- حذف شد.

بند الحاقی ۹- حکم ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ در مورد معافیت‌ها و تخفیفات گمرکی در قانون امور گمرکی و در سایر قوانین مصوب، جاری خواهد بود.»

آقای علیزاده - ماده (۱۱۹) قانون برنامه گفته که «دولت موظف است در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالیاتی اقدامات ذیل را به عمل آورد». خیلی خوب، ادامه دهید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۰- از تاریخ تصویب این قانون پرداخت حق بیمه و ارائه اسناد در زمان صدور پروانه ساختمان موضوع قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در شهرها و روستاهای کشور متوقف می‌شود. سازمان مالیاتی مکلف است معادل مبلغ نه هزار میلیارد (۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده^۲

۱. ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۱۱۹- دولت موظف است در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف- جایگزینی سیاست اعتبار مالیاتی با نرخ صفر به جای معافیت‌های قانونی مالیاتی

ب- ثبت معافیت‌های مالیاتی مذکور به صورت جمعی- خرجی در قوانین بودجه سالانه

تبصره ۱- به اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول معافیت‌های قانونی مذکور، مالیات تعلق نمی‌گیرد.

تبصره ۲- تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر، شرط برخورداری از هر گونه معافیت مالیاتی است.»

۲. ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون، یک و نیم درصد (۱/۵٪)؛

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)؛

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)؛

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪)».

این بیمه کارگرهای فصلی هستند که کار ساختمانی انجام می‌دهند. دیروز آقای چمران [رئیس شورای شهر تهران و رئیس شورای عالی استان‌ها] من را دید؛ می‌گفت اصلاً این بند باعث می‌شود افراد زیادی که معلوم نیست چند میلیون بشوند، با گرفتن گواهی مهارت از سازمان فنی و حرفه‌ای، مشمول بیمه‌ی کارگران ساختمانی شوند که نه کارفرما و نه هیچ کس دیگری، در قبال آنان حق بیمه پرداخت نمی‌کند. من واقعاً به این بند الحاقی (۱۰) ایراد دارم؛ چون این کار، یک کار دائمی است.

آقای یزدی - حالا بند الحاقی (۱۰) می‌گوید پرداخت حق بیمه و ارائه‌ی اسناد در زمان صدور پروانه‌ی ساختمان موضوع قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی را متوقف کنید، بعد سازمان مالیاتی مکلف است که معادل حق بیمه را از محل وصولی عوارض شهرداری‌ها تأمین کند.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۱۰)، مبلغ تعیین کرده است که باید از محل عوارض شهرداری‌ها بابت بیمه‌ی کارگران ساختمانی پرداخت شود. با این مبلغ، تا قیام قیامت هم واقعاً [بیمه‌ی کارگران ساختمانی به سامان نمی‌رسد].

آقای یزدی - آقای علیزاده، مخاطب این بند کیست؟ می‌گوید «از تاریخ تصویب این قانون، پرداخت حق بیمه و ارائه اسناد در زمان صدور پروانه ساختمان موضوع قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در شهرها و روستاهای کشور متوقف می‌شود»؛ یعنی وقتی طرف می‌خواهد ساختمان بسازد و پروانه ساختمان بگیرد...
آقای علیزاده - این بند می‌گوید نه کارفرما و نه هیچ کس دیگر، هیچ حق بیمه‌ای در قبال بیمه‌ی کارگران ساختمانی ندهند. می‌گوید حق بیمه‌ی اینها را از محل عوارض شهرداری‌ها بگیرید و به صورت دائمی اینها را بیمه کنید.

آقای مدرس‌یزدی - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید که سازمان مالیاتی متعلق این حکم است؛ این مقدار عوارض ارزش افزوده‌ی شهرداری [را بابت بیمه کارگران ساختمانی بگیرد و آنها را بیمه کند].

آقای علیزاده - [سازمان مالیاتی] عوارض ارزش افزوده‌ی شهرداری را که متعلق به شهرداری است، بگیرد و برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی بدهد.

آقای مدرس‌یزدی - عوارض ارزش افزوده‌ی شهرداری یعنی چه؟

آقای علیزاده - ببینید، قبلاً این جور بود که خود شهرداری‌ها اختیار وصول برخی از عوارض را داشتند و بعد به تناسب بین شهرداری شهرهای مختلف تقسیم می‌کردند. الآن بر اساس قانون

آقای علیزاده - خب، همین.

آقای اسماعیلی - اگر در بودجه‌ی سال بعد منظور نکردند، تکلیف چیست؟

آقای علیزاده - اگر دولت این حق بیمه را نداد چه؟! بیمه را که نمی‌شود، تعطیل کرد. مگر می‌شود تعطیلش کرد. ببینید، این قانون [= قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹]، قانون دائمی است. الآن عیب این کار این است که یک کار دائمی را می‌خواهند در قانون بودجه که یکساله است، بگنجانند.

آقای یزدی - همان اشکالی است که در خیلی از بندهای قبلی هم وجود داشت.

آقای علیزاده - بله. مطلب بعدی این است که این بند، در مجلس به لایحه اضافه شده است. این بند را دولت [در لایحه‌ی بودجه] پیشنهاد نداده است. مطلب بعدی آقایان مسئول در تأمین اجتماعی - آقای رخشنده و اینها - این است که با توجه به رقم در نظر گرفته شده در بند الحاقی (۱۰)، با حساب و کتابی که سازمان تأمین اجتماعی انجام داده است، اگر همه‌ساله هم چنین رقمی بابت حق بیمه اختصاص داده شود، فقط کفاف بیمه کردن (۲۰۰،۰۰۰) نفر را می‌دهد و با این رقم، سازمان تأمین اجتماعی قادر به بیمه کردن کلیه‌ی یک میلیون و دویست هزار نفری که کارت مهارت دارند، نخواهد بود. سازمان تأمین اجتماعی معتقد است این بند، همه‌جوره [در اجرا] اشکال ایجاد می‌کند. طبق [قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و آیین‌نامه‌ی اجرایی مواد (۳) و (۵) این قانون مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۹]، سازمان تأمین اجتماعی مکلف شده بود سالانه (۲۰۰،۰۰۰) نفر را تحت پوشش بیمه قرار دهد و بیمه کند که در حال حاضر دارد این کار را می‌کند. مجلس پارسال مصوبه‌ای^۱ داشت که وقتی به شورای نگهبان آمد، ما به آن ایراد گرفتیم. یادتان می‌آید که یک ابهاماتی به آن گرفتیم^۲ و به مجلس برگرداندیم. مجلس هم آن را اصلاح کرد.^۳ حالا خواسته‌اند همان قانون را در قالب بودجه اجرایی کنند. این جوری می‌خواهند آن قانون را اجرایی کنند. مشمولان

۱. طرح رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۳.

۲. نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۷۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱ شورای نگهبان نسبت به طرح رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۳ مجلس شورای اسلامی.

۳. قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان مصوب ۱۳۹۱/۹/۲۹.

آقای مدرس‌یزدی - ولی بند الحاقی (۱۰) می‌گوید حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی را از همه بگیرند.

آقای علیزاده - [ضمن اینکه این بند الحاقی (۱۰) می‌گوید] از کسانی که ساختمان می‌سازند هم لازم نیست هیچ عوارضی بابت حق بیمه این کارگران بگیرد!

آقای مؤمن - حالا اجازه بفرمایید. فقط ایرادی که این بند الحاقی (۱۰) دارد این است که چرا با یک رقم نهصد هزار میلیارد ریالی، همه‌ی مسائل [مربوط به بیمه‌ی این کارگران] را به عهده‌ی آنها [سازمان تأمین اجتماعی] گذاشته است؟ قاعدتاً و با توجه به رقم در نظر گرفته شده، حکم این بند برای یک سال و یک وقت محدود، کفایت می‌کند، نه اینکه به صورت دائمی باشد.

آقای علیزاده - تازه سازمان تأمین اجتماعی مدعی است که این رقم، برای یک‌سال حق بیمه‌ی همه‌ی کارگران هم کفایت نمی‌کند.

آقای مؤمن - نه، می‌گویم اگر دائمی باشد، کافی نیست. آقای علیزاده، یک وقت این است که [مسئولان سازمان تأمین اجتماعی] می‌گویند این رقم برای یک سال کفایت نمی‌کند؛ یک وقت هم می‌گویند نخیر، کفایت می‌کند، ولی در عین حال اگر این مبلغ برای بیمه‌ی همه‌ی کارگران کفایت هم نکند، [با ذکر در قانون بودجه، فقط] برای یک سال است، برای همه‌ساله چرا؟ یعنی ایرادی که شما ممکن است بگیرید این است.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم بیمه کردن به این شکل، یک کار دائمی است.

آقای مؤمن - همین دیگر.

آقای علیزاده - این بند باید بگوید بیمه‌ی کارگران ساختمانی که قانون جداگانه دارد، طبق قانون خودش عمل بشود. بیایید طبق قانون مذکور این قدر از این محل بگیرید [و در راستای اجرایی کردن آن قانون، این تعداد کارگر را بیمه کنید].

آقای مؤمن - بالاخره اگر این پولی که تعیین کرده‌اند برای آن تکلیفی که به عهده‌شان گذاشته‌اند، کفایت کند [که این بند، مشکلی ندارد]، ولی شما می‌گویید مسئولان سازمان تأمین اجتماعی ادعا می‌کنند که کفایت نمی‌کند.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم اگر دولت یا مجلس، سال بعد بودجه‌ی بیمه‌ی کارگران ساختمانی را حذف کند، [وضعیت این بیمه‌ها چه می‌شود؟] اگر در سال آینده، چنین بندی را نیاوردند، ما می‌گوییم خوب کاری کرده که حذف کرده است؛ چون ما که

موسوم به تجمیع عوارض،^۱ وصول کلیه‌ی عوارض به وزارت امور اقتصاد و دارایی واگذار شده است تا دیگر هر کدام از شهرداری‌ها عوارض نگیرند، [بلکه همه‌ی عوارض‌ها را سازمان مالیاتی وزارت اقتصاد و دارایی می‌گیرد] و بعد وزارت اقتصاد سهم شهرداری‌ها را به شهرداری می‌دهد.

آقای مدرس‌یزدی - سازمان مالیاتی سهم شهرداری‌ها را چطور می‌گیرد؟

آقای علیزاده - الان این بند الحاقی می‌گوید این قدر از عوارض سهم شهرداری‌ها را به شهرداری‌ها ندهید؛ این قدرش را برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی بدهید.

آقای مدرس‌یزدی - یعنی از همه‌ی افراد عوارض بگیرند و با آن کارگران ساختمانی را که در ساختمان یک فرد کار می‌کنند، بیمه کنند؟!

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرس‌یزدی - این که انصاف نیست.

آقای علیزاده - همین.

آقای مدرس‌یزدی - آن [قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی]^۲ می‌گوید حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی را از کسی که دارد ساختمان می‌سازد، بگیر و با آن کارگر را بیمه کن.

آقای یزدی - کارگران ساختمانی را این‌طور بیمه کن.

۱. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی (موسوم به قانون تجمیع عوارض) مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ که بر اساس صدر ماده (۵۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ نسخ صریح شده است.

۲. ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی اصلاحی ۱۳۸۷/۱۲/۱۴: «ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و متراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، سطح زیربنا و سایر شاخص‌های ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در هر صورت، نرخ حق بیمه با توجه به شاخص‌های مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.»

نمی‌توانیم به حذف کردن ایراد بگیریم.

آقای مؤمن - نه، شما به مجلس ایراد بگیرید که این مبلغی که در این بند آورده‌اید، تکافوی یک مدت محدود را می‌کند. شما این مبلغ را گفته‌اید که با آن برای همیشه کارگران ساختمانی را بیمه کنند؛ غیر از سال اول، باید فکری برای سال‌های بعد هم کرد.

آقای علیزاده - این بند، از لحاظ منبع هم اشکال دارد.

آقای مؤمن - از لحاظ منبع اشکال ندارد دیگر؛ در واقع پول‌هایی است که بابت عوارض گرفته شده و به عنوان حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی داده می‌شود. ایراد این بند، فقط دائمی بودن آن است.

آقای جنتی - این بند را باید رد کنیم.

آقای علیزاده - ما رأی می‌دهیم. ما حرفی نداریم. آقایان بفرمایند تا ایراد بگیریم.

آقای سلیمی - حاج‌آقا، تأمین اجتماعی قبلاً برای صدور پروانه‌ی ساختمانی به ازای هر متر زیربنا، مبلغ معینی را دریافت می‌کرد. این مبلغ در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، دو برابر شد. صدور پروانه در سال ۱۳۹۰، به خاطر بالا رفتن قیمت مسکن که ناشی از این افزایش هم بود، یک سری مشکلاتی را برای کشور به وجود آورد. در نتیجه کسانی که ساختمان‌سازی می‌کردند به ازای هر متر مربع ساختمان، مبلغی به کارگرا می‌دادند تا از این طریق خود را بیمه‌ی تأمین اجتماعی کنند و خسارات ناشی از کار و غیره را هم خود آنها پرداخت می‌کردند. الآن بند الحاقی (۱۰) می‌گوید آن ترتیبات قبلی را برمی‌داریم. دیگر وقتی کارفرما می‌رود بابت ساخت و سازش از شهرداری پروانه بگیرد، نباید بابت بیمه‌ی ساخت و سازش چیزی بدهد.

آقای علیزاده - هیچی ندارد.

آقای سلیمی - خب، این بند می‌گوید [حق بیمه‌ها] چه می‌شود؟ می‌گوید از ارزش افزوده‌ای که شهرداری، سالانه بابت املاک از همه می‌گیرد، [کارگران ساختمانی را بیمه کنند]. قاعده‌اش این است که شهرداری هر سال برای شما یک عوارض نوسازی می‌فرستد. شما که نوسازی نکرده‌اید، اما عوارض نوسازی از شما می‌گیرد؛ عوارض کهنه‌سازی است. یعنی از همان زمان که ساختید، هر سال یک برگه در هر خانه‌ای می‌دهند، در آن می‌نویسد ارزش افزوده چقدر، نوسازی چقدر، غیره چقدر. این بند می‌گوید از آن مبلغی که بابت ارزش افزوده به شهرداری‌ها تعلق می‌گیرد، از آن طریق، کارگران ساختمانی بیمه بشوند.

آقای علیزاده - خب، حکم این بند، دائمی است.

آقای مؤمن - این بند الحاقی، دائمی نیست آخر.

آقای سلیمی - خب درآمد حاصل از عوارض ارزش افزوده هم، درآمد دائمی است. آن هم دائمی است.

آقای مؤمن - اشتباه کرده است. نه، آن [عوارض ارزش افزوده] مربوط به ساخت و سازها [دائم نیست].

آقای علیزاده - این بند که دائمی نیست.

آقای سلیمی - آن درآمد ارزش افزوده، دائمی است.

آقای مؤمن - دائمی نیست.

آقای سلیمی - هر سال برای شما [و هر کسی که ملکی داشته باشد] ارزش افزوده می‌فرستند.

آقای مؤمن - آقا، حکم این بند دائمی نیست!

آقای علیزاده - الآن حکم این بند یک قانون دائمی است.

آقای مؤمن - آقای عزیز، این بند که دائمی نیست.

آقای علیزاده - این قانون، الآن دائمی است.

آقای مؤمن - ببینید این برای همان ساختمان خاص است [که اقدام به ساخت و ساز می‌کند].

آقای مدرسی‌یزدی - شما ماده‌ی (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده را ببینید.

آقای مؤمن - مالیات موضوع این ماده، خاص است؛ ساخت ساختمان که همه سال طول نمی‌کشد.

آقای علیزاده - ماده‌ی چند؟

آقای مدرسی‌یزدی - اصلاً ببینیم بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) چیست.

آقای ره‌پیک - حالا مهم نیست مفاد این بندها چیست؛ چون گفته نصد هزار میلیارد از آن محل برداشت شود.

آقای مدرسی‌یزدی - بنده ایراد شرعی هم به بند الحاقی (۱۰) دارم. می‌خواهم ببینم چه می‌گوید.

آقای ره‌پیک - حالا آن یک حرف دیگری است. خود سازمان تأمین اجتماعی گفته که بیمه‌ی ۱/۵ میلیون کارگر، ۱/۷۵۳ میلیارد تومان اعتبار می‌خواهد.

آقای علیزاده - مسئولان سازمان تأمین اجتماعی، حرف‌های زیادی نسبت به این مصوبه دارند. این بند، همین طوری الکی دارد یک مسئولیتی را بر گردن سازمان تأمین اجتماعی می‌گذارد.

آقای مؤمن - نه، این طوری نیست. الکی نیست آقا. طبق این بند، عوارض ارزش افزوده را به جای شهرداری، به تأمین اجتماعی می‌دهند [تا از محل آن، کارگران ساختمانی را بیمه کنند].

آقای کدخدائی - تأمین اجتماعی این پولی که بابت حق بیمه

این [ارزش افزوده مقرر در بند (۱۰) الحاقی] همین است دیگر.
آقای مؤمن - ماده (۳۸)، عوارض ارزش افزوده‌ی شهرداری است؟
آقای علیزاده - همین است.

آقای مدرسی یزدی - همین است.

«ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)»

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪)».

آقای مؤمن - اینها که عوارض ارزش افزوده نیست.

آقای علیزاده - چرا، همین است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی مثلاً وقتی شما نفت گاز می‌خرید، از شما سه درصد (۳٪) بیشتر به عنوان عوارض می‌گیرند و به شهرداری‌ها می‌دهند. عوارض موضوع ماده (۳۸)، به اسم شهرداری‌ها است. معنای این ماده، این است.

آقای کدخدائی - بابت موارد مذکور در این ماده، مالیات اضافه می‌گیرند.

آقای مؤمن - خب، حالا این بند گفته به جای این پولی که مردم بابت حق بیمه می‌دادند، عوارض ارزش افزوده‌ی موضوع ماده (۳۸) را برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - خب. حالا من [در مورد مالیات بر ارزش افزوده] یک شبهه‌ی شرعی دارم. آیا واقعاً این مالیات را غنی باید بدهد، فقیر هم باید بدهد، متوسط هم باید بدهد، کسی که اصلاً خودش تمکن مالی ندارد و خودش محتاج است هم باید این عوارض را بدهد؟

آقای علیزاده - عوارض می‌دهد که دیگران استفاده کنند. اگر استفاده‌ی شهری و عمومی بشود، همه استفاده می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - خب. اجازه بدهید. الان آیا واقعاً هر کسی که ندارد هم باید بدهد؟ اصلاً من مطمئن نیستم که این مالیات بر ارزش افزوده، معیار درستی داشته باشد.

آقای مؤمن - مالیات است دیگر. مسئله‌ای نیست.

آقای مدرسی یزدی - کارایی دارد، من آن را قبول دارم، ولی معیار درستی ندارد؛ چون از هر کسی، چه غنی و چه فقیر، باید مالیات بگیرند.

آقای علیزاده - واقعاً این بند که الان دارد باب حکم دائمی را در بودجه باز می‌کند.

آقای امیری - قانون مالیات بر ارزش افزوده، کپی قانون خارجی بود.
آقای مدرسی یزدی - بله می‌دانم. این مالیات را از غنی و فقیر

می‌گیرد، به کارگران نمی‌دهد. حالا آمده‌اند این بند الحاقی را تصویب کرده‌اند.

آقای علیزاده - آقای دکتر، سازمان تأمین اجتماعی بر اساس قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، سالی (۲۰۰,۰۰۰) کارگر را دارند بیمه می‌کنند. این بند الحاقی (۱۰) می‌گوید سازمان تأمین اجتماعی باید یکجا با این پول، بیمه‌ی همه‌ی این افراد را انجام دهد.

آقای کدخدائی - نه، این بند الحاقی (۱۰) می‌گوید هر سال با این مبلغ و از طریق افزایش مالیات‌ها، حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی تأمین شود. مشخص هم است. نه اینکه [مثل قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی] مشخص نباشد چند تا کارگر دارند در ساختمان‌ها کار می‌کنند و فقط من [= سازنده‌ی ساختمان] باید بروم مبلغ ثابتی به عنوان مالیات بدهم.

آقای جنتی - اصلاً این «ارزش افزوده» یعنی چه؟

آقای مدرسی یزدی - ماده (۳۸) را نگاه کنید.

آقای علیزاده - بله، ماده (۳۸) را بخوانید.

آقای کدخدائی - «ارزش افزوده» یعنی افزایش قیمت اصلی هر چیزی مجدداً مشمول مالیات می‌شود. یعنی اگر ساختمان شما از پارسال تا امسال افزایش قیمت دارد، به آن افزایش قیمت، مرتب مالیات تعلق می‌گیرد. اصطلاحاً به این معنی است.

آقای علیزاده - این [بحث بیمه‌ی کارگران ساختمانی]، قانون دائمی می‌خواهد.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۳۸)، اصلاً ربطی به آن [تفسیر شما از ارزش افزوده] ندارد. ماده (۳۸) را ببینید.

آقای جنتی - چرا؟

آقای مؤمن - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - ماده (۳۸) را ببینید، می‌گوید: «فصل هفتم - عوارض کالاها و خدمات»

ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون یک و نیم درصد (۱/۵٪)»

یعنی هر کالایی را که آنجا [در ماده (۱۶) گفته]، یک و نیم درصد (۱/۵٪) به قیمتش اضافه می‌کنند و به شهرداری‌ها می‌دهند.

آقای مؤمن - نه، این مربوط به شهرداری‌ها است. عوارض ارزش افزوده چیست؟

آقای علیزاده - آن که شما در ذهن دارید، مربوط به دارایی است.

آقای علیزاده - اگر فقط مربوط به امسال باشد، پس تکلیف بیمه‌ی سال بعد کارگرانی که بیمه شده‌اند چه می‌شود؟
آقای مؤمن - اصلاً سال بعد، هنوز وجود پیدا نکرده است.

آقای علیزاده - اگر سال بعد، به این کار مبلغی اختصاص ندادند چه؟

آقای مؤمن - نه، ببینید. بند الحاقی (۷۱) گفته احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.

آقای علیزاده - ولی حکم این بند نمی‌تواند در بودجه بیاید. الان ایراد این است که در بودجه که یک قانون یکساله است، یک حکم کلی که تکافوی تعداد مشمولان را هم نمی‌کند، آمده است.

آقای مؤمن - چرا در سال تکافو نمی‌کند؟

آقای یزدی - چون طبق قانون مالیات بر ارزش افزوده، درصد به عوارض اضافه می‌شود، می‌گوید امسال این درصد، به قیمت این کالا اضافه می‌شود.

آقای علیزاده - حاج آقا، آن [ماده (۳۸)] این را نگفته است.

آقای یزدی - چرا، عبارتش همین است.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از آن محلی که این درصد عوارض را می‌گیرند، به سازمان تأمین اجتماعی بدهند. این بند نمی‌خواهد بگوید امسال مالیات بر ارزش افزوده، اضافه می‌شود. ماده (۳۸)، مربوط به قانون دائمی است و عوارض شهرداری‌ها هم در آن دائمی است. بند الحاقی (۱۰) می‌گوید آنچه از محل بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌گیرند، امسال به سازمان تأمین اجتماعی بدهند.

آقای مؤمن - خب، عیب ندارد.

آقای مدرسی یزدی - می‌گوید امسال این مبلغ را بدهند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - بله.

آقای مدرسی یزدی - عوارض موضوع ماده (۳۸)، همیشگی و دائمی است.

آقای مؤمن - نه، دائمی نیست.

آقای علیزاده - آن [قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی]، دائمی است، ولی قانون بودجه که همیشگی نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای یزدی - بله، یعنی بند الحاقی (۱۰)، خودش دائمی است.

آقای مؤمن - حاج آقا، دائمی نیست.

آقای علیزاده - بله، دارد این بند را دائمی می‌کند.

آقای مؤمن - آقا، دائمی نیست.

می‌گیرند، بعد می‌دهند بقیه بخورند. خب، این نوع مالیات گرفتن، چه مجوز شرعی دارد؟ از یک فقیر بگیرند به بقیه بدهند، خودش هم یک ذره [بهره‌مند نشود].

آقای یزدی - اصلاً مسئله‌ی فقیر و غنی مطرح نیست.

آقای مؤمن - شما می‌فرمایید قانون مالیات بر ارزش افزوده را ابطال کنیم؟!

آقای یزدی - [در واقع مالیات بر ارزش افزوده] می‌گوید قیمت اصلی این جنس این مقدار است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال اینجا که می‌شود جلوی این قانون را گرفت.

آقای مؤمن - [مالیات را قبلاً] گرفته‌اند. این بند فقط می‌گوید عوارض موضوع ماده (۳۸) را به تأمین اجتماعی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - باشد. همین جا می‌توانیم این مقدار جلوی آن را بگیریم.

آقای مؤمن - عوارض ارزش افزوده را تا الان گرفته‌اند. این بند می‌گوید نه هزار میلیارد ریالی که بابت عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها گرفته‌اند را بیایند به سازمان تأمین اجتماعی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - این مالیات را از حالا به بعد هم می‌خواهند بگیرند.

آقای علیزاده - الان در این بند که دارد یک حکم را به طور دائم می‌آورد؛ از طرف دیگر طبق آماری که سازمان تأمین اجتماعی داده است، محل و مبلغی که برایش در نظر گرفته‌اند، کم است و کفایت نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - من معتقدم که اطلاق بند الحاقی (۱۰)، خلاف شرع است.

آقای مؤمن - خب، حکم بند الحاقی (۱۰) یکساله است.

آقای کدخدائی - شما از جهت دیگری می‌فرمایید، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - بله، ایشان می‌خواهند آن [قانون مالیات بر ارزش افزوده] را خلاف شرع اعلام کنند[.]

آقای علیزاده - بله، اما ما الان از لحاظ قانون اساسی به این بند ایراد داریم. ما می‌گوییم حکم این بند دارد یک امر دائمی را می‌گوید.

آقای مؤمن - دائمی نیست؛ حکم این بند فقط مربوط به امسال است.

آقای علیزاده - نه، این بند یک خرج دائم و یک وظیفه‌ی دائم را دارد به عهده‌ی سازمان تأمین اجتماعی می‌گذارد. ما از این جهت ایراد داریم.

آقای مؤمن - نه، وظیفه‌ی دائمی نیست. جزء احکام سالانه است.
آقای اسماعیلی - حاج آقا، بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از تاریخ تصویب این قانون، این جوری می‌شود.
آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - تا کی؟

آقای علیزاده - دیگر سال بعد می‌توانند بگویند نه؟

آقای اسماعیلی - نه دیگر.

آقای علیزاده - ما این را ایراد داریم.

آقای مؤمن - ولی بند الحاقی (۷۱) را ببینید. بند الحاقی (۷۱) گفته احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجراست.

آقای علیزاده - خب، ما می‌گوییم حکم بند الحاقی (۱۰) را نمی‌توان محدود به سال ۱۳۹۲ کرد.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای علیزاده - چون کارگرانی که طبق قانون بیمه می‌شوند، دیگر به صورت دائم بیمه می‌شوند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا که در این بند گفته، شما چطور می‌گویید نمی‌شود بگویند؟ خب، گفته دیگر.

آقای مؤمن - دائم نیست آقا!

آقای مدرسی‌یزدی - شما می‌گویید نمی‌شود، من می‌گویم اینجا گفته است.

آقای علیزاده - در بندهای قبلی هم یک موردی بود که حکم دائمی داشت و ما ایراد گرفتیم؛ گفتیم که این دائمی‌اش می‌کند.

آقای مؤمن - بند الحاقی (۱۰)، دائمی نیست.

آقای علیزاده - آن بند الحاقی (۷۱)، جلوی دائمی نشدن بند الحاقی (۱۰) را نمی‌گیرد.

آقای کدخدائی - حاج آقا، رأی بگیریم.

آقای اسماعیلی - نه حالا ببینیم چه می‌شود آقای دکتر!

آقای مؤمن - ببینید؛ مگر ساختمان‌سازی چند سال طول می‌کشد. یک کسی که منزل می‌سازد دائماً که نمی‌سازد.

آقای مدرسی‌یزدی - آقا، مسئله‌ی منزل ساختن دائمی نیست. هر کارگر ساختمانی نسبت به این [کارش، بیمه می‌شود].

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - هر کس که شغلش کارگر ساختمانی باشد را می‌گوید باید بیمه کنند.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - بله.

آقای علیزاده - هر کس که شغلش کارگری ساختمان است، مشمول این بند می‌شود. فقط کافی است کارگر باشد.

آقای مؤمن - نه، کی گفته؟ این طور نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا.

آقای علیزاده - نه، این طور نیست که فقط موقع ساختمان‌سازی [باید کارگران را بیمه کنند].

آقای جنتی - بند الحاقی (۷۱) که گفته، «کلیه احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است»، برای این است که شورای نگهبان ایراد دائمی بودن به بندها را نگیرد.

آقای علیزاده - بله، علتش همین است.

آقای جنتی - ببینید الآن سه ماه از سال می‌گذرد. بعد هم تا بخواهد آیین‌نامه‌ی این بندها نوشته شود، دو سه ماه دیگر هم طول می‌کشد. بعد از شش ماه تازه می‌خواهند این بند را اجرایی کنند.

آقای مؤمن - باشد، شش ماه بشود.

آقای علیزاده - ما باید به بند الحاقی (۱۰) ایراد بگیریم. آقایانی که به این بند از جهت اینکه واقعاً ماهیت بودجه‌ای ندارد، ایراد دارند، رأی بدهند. چند تا شدیم؟ شش تا.

آقای جنتی - آقای دکتر [کدخدائی]، شما چرا رأی نمی‌دهید؟

آقای کدخدائی - حاج آقا، این بند آن ایراد [= نداشتن ماهیت بودجه‌ای] را ندارد. من که بحث کردم. اتفاقاً مجلس در بند الحاقی (۱۰)، تکلیف بیمه‌ی کارگران ساختمانی را مشخص کرده است؛ در حالی که تا الآن برای بیمه کردن اذیت می‌کردند.

آقای علیزاده - آقای امیری، شما رأی نمی‌دهید؟

آقای امیری - من هم همین پیشنهاد حاج آقای مؤمن را دارم؛ باید ببینیم ان شاء الله برای سال بعد چه می‌شود.

آقای کدخدائی - همه‌ی کارفرماها از دست این احکام قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی اذیت می‌شدند. الآن با آوردن این بند، مشکل را حل کرده‌اند.

آقای علیزاده - ما هم همین را داریم می‌گوییم. فعلاً شش رأی دارد.

آقای اسماعیلی - امسال بیمه‌ی کارگران ساختمانی، این جوری است.

آقای مدرسی‌یزدی - ابهام بگیریم.

آقای علیزاده - به چه چیزی ابهام بگیریم؟

آقای مدرسی یزدی - اصلاً من واقعاً می‌گویم اینکه از فقیر و غنی بگیرند، بعد هم بین همه پخش کنند [چه منطقی دارد؟]

آقای علیزاده - همه‌ی مالیات‌ها همین‌طور است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر. مثلاً مالیات بر درآمد، به این شدت نیست؛ مالیات بر اضافه‌ی درآمد اصلاً چنین نیست. اینها خیلی با هم فرق می‌کند.

آقای مؤمن - بند الحاقی (۱۱) را بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - من الآن یادم نیست وقت رسیدگی به قانون مالیات بر ارزش افزوده، رأی منفی یا مثبت دادم، ولی واقعاً هر وقت این قانون مالیات بر ارزش افزوده را می‌بینم، به نظر می‌رسد که اخذ این مالیات به این نحو، از لحاظ معیار شرعی صحیح نیست. بله، قبول دارم که کارایی دارد و الآن بهترین کارایی را هم دارد و شاید از باب ضرورت بتوان آن را توجیه کرد ولی اگر ضرورت نباشد، [بعید است با معیارهای اولیه‌ی شرعی همخوانی داشته باشد].

آقای مؤمن - خب، همین کارایی داشتن، خلاف شرع است؟ کارایی داشتن برای کشور، ملاک شرعی است.

آقای مدرسی یزدی - کارایی یعنی اینکه برای دولت پول درمی‌آورد.

آقای مؤمن - نه، یعنی پول در اختیار دولت برای اداره‌ی مملکت.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، فرقی نمی‌کند؛ ولی به چه قیمتی؟

آقای یزدی - اگر واقعاً این‌طور باشد که مالیات بر ارزش افزوده را می‌خواهند از این آقا و آن آقا بخصوص بگیرند و به آن آقا بدهند، [اشکال دارد؛] اما اصلاً مسئله این نیست.

آقای علیزاده - خب، الآن که شما نمی‌توانید بگویید قانون مالیات بر ارزش افزوده، ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای یزدی - مسئله این است که وقتی یک جنس می‌خواهد تولید شود، از روز اولی که ماده‌ی اولیه‌اش در کارخانه می‌آید تا روزی که می‌خواهد محصول آن در بازار عرضه شود، در ده جا و صد جا، مرتباً یک مبلغی باید به آن اضافه شود. چرا؟

آقای مدرسی یزدی - این اشتباه است.

آقای یزدی - به خاطر اینکه آن کارخانه‌دار، آن به اصطلاح بسته‌بندی کننده، آن حمل و نقل کننده، آن میدان‌دار [همه مبلغی بر آن می‌افزایند]. نتیجتاً می‌گوید این زردآلو تا به اینجا برسد،

آقای مدرسی یزدی - اینکه حکم بند الحاقی (۱۰)، مربوط به امسال است یا هر سال؟

آقای علیزاده - نه، این ابهام نیست.

آقای جنتی - اگر این ابهام را بگیریم، مجلس می‌گوید در بند الحاقی (۷۱) گفته‌ایم که احکام این قانون مربوط به امسال است.

آقای اسماعیلی - این را هم می‌شود بپرسیم.

آقای جنتی - جوابش را در بند الحاقی (۷۱) داده‌اند.

آقای کدخدائی - تأمین اجتماعی حاضر نیست از پول زوری که دارد می‌گیرد، دست بردارد.

آقای علیزاده - منابع موضوع این بند را که سازمان تأمین اجتماعی نمی‌گیرد.

آقای کدخدائی - چرا دیگر. الآن دارند از او می‌گیرند.

آقای علیزاده - منابع موضوع این بند برای بیمه کردن است. آقای دکتر، خب بگویند سازمان از همان پول زوری که می‌گیرد، کارگران را بیمه کند. چرا دوباره یک چیز دیگر می‌خواهید به تأمین اجتماعی بدهید؟ آقای مدرسی، چه ابهامی بگیریم؟

آقای مدرسی یزدی - اینکه این بند، مربوط به امسال است یا هر سال؟

آقای جنتی - مجلسی‌ها می‌گویند مال امسال است. تمام. ابهام گرفتن، اینجا لغو است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، پس هیچی. پس نتیجه‌اش معلوم است. ولی ببینیم آقایان فقها با اشکال شرعی این بند موافق هستند.

آقای مؤمن - اشکال شرعی شما، مربوط به قانون مالیات بر ارزش افزوده است.

آقای مدرسی یزدی - باشد. بالاخره الآن که ضمن بودجه به آن قانون اشاره شده است. اگر جوابی برای ایراد شرعی بنده دارید، بفرمایید.

آقای مؤمن - یعنی می‌فرمایید الآن آن قانون مالیات بر ارزش افزوده را ابطال کنیم؟ ما قبلاً قانون مالیات بر ارزش افزوده را تأیید کرده‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - تأیید کرده باشیم.

آقای مؤمن - خب تمام شد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - اگر اشکال بنده جواب دارد، بفرمایید.

آقای مؤمن - پس آن قانون را دوباره بیاورید تا بررسی کنیم!

آقای مدرسی یزدی - باشد، چه می‌شود آخر؟

آقای علیزاده - فعلاً شش رأی داریم. برویم.

اختصاص می‌دهند]. حالا هر لیتر این بنزین، فلان مبلغ شده است. حالا این قیمت نهایی که عرضه می‌شود، به این کاری ندارد که مصرف‌کننده چه کسی است.

آقای مدرس‌یزدی - چرا؟! آقا، شما توجه نمی‌کنید. اصلاً قانون مالیات بر ارزش افزوده این را نمی‌گوید. قانون می‌گوید هر کالایی که شما خریدید، هر قیمتی که دارد، درصدی باید به عنوان مالیات بر ارزش افزوده به قیمت کالا اضافه شود.

آقای یزدی - بله.

آقای مدرس‌یزدی - خب این اشتباه است. کسانی هستند که اصلاً توان دادن مالیات را ندارند. اینها اصلش را هم نمی‌توانند بخرند و با قرض می‌خرند، ولی باید مالیات بر ارزش افزوده‌اش را بدهند. این عادلانه نیست.

آقای سلیمی - مالیات بر ارزش افزوده اصلاً به خرید کاری ندارد.

آقای یزدی - بله، مالیات بر ارزش افزوده به خرید و اینکه چه کسی می‌خرد یا چه کسی مصرف می‌کند، کاری ندارد.

آقای جنتی - آقا، اشکال شرعی به این بند، رأی ندارد.

آقای سلیمی - [ماده (۳) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷، ارزش افزوده را این‌طور تعریف کرده است:]

«ارزش افزوده در این قانون، تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه‌شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری یا تحصیل‌شده در یک دوره معین می‌باشد.» می‌گوید یک سال از عرضه‌ی این کالا گذشته، ارزش آن افزایش دارد، پس بنابراین من [این مقدار مالیات از آن ارزش اضافه‌شده می‌گیرم].

آقای مدرس‌یزدی - این مالیات را از همه می‌گیرند. الان اگر شما برای خرید طلا، غذا یا هر چیز دیگری بروید، مبلغی هم به عنوان ارزش افزوده از شما می‌گیرند.

آقای کدخدائی - ارزش افزوده را جدا فاکتور می‌کنند و می‌گیرند.

آقای سلیمی - مثلاً سه درصد (۳٪) بابت ارزش افزوده دریافت می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - خیلی خب، همان دیگر؛ همان سه درصد (۳٪) را می‌گویم بی‌خودی می‌گیرند. برخی افراد خود کالا را نمی‌توانند بخرند، می‌گویند مالیات هم بدهید!

آقای امیری - این در جای خودش محل بحث است.

آقای سلیمی - الان چه بخواهید چه نخواهید، ارزش افزوده را طبق قانون می‌گیرند.

قیمت آن دانه‌ای ۵۰ تومان می‌شود. این ۵۰ تومان، یک تومانش مال اصل زردآلود است، یک تومانش هم مال آورنده‌اش است، یک تومانش هم مال مغازه‌دار است، یک تومانش هم مال مستخدمش است [و به همین ترتیب]. لذا بحث در مالیات بر ارزش افزوده این نیست که مالیات را از شخص معینی برای شخص معین دیگری می‌گیرند.

آقای مدرس‌یزدی - چرا.

آقای یزدی - می‌گوید قیمت تمام‌شده‌ی این جنس مثلاً این قدر است.

آقای مدرس‌یزدی - نه.

آقای یزدی - و لذا شما هر چه واسطه‌ها را کم کنید، قیمت کمتر می‌شود و هر چه واسطه‌ها را بیشتر کنید، قیمت بیشتر می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - نخیر، این نیست.

آقای یزدی - نه، من جواب اشکال شرعی شما را می‌خواهم بدهم. بنابراین اینکه شما می‌گویید مالیات بر ارزش افزوده، اشکال شرعی دارد؛ چون از فقیر و غنی دریافت می‌شود و مثلاً به یک مصرف خاصی می‌رسانند، جوابش این است.

آقای مدرس‌یزدی - بله، مالیات بر ارزش افزوده را همه می‌دهند.

آقای یزدی - ارزش افزوده، کاری به بحث فقیر و غنی ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - چرا؛ مهم، همین است.

آقای یزدی - نه ببینید، می‌گوید معمولاً تولید این محصول از مبدأ تا مصرف، این راه را طی می‌کند؛ لذا هر چه راه را کوتاه‌تر بکنید، ارزان‌تر تمام می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - نه، ربطی به این ندارد.

آقای یزدی - هرچه راه عرضه‌ی محصول تا بازار، طولانی‌تر باشد، گران‌تر تمام می‌شود. حالا اینکه چه کسی خریدار است، مهم نیست؛ غنی و فقیر دیگر اینجا مطرح نیست.

آقای مدرس‌یزدی - آقا، مطلب این نیست. می‌گویند مالیات بر ارزش افزوده یعنی اگر قیمت نهایی یک جنس در مغازه، (۵۰) تومان است برای خرید آن باید ده درصد (۱۰٪) اضافه‌تر به عنوان مالیات بدهی.

آقای یزدی - جنس تولیدشده هم مثل بنزین اتومبیل است. یک مبلغی از قیمت بنزین را همین آقای که اینجا تشکیلات پمپ بنزین دارد، می‌گیرد. یک مبلغش را خود شرکت نفت می‌گیرد و [به همین ترتیب، دیگری که در چرخه‌ی تولید تا عرضه‌ی بنزین فعالند، هر کدام سهمی از قیمت بنزین را به خود

آقای امیری - باید روی این موضوع [در زمان بررسی قانون مالیات بر ارزش افزوده] صحبت می‌شد.

آقای سلیمی - من الآن بحث مربوط به تأمین اجتماعی را پرسیدم. می‌گویند این پولی را که سازمان تأمین اجتماعی می‌گرفته، باز دوباره کارگراها را بیمه نمی‌کرده و می‌گفته است که پیمانکار باید بیاید دوباره کارگر را بیمه کند.

آقای علیزاده - خب باید سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کنند تا کارگران را بیمه کند، نه اینکه اینجا بگویند پول مالیات را به سازمان بدهید.

آقای سلیمی - حتی اگر سازمان تأمین اجتماعی را هم مجبور کنند، نتیجه‌ای ندارد. چون کارگر...

آقای علیزاده - اینکه بیایند مجبور کنند که پول مالیات را به سازمان تأمین اجتماعی بدهند هم نتیجه ندارد. چه کار می‌خواهند بکنند؟

آقای کدخدائی - اصلش این است که با این بند دارند قلمک تأمین اجتماعی را می‌بندند. تأمین اجتماعی، به دریایی از پول تبدیل شده و هر دولت هم که می‌آید، تأمین اجتماعی را تبدیل به یک صندوق ذخیره‌ای کرده که از آن برداشت می‌کند. الآن مجلس با حکم بند الحاقی (۱۰)، جلوی آن را بست. این بند، اصلش این است.

آقای علیزاده - مگر در یک همچنین فضایی مجلس می‌تواند در چنین سازمانی را ببندد!

آقای یزدی - می‌گویند سازمان تأمین اجتماعی، ثروتمندترین سازمان است.

آقای علیزاده - حالا نهصد هزار میلیارد هم امسال از این محل به تأمین اجتماعی می‌دهند.

آقای کدخدائی - نه این بند نمی‌گوید بدهید. آن محل را که بسته و می‌گوید آن را متوقف کنید.

آقای علیزاده - این بند می‌گوید نهصد هزار میلیارد هم از این محل به تأمین اجتماعی بده.

آقای کدخدائی - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از طریق مالیات بدهید؛ یعنی روشن کرده است.

آقای جنتی - خیلی خب آقا، این بحث‌ها فایده‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این بند شش رأی داشت. تمام شد. برویم.

آقای جنتی - این بند، نه رأی خلاف شرع دارد، نه رأی خلاف قانون اساسی.

آقای علیزاده - فعلاً شش رأی خلاف قانون اساسی دارد.

آقای جنتی - خیلی خب آقا، این بحث‌ها فایده‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این بند شش رأی داشت. تمام شد. برویم.

آقای جنتی - این بند، نه رأی خلاف شرع دارد، نه رأی خلاف قانون اساسی.

آقای کدخدائی - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از طریق مالیات بدهید؛ یعنی روشن کرده است.

آقای جنتی - خیلی خب آقا، این بحث‌ها فایده‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این بند شش رأی داشت. تمام شد. برویم.

آقای جنتی - این بند، نه رأی خلاف شرع دارد، نه رأی خلاف قانون اساسی.

آقای کدخدائی - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از طریق مالیات بدهید؛ یعنی روشن کرده است.

آقای جنتی - خیلی خب آقا، این بحث‌ها فایده‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این بند شش رأی داشت. تمام شد. برویم.

آقای جنتی - این بند، نه رأی خلاف شرع دارد، نه رأی خلاف قانون اساسی.

آقای کدخدائی - بند الحاقی (۱۰) می‌گوید از طریق مالیات بدهید؛ یعنی روشن کرده است.

آقای جنتی - خیلی خب آقا، این بحث‌ها فایده‌ای ندارد.

آقای جنتی - بند الحاقی (۱۱) را بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۱- هزینه مصرف با رعایت الگوی مصرف و حق انشعاب برق، آب و گاز برای حوزه‌های علمیه، مساجد، دارالقرآن‌ها، حسینیه‌ها و اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی، رایگان است.»

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که این بند هم خلاف شرع است. این بند می‌گوید هزینه‌های اماکن دینی اقلیت‌های دینی مجانی باشد و شما از بیت‌المال مسلمین هزینه‌های آتشکده‌ها و کنیسه‌ها که عقاید خلاف شرع را ترویج می‌کنند را بدهید.

آقای سلیمی - آتشکده که جزء اماکن دینی نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا، پس اماکن اقلیت دینی کجا است؟

آقای جنتی - گفته اقلیت‌های دینی دیگر.

آقای مدرسی یزدی - [پول بیت‌المال را خرج این اماکن کردن،] حرام است و این مصوبه، خلاف شرع است.

آقای یزدی - یک‌بار این مسئله اینجا بحث شد. من عرض کردم وقتی شما اجازه می‌دهید ارمنی‌ها در این شهر زندگی کنند، مالیات هم می‌دهند، سربازی هم می‌روند، جنسی هم که می‌خرند عوارض آن را می‌دهند و مثل بقیه‌ی افراد در این شهر زندگی می‌کنند، شما متعهد شده‌اید که زندگی این اقلیت‌های دینی را تأمین کنید. آنها طبق عقیده‌ی خودشان عبادت می‌کنند و عقیده‌شان نزد خودشان محترم است.

آقای مدرسی یزدی - چه چیزی محترم است؟ آیا عقاید آنها برای ما محترم است؟!

آقای یزدی - عقیده‌شان برای خودشان محترم است. شما وقتی که حکومت، بر عهده گرفته‌اید، باید امنیت اقلیت‌ها را تأمین کنید.

آقای مدرسی یزدی - بله، امنیت آنها باید تأمین شود.

آقای یزدی - امنیت، همراه با [احترام به] اعتقاد و مسائل دینی آنها است.

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای مؤمن - خلاف شرع بودن این بند، رأی ندارد.

منشی جلسه - حاج آقا، این حکم، پارسال هم عیناً در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ بوده است.^۱

آقای یزدی - من می‌خواهم این عرایض واقعاً در بحث‌ها ثبت بشود. شما اجازه بدهید. قانون اساسی می‌گوید اقلیت‌های دینی که در کشور زندگی می‌کنند در رعایت قوانین کیفری و عمومی، مثل بقیه هستند. تخلف رانندگی بکنند یا مرتکب قتل بشوند، جلوی آنها را می‌گیرید. مثل بقیه، عوارض را هم از آنها می‌گیرید. در برابرش شما به عهده گرفته‌اید که [حقوق و امنیت] این اقلیت‌ها را حفظ کنید؛ یعنی نگذارید کسی زن و بچه و جان آنها را از بین ببرد.

آقای مدرسی یزدی - ولی این به این معنی نیست که از بیت‌المال مسلمین هزینه‌های اماکن دینی آنها داده شود.

آقای یزدی - نباید بگذارید کسی مکان‌های عبادی آنها را خراب کند و نباید بگذارید مثلاً کسی حتی چراغ عبادتگاهشان را هم بزدود. هر چند عبادتگاه‌های آنها برای ما معتبر نیست، ولی چون برای خودشان معتبر است و در شهری زندگی می‌کنند که شما تأمین امنیت آنها را به عهده گرفته‌اید باید آن را حفظ کنید. الان در شهرهایی مثل اصفهان که عده‌ای از اقلیت‌های دینی در آنجا زندگی می‌کنند، کلیسا دارند، مالیات می‌دهند، در بازار مغازه دارند و همه‌ی مقررات را هم رعایت می‌کنند. در مقابل، من حاکمیت هم به عهده گرفته‌ام که از آنها نگهداری و محافظت کنم. البته من حکومت نباید زائد بر دیگران به آنها خدمات بدهم، مثلاً یک کلیسای جدید بسازم، اما از طرفی هم نباید بگذارم دزد بیاید و وسایل کلیسا را ببرد. بنابراین، این مقدار امنیت، یک امر حکومتی و حاکمیتی است، نه کمک به ضاله است و نه کمک به ترویج دین آنها است.

آقای مدرسی یزدی - اگر ترویج نیست، پس چیست؟

آقای یزدی - با این بند، مسیحیت را که نمی‌خواهیم ترویج بدهیم.

آقای جنتی - ببینید آقا، ما واقعاً بی‌خود داریم وقتمان را تلف می‌کنیم. حالا اگر ما سه نفر هم رأی به مغایرت با شرع بدهیم،

بالاخره این بند، رأی مغایرت ندارد. وقتی این مصوبه، رأی مغایرت ندارد، [ادامه‌ی بحث معنا ندارد]. عقیده‌ی ایشان [= آیت‌الله یزدی]، در این زمینه، این است.

آقای مدرسی یزدی - نه، آخر این عقیده هم باید مبنا داشته باشد. **آقای یزدی -** این عقیده، مبنای شرعی درجه‌ی یک دارد. پیغمبر خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در مدینه وقتی با یهودی‌ها قرارداد می‌بست، آن را رعایت می‌کرد. علی مرتضی (سلام‌الله علیه) وقتی حاکم بودند از کسانی که در حکومتش زندگی می‌کردند، حفاظت می‌کرد. اصلاً حضرت می‌فرمایند اگر یک خلخال از پای یک یهودی در بیاورند من ناراحت می‌شوم. چرا؟ به خاطر اینکه آن یهودی در آنجا تحت حکومت حضرت، زندگی می‌کرده است.

آقای مدرسی یزدی - حالا اجازه بدهید من دو کلمه عرض کنم.

آقای جنتی - آقا وقت را تلف نکنید.

آقای امیری - حاج‌آقای مدرسی، این حکم در بودجه‌ی سال‌های قبل هم بوده است.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. من وظیفه‌ی خودم می‌دانم این مطلب را بگویم. تأمین امنیت به جای خودش محفوظ است و نباید به آنها ظلم شود؛ ولی کمک کردن به آنها جایز نیست. والسلام.

آقای علیزاده - خیلی خب.

آقای مدرسی یزدی - رأی بگیرید.

آقای مؤمن - بله، من هم بند الحاقی (۱۱) را خلاف شرع می‌دانم. بنویسید تا اقلماً ضبط بشود.

منشی جلسه - چشم حاج‌آقا، ضبط شد.

آقای مؤمن - حضرت امام خمینی (ره)، خلاف شرع می‌دانند.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۲ - بانک‌های عامل مکلفند سود تسهیلات اعطایی را مطابق دستورالعمل شورای پول و اعتبار دریافت نمایند. در صورتی که سود تسهیلات اعطایی بالاتر از نرخ سود تعیین‌شده توسط شورای پول و اعتبار باشد، دولت مکلف است مبلغ مازاد را به عنوان مالیات تشخیص داده و صد درصد (۱۰۰٪) آن را وصول نماید.»

آقای امیری - حاج‌آقا، راجع به بند الحاقی (۱۲)، یکی از مدیران عامل بانک‌های کشور که آدم متدینی هم هست، می‌گفت که شورای پول و اعتبار یک مبلغی را مشخصاً به عنوان سود تعیین می‌کند و بانک‌ها را هم مکلف می‌کند آن سود مشخص را بگیرند و این به نوعی ربا است. در واقع، ایراد شرعی به این بند داشت.

۱. بند (۸۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۸۸ - هزینه مصرفی و حق انشعاب برق، آب و گاز برای مساجد، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها و نیز اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.»

همه‌ی این احکام و بندها نظراتی را نوشته‌اند، لاقلاً یک نفر این نظرات را مطرح کند. این همه زحمت کشیده‌اند. واقعاً خیلی کار کرده‌اند. الآن روی همین بند الحاقی (۱۲) حرف دارند؛ نوشته‌اند: «تجویز دریافت سود تسهیلات اعطایی توسط بانکها بالاتر از نرخ سود تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار (مستنبط از مفهوم مخالف این بند)، مغایر بندهای (۱۰) و (۱۲) اصل (۳) قانون اساسی^۱ به نظر می‌رسد.»^۲

آقای کدخدائی - حاج آقا، در این خصوص، فقها باید نظر بدهند. **آقای یزدی -** این مورد را صبح من نگاه کردم، اتفاقاً مغایر نیست. چون این بندها در قانون اساسی می‌گویند اقتصاد می‌بایست به شکل مثلاً چنین و چنان بشود، و به این شکل باید اقتصاد را تنظیم کنیم. همان بند (۱۰) و (۱۲) اصل سوم را ملاحظه بفرمایید؛ مغایرت ندارد. من اتفاقاً صبح آن گزارش را نگاه می‌کردم.

آقای جنتی - آقا، بقیه‌اش را بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۵ - پنج درصد (۵٪) موضوع جزء (۲) بند (د) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۳ صرفاً سهم کارکنان شاغل و بازنشسته بدون کمک

۱. اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱ - ...

۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱ - ...

۱۲ - پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.»

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، ص ۱۸، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

۳. بند (د) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «د - حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح زیر، سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:

۱ - خانوارهای روستاییان و عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه معادل پنج درصد (۵٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سال‌های اول، دوم و سوم برنامه و شش درصد (۶٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سال‌های چهارم و پنجم برنامه. صد درصد (۱۰۰٪) حق بیمه اقشار نیازمند از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود.

۲ - خانوارهای کارکنان کشوری و لشکری شاغل و بازنشسته معادل پنج درصد (۵٪) حقوق و مزایای مستمر در سال‌های اول، دوم و سوم برنامه و شش درصد (۶٪) حقوق و مزایای مستمر در سال‌های چهارم و پنجم برنامه مشروط بر اینکه حداکثر آن از دو برابر حق بیمه مشمولین جزء (۱) این بند تجاوز نکند. بخشی از حق بیمه مشمولین این جزء از بودجه

آقای یزدی - آقایان فقها، سود تسهیلات را ربا نمی‌دانند.

آقای مدرسی یزدی - ببینید اگر قانون عملیات بانکی بدون ربا رعایت شود؛ مثلاً قانون در فروش اقساطی می‌گوید فروش اقساطی که می‌کنی این قدر بیشتر بگیر، این ربا محسوب نمی‌شود. **آقای علیزاده -** اگر عمل خلاف انجام می‌دهند، در واقع در عمل دارند خلاف می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای امیری - نه، این آقای مدیر عامل می‌گوید که الآن عقود را به مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم کرده‌اند که برای عقود مبادله‌ای، نرخ سود مشخص می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. یعنی خرید و فروش که می‌کنیم، مبادله که می‌کنیم، این قدر سود دارد.

آقای ره‌پیک - درست است دیگر. می‌شود اقساط...

آقای امیری - نخیر. ایشان می‌گویند وقتی وام می‌دهند، نتیجه‌اش مشخص نیست.

آقای مؤمن - تسهیلات، غیر از وام است.

آقای مدرسی یزدی - وام نیست.

آقای مؤمن - موضوع این بند، تسهیلات است.

آقای علیزاده - در این بند گفته که تسهیلات می‌دهند.

آقای ره‌پیک - فروش اقساط و سلف و امانت آن، جزء عقود مبادله‌ای است.

آقای مؤمن - نه، مشتری جنسی می‌خرد، [بعد پول آن را به مبلغی بالاتر به صورت اقساط می‌پردازد].

آقای مدرسی یزدی - بله، برای فروش اقساطی می‌گویند گران‌تر بگیر. مشکلی ندارد. فقط عمده‌ی ایراد این است که این عقود، انشا نمی‌شوند.

آقای کدخدائی - خیلی‌ها، اعم از معممین و غیر معممین به این [عملکرد بانکها] ایراد دارند.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۳ - بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی مجاز به دریافت سود و کارمزد بیش از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار نمی‌باشند.

بند الحاقی ۱۴ - یک درصد (۱٪) قیمت بلیت هواپیما و کشتی از هر مسافر توسط شرکت‌های ذی‌ربط اخذ و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود. معادل وجوه حاصله تا سقف چهارصد میلیارد (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل اعتبار ردیف متفرقه ۵۳۰۰۰۰ در اختیار جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد.»

آقای جنتی - زحمت‌هایی را که مرکز تحقیقات کشیده، یکی بخواند. آقای دکتر، اینها که این قدر زحمت کشیده‌اند، راجع به

آقای کدخدائی - د- حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح زیر سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:

۱- خانوارهای روستاییان و عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه معادل پنج درصد (۵٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سالهای اول، دوم و سوم برنامه و شش درصد (۶٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سالهای چهارم و پنجم برنامه. صد درصد (۱۰۰٪) حق بیمه اقشار نیازمند از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود.

۲- خانوارهای کارکنان کشوری و لشکری شاغل و بازنشسته معادل پنج درصد (۵٪) حقوق و مزایای مستمر در سالهای اول، دوم و سوم برنامه و شش درصد (۶٪) حقوق و مزایای مستمر در سالهای چهارم و پنجم برنامه مشروط بر اینکه حداکثر آن از دو برابر حق بیمه مشمولین جزء (۱) این بند تجاوز نکند. بخشی از حق بیمه مشمولین این جزء از بودجه عمومی دولت تأمین خواهد شد.»

آقای علیزاده - این بند دارد به اقشار مذکور کمک می‌کند. بله، خیلی خوب، برویم. خدا پدرشان را بیمارزد.

آقای کدخدائی - می‌خواهد این محل را بگذارد و از آن یارانه‌ی داروی بیماران مذکور را تأمین کند.

آقای علیزاده - بله، این بند می‌خواهد از کارکنان لشکری و کشوری بگیرد و به بیماران صعب‌العلاج بدهد.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۶- به سازمان اوقاف و امور خیریه اجازه داده می‌شود به منظور تأمین مالی طرح‌های انتفاعی عام‌المنفعه در حوزه توسعه موقوفات و بقاع متبرکه با نظارت بانک مرکزی و تضمین خود اقدام به انتشار اوراق مشارکت (اوراق صکوک اسلامی) تا سقف سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و اوراق وقفی (بدون سود) تا سقف یکهزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نماید.»

آقای کدخدائی - «اوراق وقفی» چیست؟ اوراق وقفی نداریم. در مورد اوراق مشارکت، قانون داریم،^۲ ولی اصلاً در قانون، «اوراق وقفی» نداریم.

آقای علیزاده - این هم از آن عباراتی است که معلوم نیست چیست. باید بگویم مشخص کنند که منظور از «اوراق وقفی» چیست؟

آقای مؤمن - مثل همان عبارت نامفهوم «شبه‌دولتی» است [که پیش‌تر در جزء الحاقی (۲) آورده بودند].

آقای کدخدائی - من نمی‌دانم سازمان اوقاف که آن قدر املاک و اموال دارد، الآن برای چه این بند می‌خواهد به سازمان اوقاف

از بودجه عمومی کشور تبدیل می‌شود و عبارت «حداکثر دو برابر» به عبارت «سه برابر حق بیمه مشمولین جزء (۱)» اصلاح می‌گردد. منابع حاصله در جهت کمک به یارانه داروهای بیماران سرطانی، صعب‌العلاج، خاص و نادر صرف می‌شود.»

آقای مؤمن - یعنی چه؟

آقای کدخدائی - این بند، محلی را برای تأمین داروهای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج تعیین کرده است.

آقای ره‌پیک - دولت به این بند هم اشکال گرفته است.^۱

آقای کدخدائی - یعنی می‌گویند بیماران نباید معالجه شوند؟!

آقای مدرسی‌یزدی - بند الحاقی (۱۵) آخرش چه می‌خواهد بگوید؟

آقای یزدی - مبلغ [اختصاص داده شده برای یارانه‌ی داروها] را بیشتر کرده است.

آقای کدخدائی - خواستند یک تمدید مالی برای این [افراد موضوع این بند انجام بدهند].

آقای سلیمی - صرفاً سهم کارکنان شاغل و... را بیشتر کرده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - یعنی چه؟

آقای سلیمی - جزء (۲) بند (د) ماده (۳۸) را باید ببینید. آنجا می‌گوید که صرفاً سهم کارکنان سابق و بازنشسته بدون کمک از بودجه‌ی عمومی کشور تبدیل می‌شود.

آقای علیزاده - جزء (۲) بند (د) ماده (۳۸) چیست؟ آن را بیاورید ببینیم حکمش چیست.

آقای سلیمی - جزء (۲) را باید ببینیم؛ چون در اینجا گفته «دو برابر» به «سه برابر» افزایش می‌یابد.

آقای علیزاده - خوب، اگر دریافت دولت است باید بگوید به خزانه می‌رود و بعد، از خزانه باید تخصیص پیدا کند؛ اینها را باید بگوید.

آقای کدخدائی - با این بند در واقع می‌خواهند هزینه‌ی داروهای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج را تأمین کنند.

منشی جلسه - حاج‌آقا، بند (د) روی صفحه‌ی نمایشگر است.

→

عمومی دولت تأمین خواهد شد.»

۱. جزء (۱) بند (ه-۴) نامی مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور: «بند الحاقی ۱۵: به نظر می‌رسد خلاف شرع مقدس است. بیمه، قراردادی بین افراد بیمه‌شده و صندوق ذی‌ربط است که منابع آن باید در حدود وظایف و مشترکان همان صندوق مصرف شود. حال آنکه سهم کارمند و بازنشسته را یک سوم افزایش داده و منابع حاصل از آن برای یک گروه خاص که احتمالاً خارج از افراد مشترک صندوق می‌باشند (یارانه داروهای بیماران سرطانی، صعب‌العلاج، خاص و نادر و ... مصرف می‌شود.»

۲. قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰.

کمک کند؟!

آقای جنتی - استفاده از این عبارات سابقه هم نداشته است.

آقای کدخدائی - همیشه این سازمان اوقاف است که به خاطر اوضاع مالی خوبی که دارد، به دولت کمک می‌کند.

آقای علیزاده - نه، حالا البته برای کمک به بقاع متبرکه، حرفی نیست؛ دولت می‌تواند به سازمان اوقاف کمک کند.

آقای جنتی - این بند می‌خواهد وقف را توسعه بدهد.

آقای علیزاده - اصلاً نمی‌فهمم [که چرا چنین مصوباتی را در بودجه می‌آورند!] واقعاً برای مواردی مثل این اوراق وقفی باید قانون بگذرانند.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر متولی وقف، اوراق مشارکت وقفی پخش کند، چه عیبی دارد؟

آقای کدخدائی - نه حالا اوراق وقفی اولاً چه است؟ آن باید مشخص شود.

آقای مدرسی‌یزدی - مقصود از «اوراق وقفی»، همان اوراق مشارکت است دیگر.

آقای کدخدائی - در این بند اوراق مشارکت را داریم.

آقای علیزاده - فکر کنم آن بالا، اوراق مشارکت را هم گفته است. اینجا هم اوراق مشارکت را گفته است؛ هم صکوک را گفته و هم اوراق وقفی را.

آقای یزدی - حالا اجازه بدهید. یک بحثی اینجا هست که آیا وقف مشخصاً باید از اعیان خارجی باشد؛ همان طور که مشهور فقها می‌فرمایند که وقف عبارت است از «توقیف العین و تسبیل الثمره»^۱ و بعضی می‌گویند عین یعنی «ما یمكن أن ینتفع منه مع بقائه سواء کان عیناً خارجياً» مثل زمین، کتاب، چراغ و ... «أو کان امرأ اعتباریاً»، مثلاً مثل همین سهام که قابل وقف است. مثل خود پول که می‌شود وقف کرد. مثلاً شما می‌گویید من (۱۰۰) میلیون تومان به عنوان وقف می‌گذارم.

آقای علیزاده - البته بند الحاقی (۱۶) می‌گوید کمکی که به سازمان اوقاف می‌شود، بازپس گرفته می‌شود.

آقای یزدی - مثلاً من (۱۰۰) میلیون تومان را وقف می‌کنم فقط برای اینکه بتوانید قرض بدهید و بازپس بگیرید.

آقای علیزاده - این مثال همین سطح نیست.

آقای یزدی - اینکه می‌شود یا نمی‌شود غیر اعیان خارجی را وقف کرد یا نه، محل اختلاف است. بعضی فقها چنین وقفی را

۱. خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم،

جایز می‌دانند.^۲

آقای علیزاده - بله. حاج‌آقا، چیزی که می‌فرمایید درست است، اما این بند می‌خواهد بگوید چیزی مثل قرض که بدون سود است به اوقاف داده می‌شود و بعد هم اوقاف باید آن را پس بدهد.

آقای یزدی - نه همین، می‌خواهم بگویم که معنای اوراق وقفی این است که ورقه‌ای را با قیمت مشخص چاپ می‌کنند و می‌گویند قیمت آن (۱۰۰) تومان است، (۱۰۰۰) تومان است. بعد شما این ورقه را به عنوان وقف می‌خرید. (۱۰۰) تومان یا (۱۰۰۰) تومان می‌دهید و آن ورقه وقف را می‌گیرید. این می‌شود اوراق وقفی.

آقای کدخدائی - حاج‌آقا، این معنا برای اوراق وقفی را کجا گفته است؟

آقای علیزاده - نه، گفته به سازمان اوقاف قرض می‌دهی و بعداً آنها پس می‌دهند.

آقای یزدی - نه دیگر، این‌طور نیست.

آقای علیزاده - ظاهر بند الحاقی (۱۶) که این‌جوری است. حالا باید ظاهراً معنای آن را روشن کنند.

آقای یزدی - اوراق وقفی معنایش این است که وقف می‌شود.

آقای علیزاده - اینکه در بند الحاقی (۱۶) گفته «بدون سود»، دلیل بر این است که آن را پس می‌گیرند.

آقای یزدی - [نه، معنایش این است که] آن ورقه‌ی وقفی، بدون سود وقف می‌شود.

آقای کدخدائی - حاج‌آقا، «اوراق وقفی» یک اصطلاح جدید است که در این مصوبه‌ی مجلس آمده است.

آقای یزدی - بله، به هر حال بالاخره سازمان اوقاف آن پول را می‌گیرد و مدتی از آن استفاده می‌کند.

آقای علیزاده - بالاخره باید روشن کنند که مقصود از اوراق

۲. «و هل یصح وقف الدراهم و الدنانیر قیل: لا یصح و هو الأظهر عند المصنف وفاقاً لجماعه من القدماء بل فی الدروس عن المبسوط الإجماع علیه إلا ممن شد، و الموجود فی المحکی عته و عن الغنیه و السرائر نفی الخلاف فیه، لأنه لا نفع لها إلا بالتصرف فیه و هو مناف للوقف المقتضی بقاء الأصل و قیل: یصح کما أرسله فی محکی المبسوط لأنه قد یفرض لها نفع مع بقائها کالتزین بها، و دفع الذل و نحوها، فیتناولها حینئذ إطلاق الأدله، و لعله لذا استشكل الفاضل فی القواعد بل فی محکی التذکره أن أصحابنا ترددوا، و فی محکی السرائر لو قیل بالجواز کان وجهها، و فی المسالك أقوى، و فی الدروس و محکی التذکره و الحواشی و جامع المقاصد الصحه مع المنفعه، کالتحلی و نحوه» (نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۱۹)

وقفی چیست.

آقای جنتی - خیلی خب، بنابراین این اوراق وقفی، وقف نمی‌شود.

آقای علیزاده - باید مفهوم آن را روشن کنند.

آقای جنتی - اگر پول هم قابل وقف باشد، باید وقف دائم باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - یعنی نتیجه این می‌شود که سازمان اوقاف، ورقه‌ای را که مثلاً معادل (۱۰۰) تومان است، چاپ می‌کند و (۱۰۰) تومان هم می‌فروشد تا با آن (۵) سال یا (۱۰) سال کار کند، بعداً هم آن را برمی‌گرداند.

آقای جنتی - به بند الحاقی (۱۶) یک ابهام بگیرید و برویم.

آقای علیزاده - بله، ابهام را نوشتیم.^۱

آقای کدخدائی - بد نیست یک سؤالی هم بشود که اصلاً سازمان اوقاف، این همه اوراق مشارکت را واقعاً برای چه می‌خواهد؟

آقای جنتی - حالا آن دیگر به ما ربطی ندارد.

آقای علیزاده - واقعیت این است که در زمان بررسی بودجه، نماینده‌ی سازمان‌ها به مجلس می‌روند و آنجا چند نماینده‌ی مجلس را می‌بینند، [و از آنها می‌خواهند که چنین احکامی وارد بودجه شود]. حضرت آیت‌الله جنتی یک فرمایشی کردند که فرمایش بسیار خوبی بود و آن اینکه اگر ما می‌خواستیم ایراد به هم خوردن شاکله‌ی بودجه را بگیریم، هیچ‌وقت نمی‌توانستیم به این خوبی ایراد بگیریم. مجلس چیزی حدود (۷۰) بند را به لایحه اضافه کرده است. واقعاً من از این کار مجلس تعجب می‌کنم.

آقای جنتی - ولی من واقعاً گله دارم از اینکه به ایراد به هم خوردن شاکله‌ی بودجه رأی ندادید. تصویب کردید و رأی ندادید. با این مصوبه‌ی مجلس، چیزی برای دولت نمی‌ماند. مجلس همه چیز را زیر و رو کرده است.

آقای علیزاده - حداقل این بند الحاقی بی‌ربط را برمی‌داشتند. ما کاری نداریم که این مصوبات، به درد می‌خورد یا نمی‌خورد، اما آمده‌اند یک احکامی آورده‌اند که [اصلاً هیچ ارتباطی به بودجه ندارد].

آقای مؤمن - ادامه‌ی مصوبه را بخوانید.

آقای علیزاده - ببینید، این کارهایی که ما می‌کنیم، همه‌ی اینها سنت می‌شود؛ بعداً می‌گوییم قبلاً اینها را ما پذیرفته‌ایم.

آقای مدرس‌یزدی - آقا، الان به این بندهای الحاقی که رسیدیم می‌توانیم بگوییم در صورت تصویب بندهای الحاقی، شاکله عوض می‌شود.

آقای یزدی - خب ۱۰-۱۵ صفحه‌ی دیگر باقی مانده است. بخوانید که اگر توانستیم بررسی این مصوبه را تمام کنیم.

آقای علیزاده - بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۱۷- به دلیل تکرار در بند (۵۳)، حذف شد.

بند الحاقی ۱۸ - به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی دستگاه‌های مشمول بند (ب) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود در راستای تکمیل پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای خود تا سقف درآمد اختصاصی سال ۱۳۹۱ نسبت به اخذ وام از بانک‌های دولتی اقدام و در جهت تکمیل و یا احداث پروژه‌های تملک دارایی سرمایه‌ای خود استفاده نمایند و با تنفس یکساله نسبت به بازپرداخت اقساط از محل درآمد اختصاصی خود اقدام کنند. وجه‌الضمان وثیقه آن طبق بند (۱-۸) این قانون خواهد بود.

بند الحاقی ۱۹ - به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده می‌شود پس از تغییر کاربری نسبت به فروش زندان‌های قدیمی و اموال غیرمنقول مازاد خود و یا واگذاری به پیمانکاران دولتی و غیردولتی و شهرداری‌ها به قیمت کارشناسی جهت اجرا و تکمیل طرح‌های مصوب نیمه‌تمام، تعمیر و تجهیز زندان‌ها، مراکز وابسته، تجمیع و یا خرید زمین و ساختمان‌های اداری و جابه‌جایی زندان‌ها از داخل شهرها اقدام نماید.»

آقای یزدی - تا جایی که ما اطلاع داریم، سازمان زندان‌ها کمبود جا هم دارد، تا چه رسد که جای زیادی داشته باشد و بخواهد بفروشد. همه‌اش هم دنبال اضافه کردن است.

آقای امیری - حاج‌آقا، منظور این بند، زندان‌های داخل شهر است که دیگر قابلیت استفاده برای زندان را ندارند. در اینجا به اینها اجازه می‌دهند که به خارج از شهر منتقل شوند.

آقای یزدی - می‌دانم. اما الان واقعاً زندان داخل شهر، وجود دارد؟ کجا زندان داخل شهر داریم؟

آقای امیری - بله، داریم.

آقای یزدی - یکی از زندان‌های مهم داخل شهر در تهران بود که آن هم، خیلی وقت پیش فروختند و تمام شد. کجا دیگر زندان داخل شهر داریم؟

۱. بند (۱۶) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۶- در بند الحاقی (۱۶)، منظور از عبارت «اوراق وقفی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای یزدی - گفته «به ازای واردات هر دستگاه خودرو»، یعنی وقتی یک ماشین از خارج وارد می‌کنی، این مبلغ را به عنوان عوارض واردات باید بپردازی.

آقای کدخدائی - «علاوه بر...»

آقای علیزاده - یعنی این عوارض، علاوه بر آن [مالیات] است.

آقای کدخدائی - بله، این عوارض است؛ مالیات نیست. مالیات که صد درصد (۱۰۰٪) قیمت خودرو است.

آقای علیزاده - پس این عوارض، غیر از آن مالیات است.

آقای جنتی - در مقابل قیمت چند ده میلیونی خودروها، نرخ عوارض را خیلی کم در نظر گرفته‌اند.

آقای امیری - حاج آقا، از آن‌ها که مالیات می‌گیرند.

آقای علیزاده - نه، این بند عوارضی علاوه بر آن مالیاتی که می‌گیرند را گفته است. درست است.

آقای کدخدائی - بله.

آقای علیزاده - بعد یک عیب دیگری که این بند الحاقی دارد این است که اینجا وزارت راه و شهرسازی چه کاره است؟ باید بگویند گمرک عوارض را بگیرد و به وزارت راه و شهرسازی بدهد. وزارت راه مگر چه تشکیلاتی دارد که بتواند از طریق آن عوارض را بگیرد. اینها غلط‌انداز شده است.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۲۱- وزارت نیرو موظف است علاوه بر دریافت بهای برق به ازای هر کیلووات ساعت برق فروخته‌شده، مبلغ سی (۳۰) ریال به عنوان عوارض برق در قبوض مربوطه درج و از مشترکین برق به استثنای مشترکین خانگی روستایی دریافت نماید. وجوه حاصله به حساب شرکت توانیر نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و عین وجوه دریافتی صرفاً بابت حمایت از توسعه و نگهداری شبکه‌های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک هزینه می‌شود. منابع مذکور به عنوان درآمد شرکت‌های ذی‌ربط محسوب نمی‌شود.»

آقای علیزاده - پس چه است؟

آقای مدرسی‌یزدی - این هم عوارض است.

آقای مؤمن - منابع این بند، جزء درآمد وزارت نیرو محسوب می‌شود؛ متعلق به اداره‌ی برق نیست.

آقای علیزاده - گفته‌اند از طریق خزانه به شرکت برق داده شود. بله، درست است.

آقای کدخدائی - «بابت حمایت از توسعه و نگهداری شبکه‌های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک».

آقای یزدی - نوشته است که وجوه حاصله به خزانه برده می‌شود.

آقای علیزاده - بله، درست است. برویم.

آقای مؤمن - اوین الآن داخل شهر است.

آقای امیری - اوین، داخل شهر است. جاهای دیگر هم داریم که زندانش داخل شهر است.

آقای یزدی - اوین الآن آمده داخل شهر، قبلاً که داخل شهر نبوده است.

آقای کدخدائی - حاج آقا، شهرهای کوچک هم الآن زندانشان داخل شهر است.

آقای امیری - بله، همین‌طور است.

آقای کدخدائی - زندان‌ها، الآن جزء شهر شده است.

آقای یزدی - باید زندان‌های داخل شهر را بفروشند و بروند بیرون شهر بسازند.

آقای امیری - بله.

منشی جلسه - «درآمدهای حاصل از فروش و یا واگذاری دارایی‌های مذکور به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود.

بند الحاقی ۲۰- به دولت (وزارت راه و شهرسازی) اجازه داده می‌شود از ابتدای سال ۱۳۹۲ به ازای واردات هر دستگاه وسیله نقلیه سواری یک میلیون و پانصد هزار (۱,۵۰۰,۰۰۰) ریال تا دو میلیون و پانصد هزار (۲,۵۰۰,۰۰۰) ریال، و انت یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال، مینی‌بوس دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال، اتوبوس پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال، کامیون پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و تریلر ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به عنوان عوارض وصول و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.»

آقای علیزاده - این بند به نظر من، [درآمد عمومی دولت] را کم کرده است.

آقای مدرسی‌یزدی - این بند، الحاقی است. گمان نکنم.

آقای سلیمی - آن عوارض قانونی قبلی را داشته‌اند؛ ولی عوارض موضوع این بند را نداشته‌اند.

آقای علیزاده - یک دقیقه به حرف من گوش بدهید تا من بگویم. برای عوارض واردات خودرو، قانون کلی داریم و تا الآن مطابق آن قانون عوارض را می‌گرفته‌اند.^۱ نرخ عوارض را هم در اختیار دولت بود و دولت تنظیم می‌کرد. الآن در این بند، عوارض را به صورت مقطوع تعیین کرده‌اند.

آقای کدخدائی - حاج آقا، قیمت عوارض را مقطوع کرده‌اند، ولی فکر نکنم نرخ عوارض نسبت به سال گذشته کم شده باشد.

آقای علیزاده - قبلاً خیلی بیشتر از این مبالغ بود؛ ۵ میلیون تومان و ...

۱. بند (د) ماده (۱) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲.

با متقاضیان بخش خصوصی و تعاونی احداث سد و نیروگاه، قرارداد خرید تضمینی آب و برق به صورت بلندمدت منعقد نماید. به منظور تنظیم بازار صادرات در فروش برق، سهم هر تولیدکننده از صادرات معادل سهم وی از کل تولید همان سال می‌باشد.»

آقای عزیززاده - اینکه وزارت نیرو برود قرارداد بلندمدت، یعنی قرارداد ۱۰ ساله و ۲۰ ساله منعقد کند، واقعاً این مربوط به قانون



خصوصی و تعاونی اقدام نمایند. قیمت خرید برق این نیروگاه‌ها علاوه بر هزینه‌های تبدیل انرژی در بازار رقابتی شبکه سراسری بازار برق، با لحاظ متوسط سالانه ارزش وارداتی یا صادراتی سوخت مصرف‌نشده، بازدهی، عدم انتشار آلاینده‌ها و سایر موارد به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. تبصره - وزارت نیرو مجاز است با رعایت قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ منابع مورد نیاز این جزء را از محل منابع حاصل از فروش نیروگاه‌ها و سایر دارایی‌ها از جمله اموال منقول و غیرمنقول، سهام و سهم‌الشرکه خود و سایر شرکت‌های تابعه و وابسته و بنگاه‌ها، تأمین و تمهیدات لازم را برای این نیروگاه‌ها جهت استفاده در شبکه سراسری برق فراهم نماید. ج - از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی حمایت نماید.

د - وزارت نیرو مجاز است در طول برنامه نسبت به افزایش توان تولیدی برق تا بیست و پنج هزار (۲۵,۰۰۰) مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه و یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام نماید.

تبصره - سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی از میزان بیست و پنج هزار (۲۵,۰۰۰) مگاوات مذکور در این بند، حداقل ده هزار (۱۰,۰۰۰) مگاوات است. ه - وزارت نیرو حسب درخواست نسبت به صدور مجوز صادرات و عبور (ترانزیت) برق از نیروگاه‌های با سوخت غیرپارانه‌ای متعلق به بخش‌های خصوصی و تعاونی اقدام نماید.

و - وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسئولیت تأمین برق، به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت آن وزارتخانه، بر اساس دستورالعملی که به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.

ز - چنانچه بخش خصوصی با سرمایه خود تلفات انرژی برق را در شبکه انتقال و توزیع کاهش دهد، وزارت نیرو موظف است نسبت به خرید انرژی بازیافت‌شده با قیمت و شرایط در دوره زمانی که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد، اقدام و یا مجوز صادرات به همان میزان را صادر نماید.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی مربوط به این بند، باید ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر نیرو برسد.

ح - قیمت انرژی برای واحدهایی که مصرف سالانه سوخت آنها بیش از دو هزار متر مکعب معادل نفت کوره و یا قدرت مورد استفاده آنها بیش از دو مگاوات است، در صورت عدم رعایت معیارها و ضوابط موضوع دستورالعمل‌های این ماده، که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد، با ارائه فرصت مناسب افزایش می‌یابد.»

منشی جلسه - «بند الحاقی ۲۲ - به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اجازه داده می‌شود به منظور صدور، تعویض و تمدید گواهینامه‌های مهارت و پروانه تأسیس آموزشگاه‌های آزاد از تمامی متقاضیان به ازای هر مورد مبلغ سی هزار (۳۰,۰۰۰) ریال اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

بند الحاقی ۲۳ - کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند عوارض مربوط به شهرداری‌ها را هر ساله طبق قوانین و مقررات پرداخت و تسویه حساب نمایند. رئیس دستگاه اجرایی و ذی‌حساب آن، مسئول حسن اجرای این بند می‌باشند.

بند الحاقی ۲۴ - در اجرای بند (و) ماده (۱۳۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۱ به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود با متقاضیان بخش خصوصی و تعاونی احداث نیروگاه و دارنده موافقت اصولی احداث نیروگاه بر اساس ضوابط قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران قرارداد خرید تضمینی برق منعقد نماید.

بند الحاقی ۲۵ - به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود با رعایت ماده (۱۳۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۲

۱. بند (و) ماده (۱۳۳) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «به منظور تنوع در عرضه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش اتلاف و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو موظفند:

الف - وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسئولیت تأمین برق، به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت آن وزارتخانه، بر اساس دستورالعملی که به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.»

۲. ماده (۱۳۳) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «به منظور تنوع در عرضه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش اتلاف و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو موظفند:

الف - با استفاده از منابع حاصل از فروش نیروگاه‌های موجود یا در دست اجرا و سایر اموال و دارایی‌های شرکت‌های مذکور و با رعایت قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) نسبت به پرداخت یارانه خرید برق از تولیدکنندگان برق پراکنده با مقیاس کوچک و ظرفیت‌های تولید برق مشترکین از طریق عقد قراردادهای بلندمدت و همچنین تبدیل تا دوازده هزار (۱۲,۰۰۰) مگاوات نیروگاه گازی به سیکل ترکیبی اقدام نمایند.

تبصره - در صورت تمایل بخش‌های غیردولتی به تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود خود به سیکل ترکیبی، شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو می‌توانند از محل منابع موضوع بند (الف) این ماده نسبت به پرداخت تسهیلات در قالب وجوه اداره‌شده به آنها اقدام نمایند.

ب - به شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به انعقاد قراردادهای بلندمدت خرید تضمینی برق تولیدی از منابع انرژی‌های نو و انرژی‌های پاک با اولویت خرید از بخش‌های



بودجه است؟!

آقای مؤمن - این جوری قبول نیست.

آقای کدخدائی - این بند، غیربودجه‌ای است.

آقای علیزاده - حاج آقا ببینید، این بند، غیربودجه‌ای است. بستن قراردادهای بلندمدت ۱۰ ساله و ۲۰ ساله برای خرید درازمدت، قانون دائمی خاص می‌خواهد.

آقای کدخدائی - خود این بند صراحت دارد که قراردادهای بلندمدت است.

آقای علیزاده - بله، صراحت دارد دیگر.

آقای مؤمن - گفته: «با رعایت ماده (۱۳۳) قانون برنامه».

آقای علیزاده - درست است گفته با رعایت ماده (۱۳۳)، ولی از آن طرف هم می‌گوید به صورت بلندمدت. حکم این بند، یکساله که نیست.

آقای یزدی - خیلی از بندها ایراد یکساله نبودن را داشت. اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، باید همه را ایراد بگیرید.

آقای علیزاده - حاج آقا، این بند خودش تصریح دارد که «به صورت بلندمدت»؛ بنابراین، این حکم، یکساله نمی‌شود [تا بتواند در قانون بودجه ذکر شود].

آقای کدخدائی - تصریح کرده «به صورت بلندمدت».

آقای مدرس‌یزدی - اگر مربوط به بودجه باشد، عیبی ندارد؛ ولی اگر نامربوط باشد، عیب دارد.

آقای امیری - این بند که نسبت به آن بندهای مفصلی که قبلاً خواندیم و راجع به قراردادهای و ویژگی قرارداد و اینها بود، چیزی نیست. چون در یکی از بندهای قبلی [= بند ۹۰ و اجزای دوازده‌گانه‌ی ذیل آن]، یک فصل مفصلی در خصوص جزئیات قراردادهای آمده بود که آن را ایراد نگرفتیم.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - کجا؟

آقای امیری - بحث قراردادهای.

آقای کدخدائی - نه، در آنجا [= بند (۹۰) و اجزای دوازده‌گانه‌ی ذیل آن] با این کیفیت ذکر نشده بود که قرارداد به صورت بلندمدت منعقد می‌شود.

آقای علیزاده - آقای امیری، البته آن قراردادهای با قرارداد موضوع بند الحاقی (۲۵) فرق می‌کند. قراردادهای این بند، چندین ساله است.

آقای کدخدائی - در این بند تصریح کرده که مدت قرارداد، خارج از این قانون یکساله است.

آقای علیزاده - در بحث قراردادهای، الان دولت طرحی دارد. درست است می‌رود یک طرحی را می‌نویسد و امسال این قدرش را اجرا می‌کند، آن که اشکال ندارد. اما در اینجا دولت [از طریق وزارت نیرو] دارد می‌رود قرارداد خرید چندین ساله می‌بندد.

آقای اسماعیلی - ماده (۱۳۳) قانون برنامه را بی‌زحمت بیاورید.

آقای یزدی - در این بند، به صورت بلندمدت قرارداد منعقد می‌کنند.

آقای علیزاده - بله، بلندمدت است، نه یکساله.

آقای سلیمی - این که یکساله نمی‌شود. کار، یکساله می‌ماند.

آقای علیزاده - قراردادهای موضوع این بند، یکساله نیست دیگر.

آقای مدرس‌یزدی - اصلاً کسی به قرارداد یکساله، قرارداد بلندمدت نمی‌گوید.

آقای یزدی - این بند گفته در امسال بعضی قراردادهای بلندمدت ببندند.

آقای علیزاده - قرارداد موضوع این بند، خیلی بلندمدت است.

ماده (۱۳۳) را بخوانیم: «ماده ۱۳۳ - به منظور تنوع در عرضه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش اتلاف و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو موظفند:

الف - با استفاده از منابع حاصل از فروش نیروگاه‌های موجود یا در دست ...»

آقای اسماعیلی - حاج آقا، تبصره‌اش را باید بخوانید.

آقای علیزاده - «تبصره - در صورت تمایل بخش‌های غیردولتی به تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود خود به سیکل ترکیبی، شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو می‌توانند از محل منابع موضوع بند (الف) این ماده نسبت به پرداخت تسهیلات در قالب وجوه اداره شده به آنها اقدام نمایند.» اصلاً صحبت این نیست.

آقای اسماعیلی - حالا بند بعدی‌اش را ببینیم چیست. بند (ب) می‌گوید: «به شرکت توانیر و شرکت‌های وابسته و تابعه وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به انعقاد قراردادهای بلندمدت خرید تضمینی برق تولیدی از منابع انرژی‌های نو و انرژی‌های پاک با اولویت خرید از بخش‌های خصوصی و تعاونی اقدام نماید.»

آقای مؤمن - بند (ب) نه، بند (و) را باید بخوانید.

آقای علیزاده - بند (ب)، خرید برق را می‌گوید.

آقای مؤمن - بند (و) می‌گوید که «وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسئولیت تأمین برق، به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های

آقای یزدی - منتها چون همان‌طور که در عبارت آخر این بند آمده، می‌خواهد بگوید سهمش مربوط به همان سال می‌شود - به قول آقای مدرسی - تا حدودی به بودجه مربوط می‌شود. ببینید، آخر بند می‌گوید که «به منظور تنظیم بازار صادرات در فروش برق، سهم هر تولیدکننده از صادرات معادل سهم وی از کل تولید همان سال می‌باشد»، یعنی غیر از اینکه در این بند، دارد به وزارت نیرو حق بستن قرارداد در امسال را می‌دهد، این جمله را هم دارد [که ذکر آن در قانون بودجه‌ی یکساله را توجیه می‌کند].

آقای علیزاده - رأی ندارد. برویم.

آقای یزدی - بله، بسیار خب. بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۲۶ - از ابتدای سال ۱۳۹۲ استخدام نیروی انسانی صرفاً بر اساس ماده (۵۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ و مواد ذی‌ربط قانون مدیریت خدمات کشوری مجاز است و هر گونه استخدام مازاد بر آن، تخلف و پرداخت هرگونه وجهی توسط هر دستگاه اجرایی برای جبران استخدام‌های غیرقانونی، تصرف در اموال عمومی و موجب تعقیب قضایی مسئول دستگاه اجرایی است.

بند الحاقی ۲۷ - به منظور تشویق خیرین و تسریع در اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، به دستگاه‌های اجرایی مجری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون و همچنین طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی مصوب شورای برنامه‌ریزی استان‌ها اجازه داده می‌شود تمام یا بخشی از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هر

۱. ماده (۵۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۵۱- هر گونه به‌کارگیری نیروی انسانی رسمی و پیمانی، در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است.

تبصره ۱- تعداد مجوزهای استخدامی برای هر سال در سقف اعتبارات مصوب در قانون بودجه با رعایت مفاد بند (ب) ماده (۲۴) قانون مدیریت خدمات کشوری، به پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و معاونت، به تصویب شورای توسعه مدیریت می‌رسد. معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، رئیس شورای مذکور و معاونت به عنوان عضو شوراهای موضوع قانون مدیریت خدمات کشوری تعیین می‌گردند.

تبصره ۲- بند (ج) ماده (۲۴) قانون مدیریت خدمات کشوری، مشاغل حاکمیتی، مناطق کمتر توسعه‌یافته و همچنین بند (ج) ماده (۱۶) قانون برنامه پنجم که مشمول حکم بند (ب) ماده (۲۰) این قانون است و اجرای قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن، از مفاد این ماده مستثنی است.»

خارج از مدیریت آن وزارتخانه، بر اساس دستورالعملی که به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.»

منشی جلسه - حاج آقای مؤمن، بند الحاقی (۲۴) را می‌خوانند.

آقای اسماعیلی - ما داشتیم بند الحاقی (۲۵) را می‌خواندیم.

آقای کدخدائی - چیز خاصی ندارد.

آقای سلیمی - حاج آقا، درست است که در صدر بند الحاقی (۲۵) صحبت از انعقاد قرارداد بلندمدت کرده است، ولی در ذیل گفته که «سهم هر تولیدکننده از صادرات، معادل سهم وی از کل تولید همان سال می‌باشد.»

آقای علیزاده - خیلی خب برویم دیگر. آنجا در بند الحاقی (۲۵) با توجه به قانون برنامه گفته‌اند که این کار را بکنید. برویم.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که با توجه به قانون برنامه است؛ واضح است؛ منتها قرارداد را از آن محدودیت یکساله خارج نمی‌کند و همچنان این قرارداد، بلندمدت است.

آقای علیزاده - به بند الحاقی (۲۵) اشکال دارید؟

آقای مدرسی یزدی - اگر این بند به بودجه نامربوط باشد، بله ایراد دارم؛ ولی اگر مربوط باشد نه. احکام غیربودجه‌ای مربوط، عیبی ندارد که در بودجه بیاید، و بند الحاقی (۲۵)، به بودجه مربوط است.

آقای علیزاده - الآن بعضی آقایان حرفشان این است که هر بندی که حکمش یکساله نباشد، ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای اسماعیلی - خب، از قبل این‌طور بوده است.

آقای علیزاده - قانون برنامه [برای وزارت نیرو] حکمی داشته است، خب طبق آن قانون، خودشان بروند قراردادها را ببندند؛ [چه نیازی است که احکام آن را در قانون بودجه بیاورند؟]

آقای مؤمن - حالا در قانون بودجه [بند الحاقی (۲۵)]، به وزارت نیرو اجازه‌ی انعقاد قراردادهای امسال را می‌دهند.

آقای علیزاده - اجازه‌ی انعقاد قرارداد را که در قانون برنامه داده‌اند.

آقای مؤمن - نه، امسال باید این کار بکند. این بند الحاقی، برای امسال است.

آقای مدرسی یزدی - بند الحاقی (۲۵)، به اجرای قانون برنامه تأکید می‌کند.

آقای علیزاده - در مورد امسال، [در قانون بودجه] می‌تواند بگویند که این مقدار پول به وزارت نیرو می‌دهیم تا برای انعقاد این قراردادها اقدام کند.

آقای مؤمن - نه، می‌گوید این قراردادها را ببند تا برای آینده برق تولید شود.

آقای علیزاده - چرا، آقای رهپیک ایرادات بند الحاقی (۱۰) چه بود؟
آقای رهپیک - از دو جهت به بند الحاقی (۱۰) ایراد گرفته شد: هم دائمی بودن و هم نامربوط بودن منابع.

آقای اسماعیلی - بند الحاقی (۲۸) هم، دائمی است دیگر.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۲۸) هم علاوه بر دائمی بودن، منابع نامعلوم است.

آقای مدرسی یزدی - من به دائمی بودن بند الحاقی (۱۰)، رأی ندادم، ولی به آن جهتش [= ناکافی بودن منابع] رأی دادم.

آقای مؤمن - حالا این بند، دائمی نیست.

آقای مدرسی یزدی - من هم اشکالی در این بند نمی بینم.

آقای یزدی - اینکه تأمین اجتماعی را مکلف کرده که به این افراد با این شرایط این کمک‌ها را بکنند، اشکالش چیست؟ تأمین اجتماعی موظف شده به این اشخاص با این شرایط، این کمک‌ها بشود؛ چه اشکالی دارد؟

آقای اسماعیلی - این بند از این جهت که دائمی است و بودجه‌ای نیست، اشکال دارد.

آقای یزدی - حالا مسئله بودجه‌ای بودن یا نبودن، یک بحث دیگر است. بله، درست است؛ این بند، یک امر کلی و دائمی است. از این قبیل بندها زیاد داشتیم.

آقای علیزاده - اما این خیلی مشخص است که بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - چون از اول ایرادی به غیربودجه‌ای بودن نگرفتیم، این بند هم که به نوعی کمک به افراد است نباید نسبت به آن ایراد گرفت. اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، باید همه را ایراد بگیرید. البته موضوع این بند هم قانون مستقل دارد.

آقای اسماعیلی - بله، این دیگر روشن است که مفادش غیربودجه‌ای است.

آقای علیزاده - این روشن است.

آقای یزدی - حالا می‌خواهید [به غیربودجه‌ای بودن این بند] رأی بگیرید تا آن را حذف کنند! چرا بندهای دیگر مثل این بند را که غیربودجه‌ای بودند، ایراد نگرفتید تا حذف کنند.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقعاً این بند، به بودجه مربوط نیست.

آقای علیزاده - هیچ ربطی به بودجه ندارد.

آقای رهپیک - به تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) هم ایراد گرفته شد.^۲

طرح را برای تأمین سود تسهیلات دریافتی توسط خیرین از شبکه بانکی و مؤسسات اعتباری که به منظور اجرای همان طرح در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار می‌گیرد پرداخت و به هزینه قطعی منظور نمایند. تضمین بانکی لازم توسط خیر تأمین و انتخاب مجری بر اساس سازوکارهای اجرای طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بخش‌های دولتی و عمومی انجام می‌شود. مبالغ وام گرفته‌شده توسط بانک و مؤسسه اعتباری با تأیید دستگاه اجرایی به مجری پرداخت می‌گردد. آیین‌نامه اجرایی این بند به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

بند الحاقی ۲۸ - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است به افرادی که حداقل ده سال حق بیمه پرداخت نموده‌اند و به سن شصت سال برای مردان و پنجاه سال برای زنان رسیده‌اند یا به هر دلیلی به تشخیص کمیسیون‌های موضوع ماده (۹۱) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و اصلاحات بعدی آن^۱ در سنین کمتر از موارد فوق از کارافتاده شده‌اند ولی از حق مستمری برخوردار نمی‌شوند، متناسب با سنوات پرداخت حق بیمه، حقوق بازنشستگی پرداخت نماید. افرادی که کمتر از ده سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، می‌توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه، اعم از حق کارگر و کارفرما تا ده سال به نرخ سال جاری، از امتیاز بازنشستگی این بند برخوردار شوند.»

آقای علیزاده - قبلاً در بند الحاقی (۱۰) هم به موضوع حق بیمه‌ی کارگران ایراد گرفتیم. بند الحاقی (۲۸) هم اصلاً بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - بالاخره حکم این بند، نوعی کمک به افراد [ناتوان و از کارافتاده] است.

آقای علیزاده - بله، درست است؛ ولی بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - قبلاً چه اشکالی گرفتید؟

آقای مدرسی یزدی - بلکه اشکال نگرفتیم. ایراد گرفتیم؟!

آقای علیزاده - بند الحاقی (۱۰) را قبلاً با هفت رأی، ایراد گرفتیم. آن بند دیگری بود که تا الآن شش رأی دارد.

آقای مدرسی یزدی - به بند الحاقی (۱۰)، به خاطر این جهتش [= بودجه‌ای نبودن] ایراد نداشتیم. ایراد آن بند، از جهت دیگری بود.

۱. ماده (۹۱) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳: «ماده ۹۱ - برای تعیین میزان از کارافتادگی جسمی و روحی بیمه‌شدگان و افراد خانواده آنها کمیسیون‌های بدوی و تجدیدنظر پزشکی تشکیل خواهد شد. ترتیب تشکیل و تعیین اعضا و ترتیب رسیدگی و صدور رأی بر اساس جدول میزان از کارافتادگی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد این سازمان و سازمان تأمین خدمات درمانی به تصویب شورای عالی می‌رسد.»

۲. تبصره الحاقی بند (۶۱) مصوبه‌ی مجلس: «تبصره - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است مستمری به فرزندان و همسر بیمه‌شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارد به نسبت سنوات پرداخت نماید.»

بند (۱۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در

آقای علیزاده - «بند الحاقی ۲۹ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سی درصد (۳۰٪) مانده تسهیلات قرض الحسنه بانکی و رشد منابع مزبور را به تفکیک بیست درصد (۲۰٪) کمیته امداد امام خمینی (ره) و ده درصد (۱۰٪) سازمان بهزیستی کل کشور با معرفی این دستگاه‌ها به مددجویان تحت پوشش این نهادها پرداخت نماید.»

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۰ - وجوه واریزی سال ۱۳۸۳ سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران (ایدرو و ایمیدرو)، جهت خرید سهام نزد بانک صنعت و معدن به عنوان تأمین سرمایه دولت نزد بانک مذکور محاسبه و معادل آن سه هزار و سیصد میلیارد (۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه یا اموال، یا بنگاه‌ها یا منابع حاصل از فروش آنها با قیمت کارشناسی روز مورد تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر صنعت، معدن و تجارت به حساب سازمان‌های مذکور واریز می‌گردد تا در راستای اجرا و اتمام طرح‌های مناطق کمتر توسعه یافته هزینه شود. همچنین معادل ریالی مبلغ دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از سپرده حساب ذخیره ارزی نزد صندوق ضمانت صادرات به عنوان افزایش سرمایه دولت به این صندوق اختصاص می‌یابد و تسویه می‌گردد. همچنین معادل ریالی مبلغ دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از سپرده حساب ذخیره ارزی نزد صندوق ضمانت صادرات به عنوان افزایش سرمایه دولت به این صندوق اختصاص می‌یابد و تسویه می‌گردد.»

آقای یزدی - «این جوری [= بدون حساب و کتاب] می‌توانند دستور برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی را بدهند؟

آقای علیزاده - همین‌طور دارند می‌دهند دیگر.

آقای یزدی - برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی، یک قانون خاص^۲ دارد.

→

بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند،

مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. ماده (۸۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «فعالیت حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت موضوع ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳ با اعمال اصلاحات و تغییرات زیر تداوم می‌یابد:

الف- عواید حاصل از صادرات نفت اعم از (نفت خام و میعانات گازی) به صورت نقدی و تهاتری و درآمد دولت از صادرات فرآورده‌های نفتی و خالص صادرات گاز در سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد پس از کسر مصارف

←

آقای علیزاده - به تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) هم ایراد گرفتیم.

آقای یزدی - حالا برای نمونه، به این بند هم ایراد بگیرد و رد بشوید دیگر. من به اینکه بند الحاقی (۲۸)، مستقل است و ربطی به بودجه ندارد، رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - بله، بودجه‌ای نیست. آقایانی که رأی می‌دهند، اعلام بفرمایند.

منشی جلسه - حاج‌آقا، آنجا [در تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱)] هم، شش رأی داشت.

آقای علیزاده - بله. حالا فعلاً شش تا رأی مغایرت را برای بند الحاقی (۲۸) ثبت کنیم. فعلاً شش تا رأی دارد.

آقای یزدی - شش تا هستیم [که معتقدیم این بند با اصل ۵۲ مغایرت دارد].

آقای مدرسی یزدی - نه، بیشتر هستیم.

آقای علیزاده - همان شش رأی است.

آقای مدرسی یزدی - حاج‌آقا، شما رأی نمی‌دهید؟

آقای جنتی - من به دلیل اینکه دارید تبعیض قائل می‌شوید و بعضی جاها این ایراد [= نداشتن ماهیت بودجه‌ای] را می‌گیرید و بعضی جاها ایراد نمی‌گیرید، رأی نمی‌دهم. این کار باعث می‌شود مجلس هم بعداً از ما ایراد بگیرد که چرا در بقیه‌ی موارد، ایراد نگرفتید.

آقای مدرسی یزدی - دلیل اینکه به بند الحاقی (۲۸) رأی دادیم، این است که واقعاً این بند، هیچ ربطی به بودجه ندارد.

آقای علیزاده - بله، این بند واقعاً هیچ ربطی به بودجه ندارد.

آقای مدرسی یزدی - موارد قبلی، کم و بیش ارتباطی به بحث بودجه داشت.

آقای یزدی - بند الحاقی (۲۸)، انصافاً قانون خوبی است، ولی هیچ ربطی به بودجه ندارد.

آقای جنتی - خب من هم رأی می‌دهم.

آقای یزدی - بند الحاقی (۲۸) با هفت رأی، نامربوط به بودجه شناخته شد.

آقای مدرسی یزدی - اشکال این بند را این‌گونه بنویسید که نه ماهیت بودجه‌ای دارد، نه ربطی به بودجه دارد.^۱

→

خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۲- نظر به اینکه تبصره الحاقی بند (۶۱)، دارای ماهیت بودجه‌ای نیست، مغایر اصل (۵۲) شناخته شد. علاوه بر این از حیث عدم تعیین منبع، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.»

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵-

←

حالا اشکال این بند این است که می‌خواهند از منابع حساب ذخیره‌ی ارزی برای صندوق ضمانت صادرات بردارند، در حالی که قانونی داریم که برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی را به یک مورد خیلی ضروری محدود کرده است. همین جوری نمی‌توانند برای هر چیزی بردارند. حالا فرض کنید این صندوق ضمانت صادرات هم می‌تواند برای تضمین صادرات، کار خیلی خوبی انجام بدهد و به کسانی که جنس صادر می‌کنند، کمک کند. خیلی خوب، ولی حالا برای یک چنین صندوقی، آیا ضرورت دارد که از حساب ذخیره‌ی ارزی برداشت شود؟

آقای علیزاده - حالا اینکه ضرورت دارد یا ندارد، بحث دیگری است.

آقای یزدی - نه، اصلاً می‌خواهم بگویم آن قانون [= ماده (۸۵) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی را منع نکرده است. چون من الآن آن قانون را اجمالاً در ذهنم است، دقیق نمی‌دانم، ولی می‌دانم که به راحتی نمی‌شود از آن برداشت کرد.

آقای جنتی - حالا دست آخر این است که حکم بند الحاقی (۳۰)، خلاف قانون عادی می‌شود که آن هم مشکلی نیست. اشکال شما وارد نیست.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - (۲۰۰) میلیون دلار موضوع این بند، تبدیل به ریال می‌شود و بعد به صندوق ضمانت صادرات واریز می‌شود.

آقای علیزاده - البته اصل این کار، کار خوبی است؛ چون می‌خواهد تضمین صادرات را بالا ببرد تا یک مقدار تولید زیادتیر بشود.

آقای یزدی - یعنی با حکم این بند به اشخاصی که صادرکننده هستند کمک می‌شود.

آقای علیزاده - اگر واقعاً صنعت و صادرات ما صاحب داشت، با گران شدن ارز واقعاً بهترین نفع را [صادرکننده‌ها می‌بردند و به راحتی می‌توانستند] ارز را وارد مملکت کنند.

آقای یزدی - خیلی خوب دیگر، حالا بالاخره رد شویم.

آقای علیزاده - بله.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۱ - به منظور برطرف کردن مشکلات مربوط به جایگاه‌های عرضه سوخت و ایجاد انگیزه لازم برای ورود بخش خصوصی به فعالیت جایگاه‌داری، از تاریخ ابلاغ این قانون، نظام کارمزدی به نظام حق‌العمل‌کاری تغییر می‌کند.»

آقای جنتی - این موضوع چه جوری تأمین می‌شود؟ این نظام کارمزدی به چه شکل بوده است؟

آقای جنتی - مطالب این بند مطالب خیلی مهمی است که در قالب بندهای الحاقی آورده‌اند. مطلب این بند، خیلی مهم است.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً معلوم نیست چیزی از منابع حساب ذخیره‌ی ارزی باقی مانده باشد.

آقای یزدی - امکان برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی برای موارد خاصی وجود دارد، ولی الآن در اینجا به راحتی می‌گوید دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از حساب ذخیره‌ی ارزی را بردارند! «همچنین معادل ریالی مبلغ دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از سپرده حساب ذخیره ارزی نزد صندوق...»

آقای جنتی - (۲۰۰) میلیون دلار است.

آقای علیزاده - ببینید از طرفی صحبت [حمایت از] خصوصی‌سازی می‌کنیم، ولی از این طرف می‌آییم می‌گوییم از حساب ذخیره‌ی ارزی به شرکت‌های دولتی پول بدهند که اینها اموالی را بخرند و بعد آن پول هم به عنوان سرمایه‌ی شرکت محسوب شود! واقعاً من نمی‌دانم این بندها چقدر بودجه‌ای است.

آقای جنتی - منابع حساب ذخیره‌ی ارزی برای روز مبادا است. مجلسی‌ها همین جور دارند [منابع حساب را خرج می‌کنند].

آقای مدرسی یزدی - این اشکالی که گفتند حکم بند الحاقی (۳۰) خلاف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است، وارد است؛ چون طبق سیاست‌های کلی، اصلاً دولت نمی‌تواند اموال جدید خریداری کند. آقای علیزاده حرف درستی می‌فرمایند.

آقای علیزاده - این صندوق ضمانت صادرات چیست؟

آقای یزدی - «... نزد صندوق ضمانت صادرات به عنوان افزایش سرمایه دولت...»، صندوق ضمانت صادرات است دیگر؛ یعنی مثلاً جنسی را که می‌خواهند صادر کنند، از سرمایه‌ی این صندوق به عنوان پشتوانه‌ی صادرات آن جنس استفاده می‌شود.

→

ارزی پیش‌بینی شده در جداول قانون بودجه کل کشور و پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شود.

ب- تأمین کسری بودجه عمومی دولت ناشی از کاهش منابع ارزی حاصل از صادرات نفت خام، گاز و میعانات گازی نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواری از محل حساب ذخیره ارزی مشروط بر اینکه از دیگر منابع قابل تأمین نباشد، با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است.

ج- پیگیری وصول اقساط و سود تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی و واریز آن به حساب مزبور از طریق بانک‌های عامل به عهده دولت است.

د- ایفای باقیمانده تعهدات حساب ذخیره ارزی به بخش‌های غیردولتی، خصوصی و تعاونی، به عهده همین حساب است و ایجاد هرگونه تعهد جدید ممنوع است.»

آقای یزدی - غیربودجه‌ای بودن هم اشکال دیگر بند الحاقی (۳۱) است.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند بند الحاقی (۳۱) ماهیت بودجه‌ای ندارد و خلاف اصل (۵۲) قانون اساسی است، رأی بدهند. ما رأی می‌دهیم.

آقای کدخدائی - این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد، ولی خیلی از بندهای قبلی هم ماهیت بودجه‌ای نداشت.

آقای علیزاده - چه چیز این بند بودجه‌ای است؟

آقای یزدی - [معتقدان به ایراد غیربودجه‌ای که در بندهای قبلی] هفت رأی شدند.

آقای کدخدائی - مفاد بند الحاقی (۳۱) در کل کار خوبی است.

آقای علیزاده - اگر خوب است آن را ضمن قانون مستقل بیاورند. الان که در بودجه آورده‌اند، معلوم نیست سال بعد تکلیف آن چه می‌شود.

آقای یزدی - بند الحاقی (۳۱) هم غیربودجه‌ای شناخته شد.

آقای علیزاده - بله، هفت رأی دارد. بند بعد را بخوانید.

آقای ره‌پیک - این بند می‌گوید حق‌العمل‌کاری را باید جایگزین نظام کارمزدی کنند.

آقای کدخدائی - الان اکثر پمپ بنزین‌ها در همین شهر تهران [به خاطر درآمد کم] در حال تعطیل شدن است.

آقای علیزاده - کجای قانون گفته که [پرداخت اجرت جایگاه‌های عرضه‌ی سوخت] حتماً باید نظام کارمزدی باشد؟ اختیار این کار با دولت است. دولت وقتی ببیند جایگاه‌ها در حال تعطیل شدن است، اقدام به این کار کند. چرا مجلس در این کارها مداخله می‌کند.

آقای سلیمی - آوردن این مباحث در بودجه صحیح نیست. در جای دیگر بیاورند.^۲

منشی جلسه - [بند الحاقی ۳۲ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات مربوط به معاونت قرآن و عترت خود را برای امور تبلیغ و ترویج و آموزش و پژوهش‌های قرآنی و فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد هزینه نماید.]

منشی جلسه - «میزان حق‌العمل باید از قسمتی از ارزش فرآورده‌های قابل عرضه (فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی فشرده) و با توجه به نرخ تورم سالانه اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی، وضعیت مجاری عرضه و میزان فروش فرآورده توسط مبادی عرضه با تصویب شورای اقتصاد به‌عنوان قیمت پایه تعیین و به مرحله اجرا درآید.»

آقای یزدی - یعنی برای داد و ستد پول هم حق‌العمل‌کاری دریافت کنند؟! حق‌العمل‌کاری یعنی کسی جنسی را به اسم خود و به حساب دیگری می‌خرد، یا می‌فروشد و مبلغی را به عنوان حق‌العمل می‌گیرد.^۱

آقای علیزاده - این هم همین‌جوری است دیگر؛ یعنی جایگاه‌ها بنزین را از دولت می‌گیرند و به مردم می‌فروشند [و حق‌العمل‌کاری دریافت می‌کنند].

آقای سلیمی - دولت باید جایگاه‌های عرضه‌ی سوخت را [به بخش خصوصی] واگذار کند. دولت به جای اینکه خودش مزد بدهد و بگوید آقا شما این جایگاه را بگردان و این مقدار را به ما بده [باید جایگاه‌ها را واگذار کند].

آقای یزدی - بند الحاقی (۳۱) می‌گوید: «نظام کارمزدی به نظام حق‌العمل‌کاری تغییر می‌کند.»

آقای سلیمی - بله، در جایگاه‌های عرضه سوخت نظام کارمزدی به نظام حق‌العمل‌کاری تغییر می‌کند.

آقای یزدی - معنای کارمزد این است که در حقیقت فرد مزد این کاری را که دارد انجام می‌دهد، می‌گیرد. حالا حق‌العمل‌کاری هم به نحوی همان مزد کارش است.

آقای علیزاده - واقعاً این بند بودجه‌ای است؟!

آقای یزدی - اما حق‌العمل‌کاری در حقیقت یک نوع کسب است. یک نوع کسب و کار جایز شرعی است. حق‌العمل‌کار واسطه‌ی بین من و شما در خرید و فروش است و حق‌العمل هم می‌گیرد. این کار بلااشکال است.

آقای علیزاده - من اینها را می‌دانم، ولی آیا این بند واقعاً بودجه‌ای است؟! در طول تاریخ بودجه، از این بند غیر بودجه‌ای‌تر نیامده است.

آقای سلیمی - این بند را رد کنید. برای رد آن رأی می‌دهیم.

آقای علیزاده - بله، ببینید؛ اصلاً این بند غیربودجه‌ای است. هیچ ربطی به بودجه ندارد.

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در

خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ -

بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)،

(۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند،

مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۱. ماده (۳۵۷) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳.

آقای علیزاده - احتمالاً با آن کمیسیون، مسئله [تعیین درصد جانبازی و تأیید صورت سانحه] حل نشده، به همین دلیل طی این بند در قانون بودجه آورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - در بند الحاقی (۳۳) هم تعیین جانبازی با نظر کمیسیون است.

آقای جنتی - بند الحاقی (۳۳)، هزینه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران را بالا می‌برد. افراد بسیار زیادی را [به افراد تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران] اضافه می‌کند.

آقای امیری - حاج آقا، حکم این بند جدید نیست، در قوانین قبلی هم بوده است.

آقای کدخدائی - حکم این بند در قوانین قبلی نیست. اگر سابقه داشت دیگر ضمن قانون بودجه نمی‌آوردند. آن چیزی که در قانون فعلی است، یک موضوع دیگری است و این بند، یک موضوع دیگری را گفته است.

آقای ره‌پیک - حاج آقا، اصل افزایش هزینه‌های بنیاد شهید در بندهای (۶۵) و (۶۶) بود که از آن رد شدیم.

آقای اسماعیلی - عیب ندارد.

آقای علیزاده - حاج آقای جنتی، آقای زریبافان [رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران] تازه فردا صبح وقت قرار است پیش من بیاید. اینها را باید از ایشان بپرسیم ببینیم چه می‌گوید.

آقای جنتی - ادامه‌اش را بخوانید آقا.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۴- به منظور حمایت از تولید همزمان آب شیرین و برق با استفاده از روش تبخیری، وزارت نیرو مکلف است علاوه بر پرداخت قیمت خرید تضمینی آب تولیدی از محل منابع موجود داخلی، مبلغی معادل یارانه برق پرداخت شده به تولید هر متر مکعب آب شیرین در روش تراوایی (اسمز) معکوس به تولیدکنندگان روش تبخیری پرداخت نماید.»

آقای سلیمی - آقای علیزاده، این بند هم بودجه‌ای نیست.

آقای مدرسی یزدی - این بند چه ربطی به بودجه دارد؟!

آقای مدرسی یزدی - بند الحاقی (۳۴) باید حذف شود. معلوم است که این بند بودجه‌ای نیست. ضمن اینکه هزینه‌اش هم مشخص نشده است.

آقای سلیمی - [مفاد این بند متضمن] کار خوبی است، ولی باید ضمن قانون مستقل بیاورند.

آقای علیزاده - این بند همین جور می‌گوید از منابع داخلی بدهید. یعنی چه؟ منابع داخلی کجاست؟ واقعاً نمایندگان مجلس، همین طوری می‌آیند یک احکامی برای دولت درست می‌کنند.

آقای اسماعیلی - بخوانید دیگر.

آقای اسماعیلی - لایه این بند هم مربوط به سال ۱۳۹۲ است. **آقای علیزاده** - بله [با توجه به بند الحاقی (۷۱) این مصوبه، مربوط به سال ۱۳۹۲ است].

آقای یزدی - منابع این بند فقط اختصاص به مساجد دارد.

آقای علیزاده - این بند مربوط به سال ۱۳۹۲ است. آخر مصوبه [در بند الحاقی (۷۱)] گفته‌اند کلیه احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۳- افراد و رزمندگانی که در دوران دفاع مقدس و حوادث زمان انقلاب اسلامی دچار آسیب جسمی، روحی و روانی شده‌اند ولی صورت سانحه و مدارک بالینی همزمان را ندارند، با معرفی یگان‌های اعزام‌کننده و نهادهای متولی توسط کمیسیون احراز بنیاد شهید و امور ایثارگران و با نظر کمیسیون پزشکی، جانبازی آنها مورد تأیید قرار می‌گیرد و متناسب با میزان جانبازی آنها تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار می‌گیرند.»

آقای مدرسی یزدی - موضوعی که در این بند آمده، قانون دارد.^۱

آقای علیزاده - بله، اصلاً قانون خاص دارد.

آقای اسماعیلی - بله، قانون هم دارد.

آقای کدخدائی - قانون دارد، ولی به این گستردگی نیست. در این بند، آمده‌اند دامنه‌اش را گسترده‌تر کرده‌اند؛ یعنی می‌گوید حتی کسانی که صورت و مدارک بالینی ندارند را هم لحاظ کنید. **آقای مدرسی یزدی** - این بند هزینه هم برای دولت دارد؛ خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

آقای یزدی - می‌گوید: «با نظر کمیسیون پزشکی.»

آقای امیری - چرا؟

آقای کدخدائی - اگر صورت سانحه موجود بود که دیگر مشمولان را پیش دکتر و کمیسیون پزشکی نمی‌بردند.

آقای امیری - در قانون خاص مربوط به جانبازان هم همین احکام و کمیسیون پزشکی را داریم.

آقای علیزاده - متنها در آن قانون، یک کمیسیون قرار داده‌اند.

آقای امیری - الان [بر اساس قانون جاری]، برای تأیید صورت سانحه، کمیسیونی متشکل از پنج پاسدار وجود دارد که صورت حادثه را امضا می‌کنند و به بنیاد شهید می‌فرستند.

آقای کدخدائی - اگر این موضوع در قانون وجود دارد، پس چرا مجدداً در بودجه آورده‌اند؟

۱. از جمله این قوانین، می‌توان به قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ (با اصلاحات و الحاقات بعدی) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن اشاره کرد.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۷- ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه اجرایی و افراد تحت تکفل آنها مخیر به استفاده از خدمات بیمه و درمان تکمیلی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوطه از دستگاه اجرایی متبوع یا بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشند. در اجرای بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۲ دستگاه‌های اجرایی مکلفند نسبت به تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و افراد تحت تکفل آنان از سقف اعتبارات هزینه‌ای خود اقدام نمایند.»

آقای ره‌پیک - این بند هم همین طور است. برای این بند هم هیچ منبع مالی در بودجه تعیین نشده است. این موضوع در برنامه‌ی پنجم توسعه هم آمده بود که ما در شورای نگهبان گفتیم بار مالی بند مذکور را بررسی نمی‌کنیم و قرار شد بار مالی آن در قانون بودجه دیده شود. اما الآن در ردیف‌های بودجه هیچ ردیفی ندارد و به هیچ دستگاهی هم اعتبار نمی‌دهند. ضمن اینکه می‌گوید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی ایثارگران را باید مستقیماً خود دستگاه پرداخت کند، در حالی که در دستگاه‌ها چنین هزینه‌هایی اصلاً تعریف نشده است. یکی از جانبازان که برای درمان به خارج کشور رفته بود، آمپول‌هایی را به قیمت هر عدد (۵۰) میلیون گرفته بود. ایران که آمده بود درخواست کرده بود تا هزینه‌ی آن را به او بدهند. خب، اصلاً ردیفی برای این کار در بودجه‌ی دستگاه وجود ندارد. از این موارد در دستگاه‌های مختلف فراوان است. برخی دستگاه‌ها (۱۰) نفر از این ایثارگران را در مجموعه‌شان دارند، برخی (۲۰) نفر، برخی (۳۰) نفر و ... اما اصلاً این هزینه‌ها هیچ ردیفی برای پرداخت ندارد.

آقای جنتی - این حکم برای دستگاه‌ها خیلی هزینه‌بر است.

آقای ره‌پیک - می‌گوید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را مستقیماً خود دستگاه باید پرداخت کند.

۲. بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اصلاحی مصوب ۱۳۹۰/۶/۷: «ب- صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به‌عهد دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیرشاغل و افراد تحت تکفل آنان به‌عهد بنیاد شهید و امور ایثارگران است. تبصره- دولت موظف است اعتبار لازم برای اجرای این قانون را هر ساله در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و در اختیار دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دهد.

در سال ۱۳۹۰ صد درصد (۱۰۰٪) هزینه درمان بازنشستگان غیرشاغل از ردیف اعتباری ۱۳۱۶۰۰ بنیاد شهید و امور ایثارگران (مربوط به خدمات درمان ایثارگران غیرشاغل) و ایثارگران سایر دستگاه‌ها از اعتبارات بیمه خدمات درمانی دستگاه‌ها پیش‌بینی و پرداخت می‌شود.»

منشی جلسه - تکلیف این بند چه شد؟

آقای اسماعیلی - اگر اشکال دارید، رأی بدهید؛ وگرنه ادامه دهید.

آقای علیزاده - ما رأی می‌دهیم.

آقای سلیمی - باید رأی بدهیم.

آقای یزدی - رأی بگیرید. من رأی می‌دهم.

آقای اسماعیلی - آقای دکتر [کدخدائی]، چرا رأی نمی‌دهید؟

آقای کدخدائی - حالا بندهای قبلی [که غیربودجه‌ای بود] را هم شما رأی ندادید. اگر همه‌ی بندهای غیر بودجه‌ای را با هم رأی بدهیم، مشکلی نیست [من هم نسبت به این بند، رأی مغایرت می‌دهم].

آقای یزدی - بند الحاقی (۳۴) ارتباطی با بودجه ندارد.

آقای یزدی - این بند رأی آورد؟

آقای جنتی - بله.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۵- دولت مکلف است از طریق سازمان امور مالیاتی در مقاطع سه‌ماهه، درآمد حاصل از افزایش پانزده درصد (۱۵٪) قیمت نوشابه گازدار قندی تولید داخل و بیست درصد (۲۰٪) قیمت نوشابه گازدار قندی وارداتی را دریافت و به حساب ردیف درآمدی ۱۶۰۱۲۳ واریز نماید. درآمد وصولی به نسبت شصت درصد (۶۰٪) به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت پیشگیری و درمان بیماران دیابتی و چهل درصد (۴۰٪) به وزارت ورزش و جوانان جهت توسعه ورزش همگانی روستایی پرداخت شود.

بند الحاقی ۳۶- مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی عوارض شهرداری و هزینه‌های انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز برای یک بار و در حد یک واحد مسکونی مطابق الگوی مصرف معافند و دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات مذکور موظف به ارائه این خدمات به‌صورت رایگان به مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی می‌باشند. اعتبارات این بند از منابع این قانون تأمین و به دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات پرداخت می‌گردد.»

آقای مدرس‌یزدی - همین طور به «منابع این قانون» ارجاع می‌دهد! آخر این چه جور می‌شود!؟

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۵)، (۵۶) و (۶۳) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

آقای جنتی - بند الحاقی (۳۶) را نمی‌توانیم ایراد بگیریم، ولی بند الحاقی (۳۷) را می‌توانیم.

آقای علیزاده - بله، بند الحاقی (۳۷) را می‌توانیم ایراد بگیریم.

آقای یزدی - منظور از «دستگاه‌های اجرایی» در این بند، یعنی بیمارستان‌ها یا مراکز بهداشت و درمان.

آقای امیری - یعنی دستگاه‌هایی که در استخدامش هستند.

آقای یزدی - بله دیگر، گفته «دستگاه‌های اجرایی مکلفند نسبت به تأمین صد درصد...»

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، مگر لایحه‌ی دولت نبوده است. بند الحاقی (۳۷) هم عین بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه است. بله، اگر مجلس این حکم را اضافه کرده باشد ایراد دارد، ولی این بند عین قانون برنامه است.

آقای یزدی - عین همین بند در لایحه هست؟

آقای مدرسی یزدی - بله. بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه این‌طوری است: «ب- صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به‌عهده دستگاه اجرایی و ...»؛ در آنجا هم گفته است که این هزینه‌ها فقط بر عهده‌ی دستگاه اجرایی است.

آقای علیزاده - باشد. این بند که الآن دارد همان حکم قانون برنامه را در بودجه‌ی سالانه ذکر می‌کند، باید بگویید هزینه‌ی اجرای آن در امسال از کجا باید تأمین بشود.

آقای رهپیک - این حکم قانون برنامه، باید در بودجه‌ی سالانه بیاید و ردیف مربوط به هزینه‌های اجرایی آن مشخص بشود.

آقای یزدی - خب بله، اگر این حکم در قانون برنامه‌ی پنجم - که به صورت لایحه ارائه شده است - هم وجود داشته، بند الحاقی (۳۷) نباید اشکال داشته باشد. یعنی خود دولت پرداخت هزینه‌های درمانی را به عهده گرفته است. یعنی بیمارستان‌های دولتی باید خودشان این هزینه‌ها را بپردازند.

آقای مدرسی یزدی - [مجلس و دولت] وظیفه دارد محل آن را تعیین کند.

آقای رهپیک - دولت وظیفه دارد برای بند (ب) ماده (۴۴) ردیف تعیین کند. ما در مصوبه‌ی مربوط به برنامه‌ی پنجم توسعه هم به مسائل مالی مصوبه رسیدگی نکردیم. در آن زمان گفتیم که در قانون برنامه کاری به مسائل مالی نداریم.

آقای جنتی - هزینه‌ی این بند خیلی زیاد است. من نمی‌فهم نمایندگان مجلس، این هزینه‌ها را از کجا اختصاص می‌دهند!

آقای مدرسی یزدی - علاوه بر خود ایثارگر، هزینه‌ی افراد تحت تکفل را هم باید بپردازد.

آقای رهپیک - «و افراد تحت تکفل.»

آقای جنتی - خب، بله دیگر.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم برای این بند، محل تعیین کنند.

آقای رهپیک - باید مشخص کنند از کدام محل می‌خواهند اعتبار این بند را تأمین کنند.

آقای مدرسی یزدی - هم برای این بند الحاقی (۳۷) و هم بند بالایی [= بند الحاقی (۳۶)]، هر دو را بنویسید که باید محل آن را دقیقاً تعیین کنند. همین‌جور کلی که نمی‌شود حکمی را بنویسند.

آقای علیزاده - این مصوبه مربوط به ایثارگران است و قیمت داروها هم خیلی گران شده است؛ لذا حکم این مصوبه، خوب است، ولی باید ردیف آن معلوم شود و گرنه [به رغم وجود این حکم در قانون بودجه، در عمل] چیزی به ایثارگران نمی‌دهند. حکم این بند باید به‌گونه‌ای باشد که امکان پرداخت وجود داشته باشد.

آقای یزدی - می‌شود از لحاظ عدم ذکر منبع به بند الحاقی (۳۷) ایراد گرفت.

آقای مدرسی یزدی - باید منبعش را تعیین کنند.

آقای یزدی - باید مشخص شود صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی از کدام منبع تأمین می‌شود.

آقای علیزاده - حکم بند الحاقی (۳۶) که نوعی معافیت است و نیاز به ذکر منبع ندارد، ولی منبع بند الحاقی (۳۷) باید مشخص شود.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال بند الحاقی (۳۶)، برای دولت هزینه دارد. وقتی این هزینه‌ها را از افراد [مذکور در بند الحاقی (۳۶)] نگیرند، برای وصل انشعابات آب و فاضلاب و برق و گاز باید دولت از خودش هزینه کند.

آقای علیزاده - نه، حکم بند الحاقی (۳۶) سال‌های قبل هم بوده است.^۱

۱. بند (۷۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۷۹-»

مذکورین تحت پوشش کمیته امداد حضرت امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری‌ها و هزینه‌های انشعاب آب و فاضلاب، برق و گاز برای یک‌بار و در

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای ره‌پیک - هیچ‌کدام از مسائل مالی را در قانون برنامه پنجم بررسی نکردیم [و نسبت به آنها ایراد نگرفتیم].

آقای مدرسی یزدی - اصلاً لوایح دولت که مسئله‌ی بار مالی و ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی^۱ ندارد.

آقای علیزاده - پس دستگاه‌ها باید این را پیش‌بینی می‌کردند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای جنتی - مگر این حکم در لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه هم بوده است؟

آقای مدرسی یزدی - بله حاج‌آقا، در برنامه‌ی پنجم هست.

آقای ره‌پیک - برنامه‌ی پنجم فقط تکلیف ایجاد کرده است. [در مصوبات بودجه باید مشخص شود که هزینه‌های اجرای آن تکلیف] از کجا باید پرداخت شود.

آقای علیزاده - خیلی خب، این بند رأی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - در مصوبه‌ی برنامه پنجم توسعه هم اگر محل نداشت، ما ایراد می‌گرفتیم.

آقای جنتی - در قانون برنامه هم به همین صورت آمده است؟

آقای مدرسی یزدی - بله، عین همین است؛ منتها در اینجا ایثارگران را بین بیمه و دستگاه اجرایی مخیر کرده است، ولی در قانون برنامه پنجم، گفته شده که خود دستگاه اجرایی باید بپردازد.

آقای جنتی - خیلی خب، پس بحث درباره‌ی این بند را ادامه ندهید.

آقای یزدی - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - مشکلی ندارد آقا. به این بند نمی‌شود ایراد گرفت.

آقای جنتی - بخوانید آقا.

آقای علیزاده - حالا مثل اینکه بنیاد شهید برای این بند نامه داده و گفته است که برای هزینه‌های این بند، منبع تعیین نشده است. فردا صبح باید ببینیم آقای زریبافان چه می‌گوید. حالا الآن بقیه‌ی مصوبه را بخوانیم تا ان‌شاءالله به مصوباتی که قطعاً ایراد دارد، برسیم و آنها را رسیدگی کنیم.^۲

۱. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

۲. بند (۱۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۳- بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)، از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.»

منشی جلسه - «بند الحاقی ۳۸- تبصره (۲) بند (ح) ماده (۸۴)

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۳ در سال ۱۳۹۲ با اضافه‌شدن عبارت «و حساب‌های مورد تأیید بانک مرکزی در خارج از کشور» اجرا می‌شود.

بند الحاقی ۳۹- رئیس قوه قضائیه مجاز است اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای این قوه و سازمان‌های وابسته را با رعایت ماده (۷۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۴ و بند (ل)

ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۵ بدون افزایش در سر جمع اعتبارات جابه‌جا نماید.

۳. تبصره (۲) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «تبصره ۲- حساب‌های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.»

۴. ماده (۷۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده ۷۹- افزایش اعتبار هزینه هر یک از برنامه‌ها و فصول هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منظور در قوانین بودجه سالانه، از محل کاهش دیگر برنامه‌ها و فصول هزینه دستگاه ذی‌ربط، مشروط به آنکه در جمع اعتبارات هزینه‌ای آن دستگاه تغییری حاصل نشود حداکثر تا سی درصد (۳۰٪) به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مجاز می‌باشد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کماکان بودجه خود را در قالب برنامه و طرح، تنظیم و اجرا می‌نمایند و تخصیص دریافت می‌کنند و تابع قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های مربوطه می‌باشند. تأمین و پرداخت کسور بازنشستگی سهم دولت از شمول محدودیت‌های این ماده مستثنی می‌باشد. در اجرای ماده (۱۱) اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری مصوب ۱۳۵۴/۳/۸ خزانه مکلف است به تقاضای سازمان مذکور، کسور مربوط به هر دوره را از تخصیص اعتبار آن دوره برداشت و به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت نماید.»

۵. بند (ل) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ل-»

۱- اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر طرح‌های مندرج در قوانین مذکور با تأیید معاونت و در قالب سقف اعتبار کل طرح قابل افزایش است و عوامل اجرایی طرح‌های مذکور با رعایت ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ انتخاب می‌شوند.

۲- اعتبارات هر یک از ردیف‌های متفرقه، تملک دارایی‌های مالی و هزینه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر ردیف‌های متفرقه، اعتبار تملک دارایی‌های مالی و هزینه‌ای توسط معاونت در سقف بودجه سنواتی کل کشور قابل افزایش است.

۳- حداکثر نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی بودجه

بودجه‌ای است؟ اگر شما ایراد غیربودجه‌ای بودن به بندها می‌گیرید [به این بند هم باید ایراد بگیرید].
آقای مدرس‌یزدی - بند الحاقی (۴۲) ایراد دارد.
آقای علیزاده - این بند ایراد دارد. منبع تأمین هزینه‌اش کجا است؟ بودجه‌ی انتقال آب از کجا باید تأمین بشود؟
آقای مدرس‌یزدی - حالا اصلاً کاری به پول و بودجه‌اش نداریم؛ اصلاً این بند ربطی به بودجه ندارد؛ «زمینه انتقال آب ...»
آقای کدخدائی - اصلاً حکم این بند، تکلیفی نیست؛ گفته است دولت اگر می‌تواند آب از خارج وارد کند! این چه تکلیفی است؟!

آقای یزدی - حکم بند الحاقی (۴۲) یعنی اینکه دولت به نحوی اقدام کند که زمینه‌ی انتقال آب فراهم شود.
آقای ره‌پیک - تازه گفته است زمینه‌اش را فراهم کند!
آقای مدرس‌یزدی - اصلاً این یعنی چه؟ حالا می‌خواهند چه کار کند؟

آقای یزدی - حالا این بند را هم بگویید غیربودجه‌ای است. رأی بگیرید.

آقای جنتی - این بند اصلاً کم و زیادی ندارد که ما بخواهیم ایراد بگیریم.

آقای مدرس‌یزدی - ایرادش این است که ربطی به بودجه ندارد؛ نامربوط است.

آقای جنتی - خب نداشته باشد.

آقای مدرس‌یزدی - رأی بدهید آقا. به حذف بند الحاقی (۴۲) رأی بدهید تا دیگر این کار [وارد کردن احکام غیربودجه‌ای در مصوبه‌ی بودجه] را تکرار نکنند.

آقای علیزاده - کسانی که این بند را غیربودجه‌ای می‌دانند، رأی بدهند.^۲

منشی جلسه - «بند الحاقی ۴۳ - کلیه افرادی که حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر را پرداخت نموده‌اند، در صورتی که در روستا یا شهر یا استان دیگری نیز ساکن باشند، می‌توانند از مزایای قانون استفاده نمایند. این حکم شامل افرادی است که در طول ایام اجرای قانون، حق بیمه پرداخت کرده‌اند.»

بند الحاقی ۴۰ - کلیه کارگاه‌های کشاورزی مشمول نظام صنفی کشاورزان، در شمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن است. آیین‌نامه اجرای قانون مذکور توسط وزارت جهاد کشاورزی و صندوق تأمین اجتماعی ظرف یک ماه از تصویب قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره الحاقی - برای استفاده از این معافیت ارائه قولنامه محلی یا اسناد عادی اراضی کشاورزی مورد تأیید جهاد کشاورزی شهرستان ذی‌ربط بدون توجه به میزان و متراف، کافی است.^۱

بند الحاقی ۴۱ - وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه و وابسته و همچنین سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی و آبخیزداری مجازند ده درصد (۱۰٪) از منابع داخلی را جهت آبخیزداری و توسعه منابع آب هزینه نمایند.

بند الحاقی ۴۲ - دولت در سال ۱۳۹۲ به نحوی اقدام نماید که زمینه انتقال آب از خارج از کشور فراهم گردد.»

آقای کدخدائی - این بند یعنی چه؟

آقای علیزاده - یعنی چه؟ این چه بودجه‌ای است؟!

آقای یزدی - بیشتر در مرز افغانستان مورد بحث است.

آقای علیزاده - یعنی دولت باید همین جوری پول بدهد؟

آقای جنتی - بند الحاقی (۴۲) را ایراد نگیرید. این بند، اشکالی ندارد.

آقای یزدی - بله، این بند اشکال ندارد؛ منتها مثل اینکه بیشتر منظور انتقال آب از مرز افغانستان است.

آقای کدخدائی - خب، چرا؟ حاج آقا، اصلاً مگر این بند

→

عمومی دولت، حداکثر یک درصد (۱٪) از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه عمومی دولت، حداکثر بیست و پنج صدم درصد (۲۵٪) از مجموع هزینه‌های شرکت‌های دولتی، حداکثر نیم درصد (۵٪) از مجموع هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی و پنجاه درصد (۵۰٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی توسعه علوم و فناوری و پژوهش‌های کاربردی، با تأیید معاونت و بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات عمومی کشور و با رعایت «قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ هزینه می‌شود.»

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

هزینه‌های اضافی از کجا پرداخت شود. اتفاقاً ایراد این بند همین عدم تعیین محل برای هزینه‌ها است.

آقای یزدی - بالاخره این فرد که از این مملکت خارج نشده است؛ تا حالا در این محل بوده، الان رفته در آن محل؛ مثل عشایر که از جایی به جای دیگر می‌روند.

آقای امیری - حاج‌آقا، حکم بند الحاقی (۴۳) بیشتر برای عشایر کوچنده است که مثلاً تابستان‌ها در چهارمحال هستند و زمستان به خوزستان می‌روند. این عشایر جمعیت قابل توجهی هم هستند.

آقای یزدی - بله، این بند بیشتر مربوط به عشایر است.

آقای مدرسی یزدی - در استان‌ها عشایر اصلاً جایی ندارند. این مصوبه بیشتر مربوط به روستاییان است.

آقای علیزاده - در مورد عشایر که معلوم است اما این بند در مورد روستاییان است.

آقای مدرسی یزدی - اگر عشایرها هم آمدند در شهر ساکن شدند باز هم همان حرف است.

آقای علیزاده - بله، اگر عشیره باشد یعنی می‌آید و می‌رود.

آقای مدرسی یزدی - اما اشکال این است که این بند نامربوط به بودجه است. این هم ربطی به بودجه ندارد.

آقای علیزاده - من که می‌گویم این بند بودجه‌ای نیست.

آقای مدرسی یزدی - بله، بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - خب اگر غیربودجه‌ای بودن این بند رأی می‌آورد که هیچ، وگرنه موضوع این بند یک بحث دیگری است.

آقای سلیمی - ما [به غیربودجه‌ای بودن این بند] رأی می‌دهیم، ولی ماجرای این مصوبه این است که کسانی که در روستا کشاورزی دارند، در شهر ساکنند. اینها هم حق بیمه پرداخت می‌کنند، ولی [از آن طرف، چون ساکن شهرها هستند، از مزایای قانون بیمه روستاییان محروم بوده‌اند و از این جهت، به آنها ظلم می‌شده است].

آقای مدرسی یزدی - باید قانون مستقل برای این‌گونه موارد تصویب کنند.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، چند تا رأی شد؟

آقای جنتی - خیلی خب، حالا رأی آورد.

منشی جلسه - حاج‌آقا، رأی دارد.

آقای سلیمی - واقعاً به برخی از روستاییان ظلم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - ما که حرفی نداریم. قانون مستقل برای آن وضع کنند.

آقای علیزاده - هر جا سایر قوانین ایراد داشته، در بودجه آورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - قبلاً هم چیزی نظیر بند الحاقی (۴۳) برای بررسی به شورا آمده بود که به آن ایراد گرفتیم.

آقای علیزاده - به آن مصوبه، ایراد بار مالی [= مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی] گرفتیم. آن در مصوبه‌ی بودجه نبود.^۱

آقای مدرسی یزدی - بله، مضمون این بند هم همین است و ایراد بار مالی دارد.

آقای ره‌پیک - نه، ایراد بند الحاقی (۴۳) این است که دائمی است و ربطی به بودجه هم ندارد.

آقای یزدی - این بند می‌گوید اگر کسانی حق بیمه پرداخت کرده باشند و الآن در شهر دیگری ساکن هستند، از مزایای قانون استفاده کند. این بلا اشکال است.

آقای علیزاده - این بند کسانی را می‌گوید که حق بیمه پرداخت کرده‌اند. این بند اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - این بند الحاقی چون قانون [بیمه‌ی اجتماعی روستاییان] را توسعه داده، لذا سهمی را که دولت در پرداخت حق بیمه می‌دهد، افزایش داده است. از این جهت، دارای بار مالی است. نکته‌اش این است. از اول قانونش، مضیق بوده و الآن دامنه‌ی شمول قانون را توسعه داده‌اند؛ لذا سهم حق بیمه‌ای که دولت می‌پردازد، افزوده می‌شود. ضمن اینکه این بند، واقعاً ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این بند بار مالی ندارد؛ فقط باید برای آن محل تعیین کنند؛ چون ظاهراً قانون موجود فقط مربوط به روستاییان است.

آقای مدرسی یزدی - آن قانون مربوط به کسانی بوده که ساکن روستا و شهرهای کوچک بوده‌اند. حالا این بند، دارد افرادی که در جایی دیگر غیر از این محل‌ها ساکن می‌شوند را هم شامل می‌کند. خب پس این حکم موجب افزایش هزینه‌ها می‌شود.

آقای علیزاده - خب پس باید در اینجا معلوم کنند که این

۱. در اسناد و مدارک در دسترس چنین مصوبه‌ای که با ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی از سوی شورای نگهبان مواجه شده باشد، یافت نشد. با توجه به مفاد مصوبه، به نظر می‌رسد منظور از مصوبه‌ی مشابه، «طرح عدم لزوم بیمه مجدد اجباری شاغلین فصلی و ساکنین شهرهای با جمعیت کمتر از بیست هزار نفر که نزد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر بیمه می‌باشند» مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی است که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. این مصوبه مقرر می‌کرد: «ماده واحده - شاغلین فصلی و ساکنین شهرهای با جمعیت کمتر از بیست هزار نفر که از مزایای درمان روستایی و عشایری استفاده می‌نمایند و نزد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر بیمه می‌باشند، بیمه اجباری مجدد آنان نزد سازمان تأمین اجتماعی لازم نیست.»

مدت چهل و هشت ماه در کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها و شصت ماه در سایر شهرها یا به صورت سررسید یکجا اقدام نمایند.»
آقای علیزاده - این بند چه ارتباطی به بودجه دارد؟ واقعاً من تعجب می‌کنم! ماده (۱۷۴) را ببینید چه می‌گوید؟
آقای کدخدائی - بی‌ربط است حاج آقا.
منشی جلسه - خود این بند دارد می‌گوید چهل و هشت ماهه و شصت ماهه دیگر.

آقای علیزاده - حالا خوب است که بحث طلاق و ازدواج را در بودجه نیآورده‌اند.

آقای سلیمی - این بند می‌گوید عوارض را به مدت ۴ یا ۵ سال می‌توانند تقسیم کنند.

آقای علیزاده - این چه حکمی است؟ یعنی واقعاً این قانون بودجه است؟!

آقای سلیمی - می‌گوید امسال می‌تواند عوارض را تقسیم کند.

آقای علیزاده - یعنی چه؟

آقای مدرسی‌یزدی - بند الحاقی (۴۵) ربطی به بودجه ندارد.

آقای علیزاده - این بند ربطی به بودجه ندارد.

آقای یزدی - ربطی به بودجه ندارد، ولی به شهرداری‌ها اجازه تقسیم عوارض را داده است.

آقای علیزاده - خوب، نباید که این اجازه را ضمن قانون بودجه بدهد.

آقای مدرسی‌یزدی - مگر اینکه از این حیث که این بند به نوعی درآمد شهرداری محسوب می‌شود [قابل توجیه باشد].

آقای علیزاده - آقایانی که بند الحاقی (۴۵) را خلاف اصل (۵۲) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای سلیمی - درآمدش هم که ...

آقای مدرسی‌یزدی - چه ربطی دارد؟ درآمد شهرداری را امسال کم می‌کنند یا زیاد می‌کنند [چه ربطی به قانون بودجه دارد].

آقای سلیمی - بگذارید این بند بماند.

آقای یزدی - خوب حالا ایشان [= آقای سلیمی] رأی نمی‌دهند؛ پس رد شویم.

آقای علیزاده - این بند اشکال دارد. آقایان هر جا یک جور رأی ندهند.

آقای مدرسی‌یزدی - هر بندی که رد شده، با ذکر دلیل رد شده است.

آقای یزدی - بسیار خوب، این هم رأی آورد. رد شویم.^۱
منشی جلسه - «بند الحاقی ۴۴ - دولت مکلف است مبلغ هشت هزار میلیارد (۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل فروش سهام شرکت‌های دولتی را به منظور تهیه و اجرای طرح‌های هادی و پروژه‌های دارای اولویت در زمینه بهسازی روستاها، احداث و نگهداری راه‌های روستایی، آبرسانی روستایی، احداث خانه بهداشت و توسعه ورزش روستایی براساس شاخص‌های برخورداری هر شهرستان اختصاص دهد.

بند الحاقی ۴۵ - در راستای اجرای ماده (۱۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۲ شهرداری‌ها موظفند نسبت به تقسیم عوارض صدور پروانه شهرداری موضوع ماده (۳۲) اصلاحی آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷،^۳ به

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. ماده (۱۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۱۷۴ - شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها و سایر مراجع ذی‌ربط موظفند تا پایان سال اول برنامه از طریق تدوین نظام درآمدهای پایدار شهرداری‌ها با اعمال سیاست‌های ذیل اقدام نمایند:

الف - کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی در کاربری‌های تجاری، اداری، صنعتی متناسب با کاربری‌های مسکونی همان منطقه با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت محلی و نیز تبدیل این عوارض به عوارض و بهای خدمات بهره‌بردار از واحدهای احداثی این کاربری‌ها و همچنین عوارض بر ارزش افزوده اراضی و املاک، ناشی از اجرای طرح‌های توسعه شهری

ب - تعیین سهم شهروندان در تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و شهری، نگهداری، نوسازی و عمران شهری و همچنین تعیین سهم دولت در ایجاد زیرساخت‌های توسعه، عمران شهری و حمل و نقل

ج - تبدیل عوارض موضوع درآمد شهرداری‌ها از عوارض بر املاک به عوارض ناشی از مصرف و خدمات

د - تعیین ضمانت اجرایی برای وصول عوارض، بهای خدمات و سایر درآمدهای قانونی شهرداری‌ها

ه - افزایش تراکم زمین‌های مشجر با سطح اشغال کمتر نسبت به زمین‌های غیرمشجر با سطح اشغال بیشتر

و - تقویت سازوکارهای مدیریت و نظارت بر هزینه‌کرد شهرداری

ز - برون‌سپاری وظایف قابل واگذاری و هدایت بودجه شهرداری‌ها به سمت هزینه‌کرد در حوزه وظایف اصلی و قانونی آنها و ممنوعیت پرداخت هرگونه هزینه از اعتبارات شهرداری به دستگاه‌های اجرایی.»

۳. ماده (۳۲) اصلاحی آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده

۳۲ - به شهرداری‌های کل کشور اجازه داده می‌شود تا مطالبات خود را با اقباس حداکثر سی و شش ماهه مطابق دستورالعملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوطه می‌رسد دریافت نماید. در هر حال

←

→

صدور مفاصاحساب موکول به تأدیه کلیه بدهی مؤدی خواهد بود.»

آقای علیزاده - مگر بودجه‌ی شهرداری در قانون بودجه می‌آید؟

آخر این بند اصلاً چه ارتباطی به بودجه‌ی شهرداری دارد؟

آقای یزدی - با حکم این بند شهرداری‌ها می‌توانند عوارض را تقسیط کنند.

آقای علیزاده - شهرداری خودش بودجه‌ی جداگانه دارد که شورای شهر آن را تصویب می‌کند. ارتباطی ندارد که بودجه‌ی شهرداری در قانون بودجه ذکر شود. این بند وضع قانون برای شهرداری است، نه بودجه.

آقای ره‌پیک - این هم تقسیط است.

آقای مدرس‌یزدی - یعنی می‌خواهد بودجه‌ی شهرداری را کم کند.

آقای علیزاده - واقعاً این بند اشکال دارد.

آقای یزدی - نه، این بند بودجه‌ی شهرداری را کم نمی‌کند. فقط به شهرداری اجازه می‌دهد برای کسانی که امکان پرداخت عوارض به صورت یکجا را ندارند، برای آنها عوارض را تقسیط کند.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۴۵) قانون‌گذاری است. این بند، بودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - واقعاً این بند، بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - واقعاً بودجه‌ای نیست. آقایانی که می‌گویند بودجه‌ای نیست رأی بدهند.

آقای یزدی - این هم رأی آورد.

آقای علیزاده - چند تا رأی آورد؟ خب آقای اسماعیلی هم رأی می‌دهد. به سراغ بند بعدی برویم.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۴۶ - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است نسبت به برقراری مستمری برای زنان سرپرست خانواری که ازدواج نموده‌اند و مستمری آنان قطع شده، اقدام کند.»

آقای علیزاده - یعنی چه؟ این بند چه ربطی به بودجه دارد؟!

آقای کدخدائی - مضمولان این بند، دویست هزار نفرند که تحت پوشش قرار می‌گیرند.

آقای علیزاده - دویست هزار تا کجا بوده؟

آقای مؤمن - بله، همین دویست هزارتا است.

آقای علیزاده - دویست هزار تا را از کجا می‌گویید؟ این بند، همه‌ی زنان سرپرست خانوار را دارد می‌گوید.

آقای ره‌پیک - همه را دارد می‌گوید.

آقای علیزاده - منبعض را باید مشخص کنند. همین جوری که نمی‌توانند بگویند نسبت به برقراری مستمری زنان سرپرست خانوار اقدام شود.

آقای مدرس‌یزدی - بله، این کار درست نیست.

آقای علیزاده - واقعاً این بند هم مثل بندهای قبلی اشکال دارد.

آقای کدخدائی - بندهای الحاقی را یکجا بگویید غیربودجه‌ای است تا تمام شود برود.

آقای مدرس‌یزدی - نه.

آقای علیزاده - همه‌ی بندهای الحاقی غیربودجه‌ای نیست.

آقای یزدی - نه، همه‌اش غیربودجه‌ای نیست، ولی خیلی‌هایش است.

آقای علیزاده - بیشتر بندهای الحاقی غیربودجه‌ای است. نباید اجازه داد بندهای غیربودجه‌ای را وارد بودجه کنند. خب این کجایش بودجه‌ای است؟

آقای مدرس‌یزدی - فرضاً اگر بودجه‌ای هم باشد، باز هم مشکل عدم ذکر منبع دارد.

آقای علیزاده - منبع این بند کجا است؟

آقای مدرس‌یزدی - به هر حال این بند خلاف [اصل (۵۲) قانون اساسی] است.

آقای علیزاده - اگر قصد حمایت دارند، قانون مستقل وضع کنند. چرا باید حکمی در بودجه که یک قانون یکساله است بیاید و برای سال بعد بلا تکلیف بماند؟

آقای سلیمی - سال بعد هم این حکم در قانون بودجه تصویب می‌شود.

آقای علیزاده - خب همین، این کار اشکال دارد. آقایانی که این بند را بودجه‌ای نمی‌دانند، رأی بدهند.

آقای مدرس‌یزدی - با حذف بندهای الحاقی، شاکله‌ی لایحه‌ی بودجه را برگردانید.

آقای علیزاده - بله، بالاخره رأی آورد.^۲

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۵)، (۵۶) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)،

مداخله می‌کنیم، آنها را فلج می‌کنیم.

آقای ره‌پیک - نه، در اختیار خود بانک است که وثیقه را آزاد کند.

آقای یزدی - [گفته است: با درخواست متقاضی، بانک‌ها] می‌توانند وثیقه را تبدیل کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا بانک‌ها و مؤسسات مالی، از باب احتیاط وثیقه را تبدیل نمی‌کنند، که این بند می‌خواهد آنها را موظف به این کار کند.

آقای ره‌پیک - چرا.

آقای علیزاده - حالا فرض کنید تسهیلات‌گیرنده‌ای آمده و یک مقدار از تسهیلات را پس داده است، اما اصلاً این بازپرداخت در حدی نیست که ارزش آن وثیقه را داشته باشد؛ مثلاً ملکی را به عنوان وثیقه به بانک معرفی کرده است؛ حالا این بند می‌گوید پس از یکسال پرداخت اقساط تسهیلات، نصف آن وثیقه را آزاد کند!

آقای امیری - نه، این را نمی‌گوید. می‌گوید اگر کسی ۱۰ میلیارد وام گرفته و وثیقه‌ای ۱۰ میلیاردی گذاشته است، اگر ۵ میلیارد آن را بازپرداخت کند، می‌تواند ۵ میلیارد از وثیقه را آزاد کند. این جوری دارد می‌گوید [که به نسبت بازپرداخت اقساط، می‌تواند بخشی از وثیقه را آزاد کند].

آقای علیزاده - ممکن است بانک بگوید این ملکی که تسهیلات‌گیرنده به عنوان وثیقه‌ی وام ۱۰ میلیاردی گذاشته، از اول ۱۰ میلیارد نمی‌ارزید.

آقای امیری - نه، آن که نمی‌شود؛ [متناسب بودن وثیقه‌ها با تسهیلات دریافتی]، کارشناسی می‌شود.

آقای علیزاده - کجایش کارشناسی است؟! با همین کارشناسی‌هایی که شده، این همه بدهکاری‌های بانکی مانده است. مگر شما در یک بند دیگر نگفتید که از سایر اموالشان بگیرند.^۱

آقای یزدی - آقای علیزاده، لطف بفرمایید. عبارت این بند غیر از مطلب حضرت‌عالی است. ببینید این عبارت می‌گوید: «... (در صورت درخواست متقاضی) متناسب با بازپرداخت هر بخش از تسهیلات پرداختی به واحدهای تولیدی نسبت به آزادسازی وثیقه‌های مازاد و یا تبدیل وثیقه مناسب به میزان باقیمانده تسهیلات، حسب درخواست اقدام نمایند.»

آقای علیزاده - این عبارت هم همین مطلبی که عرض کردم را دارد می‌گوید. «متناسب» معنایش این است که در مقابل وام ۱۰

منشی جلسه - «بند الحاقی ۴۷- سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مکلفند در ازای دریافت به ترتیب هفت درصد (۷٪) و پنج درصد (۵٪) حق بیمه، نسبت به بیمه‌نمودن زنان خانه‌دار متأهل به تعداد دویست هزار نفر اقدام نمایند.»

آقای علیزاده - این بند تا حدی بودجه‌ای است.

آقای مدرسی‌یزدی - ردیفش را هم در ادامه‌اش مشخص کرده است.

منشی جلسه - «دولت مکلف است براساس فهرست اعلامی سازمان‌های مذکور نسبت به تأمین سهم کارفرما از محل ردیف ۹۷-۵۵۰۰۰۰ به مبلغ یکهزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اقدام نماید.

بند الحاقی ۴۸- کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی عامل موظفند (در صورت درخواست متقاضی) متناسب با بازپرداخت هر بخش از تسهیلات پرداختی به واحدهای تولیدی نسبت به آزادسازی وثیقه‌های مازاد و یا تبدیل وثیقه مناسب به میزان باقیمانده تسهیلات، حسب درخواست اقدام نمایند.»

آقای سلیمی - حکم این بند خوب است.

آقای علیزاده - خوب است؟

آقای مدرسی‌یزدی - برای رونق اقتصادی امسال خوب است.

آقای یزدی - برای کمک به [واحدهای تولیدی است]؛ می‌گوید [متناسب با بازپرداخت تسهیلات] وثیقه‌های آنها را آزاد کنند.

آقای علیزاده - این بند، اصلاً ماهیت بودجه‌ای ندارد. ضمن اینکه این بند یک عیب دیگری هم دارد. با حکم این بند، متقاضیان اقساط یکسال را می‌پردازند و نصف وثیقه را آزاد می‌کنند و بعد بقیه را نمی‌پردازند و این کار باعث بالا رفتن طلب بانک‌ها می‌شود، در حالی که دیگر وثیقه‌ای هم در کار نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - این بند برای تنظیم سیاست‌های اقتصادی است. عیبی ندارد.

آقای کدخدائی - به هر حال بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - واقعاً بودجه‌ای نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - بودجه‌ای بالمعنی‌الاعم است.

آقای یزدی - متقاضی درخواست کرده است که وثیقه‌ی من را آزاد کنید...

آقای علیزاده - این قدر که در کار بانک‌ها و مؤسسات مالی

→

(۵۰)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۴)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند،

مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۱. به نظر می‌رسد به بند الحاقی (۵۵) همین مصوبه اشاره دارد.

اعطای وام برای امسال است، اما بند الحاقی (۴۸) واقعاً ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای یزدی - بله، به نوعی حرف شما صحیح است.

آقای علیزاده - واقعاً شماها خودتان باید برای دفاع [از نظرات شورا] به کمیسیون تلفیق بروید. آنجا به من ایراد می‌گیرند که چرا بعضی از بندها را [به دلیل ماهیت بودجه‌ای نداشتن] ایراد گرفته‌اید و بعضی دیگر را ایراد نگرفته‌اید؟

منشی جلسه - «بند الحاقی ۵۰- دریافت وکالت بلاعزل از تسهیلات گیرندگان بابت وثیقه‌های در رهن بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی ممنوع می‌باشد و وثیقه‌گیرندگان موظفند فقط در قالب قراردادهای منعقدۀ نسبت به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها اقدام نمایند.»

آقای امیری - این بند، بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - این چه بودجه‌ای است؟!

آقای ره‌پیک - اگر قرار باشد چنین مسائلی را وارد بودجه کنند که خیلی از مسائل دیگر را هم باید بیاورند. الآن در تمام قراردادهای بانکی بعد از مرگ طرف هم تعیین تکلیف شده است.

آقای علیزاده - وصیت می‌گیرند.

آقای ره‌پیک - طرف وصایت می‌کند که بانک وصی او است.

خب، این مسائل را هم در بودجه بیاورند!

آقای علیزاده - ما این بند را بودجه‌ای نمی‌دانیم.

آقای ره‌پیک - بله دیگر. آخر این چه حکمی است؟!

آقای علیزاده - اینکه بانکها وکالت بلاعزل بگیرند یا نگیرند چه ربطی به بودجه دارد؟ ببینید، الآن شخصی که می‌خواهد از بانک تسهیلات بگیرد مثلاً ملکش را به عنوان وثیقه نزد بانک می‌گذارد و به موجب آن به بانک وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر می‌دهد تا در صورت نپرداختن طلب، بانک حق فروش ملک را داشته باشد. اما الآن بند الحاقی (۵۰) می‌گوید بانک حق گرفتن وکالت بلاعزل ندارد. آقایان می‌دانند این حکم چه اثری دارد؟ یعنی من بروم پول بانک را بگیرم ...

آقای اسماعیلی - و پس ندهم.

آقای علیزاده - به بانک وکالت هم بدهم، ولی ۵ روز بعد تسهیلات‌گیرنده برود وکالت من بانک را عزل کند!

آقای ره‌پیک - بانک باید برود شکایت کند.

آقای سلیمی - ببینید حاج‌آقا، این طور نیست.

آقای علیزاده - بله دیگر.

آقای سلیمی - نه ببینید، مثلاً ما اگر رهن می‌گیریم، رهن قاعده‌ی

میلیونی، اگر ۵ میلیون بازپرداخت داشته باشد به همان نسبت می‌تواند تقاضای آزادسازی وثیقه را بدهد، اما آیا این وثیقه‌ی من الآن با توجه به شرایط، ۵ میلیون می‌ارزد؟

آقای مؤمن - نه، بیشتر می‌ارزد.

آقای سلیمی - نه، بیشتر می‌ارزد.

آقای علیزاده - خب، همین است. باید همین موضوع را در اینجا بگوید.

آقای یزدی - حالا بالاخره وثیقه‌ی من گران‌تر بوده، ولی چون وثیقه از اول برای (۱۰۰) میلیون تومان گذاشته شده، الآن چون (۵۰) میلیون از اقساط تسهیلات را داده‌ام، نسبت به (۵۰) میلیون وثیقه را آزاد می‌کنند.

آقای علیزاده - همین کارها را کردیم که بانکها را خیلی گرفتار کردیم.

آقای یزدی - حکم این بند خوب است، کمک هم می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، بخوانید تا جلوتر برویم.

آقای علیزاده - همین کارها را کرده‌ایم که کلی وام از بانکها گرفته‌اند و رفته‌اند.

آقای سلیمی - الآن بانکها خودشان دارند بدون گرفتن وثیقه‌ی مناسب، وام می‌دهند.

آقای علیزاده - واقعاً این بند، اصلاً ماهیت بودجه‌ای نداشت.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۴۹- به منظور کاهش هزینه‌های تأمین مالی و تسهیل در سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید و ایجاد اشتغال، به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور اجازه داده می‌شود در صورت درخواست متقاضی به‌جای دریافت وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی و یا سایر اسناد تجاری (به استثنای چک) و سایر اوراق بهادار و یا سایر اسناد با ارزش معتبر و یا بخشی نقد و مابقی اقساط، به نحوی که در موارد مربوط به درآمدهای عمومی تضمین لازم برای وصول وجه تا بهمن‌ماه سال جاری اخذ گردد، دریافت نمایند.»

آقای مدرسی یزدی - این بند عیبی ندارد؛ بودجه‌ای است.

آقای ره‌پیک - این بند، بودجه‌ای است؟! می‌گوید به جای وجه نقد، اسناد تجاری و... دریافت کنند.

آقای سلیمی - بله، گفته است می‌توانند به جای وجه نقد، اوراق بهادار، سهام و... به عنوان تضمین بگیرند.

آقای یزدی - حالا به قول شما به نوعی مربوط به بودجه است.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای علیزاده - حالا ببینید. این بند الحاقی (۴۹) حداقل مربوط به

قانون گفته بود که در صورت پرداخت نشدن طلب بانک، بانک اجرائیه صادر می‌کند و سازمان ثبت مالی که در رهن بانک است را به بانک تملیک می‌کند. اشکالی که آقایان فقهای شورا به ماده (۳۴ مکرر) وارد کرده‌اند این است که در صورت نداشتن وکالت، بدون حکم دادگاه نمی‌توان اموال را به تملیک بانک درآورد و حتماً برای این کار باید از طریق محکمه اقدام شود.

آقای مدرس‌یزدی - احتیاط است، رأیشان خلافی است.

آقای علیزاده - توجه فرمودید؟ آقایان [فقهای شورای نگهبان] این ماده را گفته‌اند که خلاف شرع است.

آقای ره‌پیک - آنچه در قانون مدنی هم آمده همین است که عین مرهونه قابل فروش نیست.^۲

آقای علیزاده - وثیقه‌گذار ملکش را به رهن بانک گذاشته است، بعد می‌گوید [در صورت پرداخت نکردن طلب بانک]، بانک باید برای فروش به دادگاه مراجعه کند!

آقای مؤمن - اصلاً بحثی از دادگاه نیست.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای سلیمی - درست است. باید بگوییم این بند بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این بند بودجه‌ای نیست. شخص به بانک وکالت می‌دهد که اگر طلبش را نداد ظرف مهلت مقرر بانک وثیقه را به اجرا بگذارد.

آقای ره‌پیک - حالا ماهیت این بند، یک بحث دیگری است؛ اما از لحاظ شکلی که بودجه‌ای نیست.

آقای مؤمن - این بند می‌گوید بانک‌ها به همان وثیقه‌ای که از مردم می‌گیرند، اکتفا کنند.

→

سایر وراث به موجب آیین‌نامه وزارت دادگستری خواهد بود.

تبصره ۲- عملیات اجرایی با صدور سند انتقال یا تحویل مال منقول یا پرداخت طلب بستانکار و اجرای تعهد بدهکار منتهی خواهد بود. در صورتی که مال از طریق حراج به فروش برسد ختم عملیات اجرایی تاریخ تنظیم صورت‌مجلس حراج می‌باشد.

تبصره ۳- نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد مورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف‌کننده به موجب آیین‌نامه وزارت دادگستری خواهد بود.

تبصره ۴- کلیه اسناد تنظیمی و اجرائیه‌های صادر قبل از اجرای این قانون تابع مقررات زمان تنظیم سند خواهد بود.»

۲. ماده (۷۷۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸: «ماده ۷۹۹- هر گاه مرتبه‌ن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشت‌باشد و راهن هم برای فروش آن و ادای دین حاضر نگردد، مرتبه‌ن به حاکم رجوع می‌نماید تا اجبار به بیع یا ادای دین به نحو دیگر بکند.»

خاص خودش را دارد، ضمانتش هم مشخص است. اینجا بانک‌ها یک وکالت اضافه هم می‌گیرند که بند الحاقی (۵۰) می‌گوید حق نداری آن را بگیری. در واقع می‌گوید بر اساس آن عقدی که بین بانک و افراد وجود دارد باید عمل شود.

آقای علیزاده - اجازه بدهید من این بند را تحلیل کنم. من هم سازمان ثبت و هم شورای نگهبان بوده‌ام، می‌دانم منظور این بند چیست.

آقای سلیمی - می‌گوید تعهدی اضافه‌تر از قراردادهای منعقد از تسهیلات‌گیرندگان نگیرید. می‌گوید چرا وکالت بلاعزل می‌گیرید.

آقای ره‌پیک - خوب اگر بانک وکالت هم نگیرد که نمی‌تواند وثائق را بفروشد.

آقای علیزاده - آقایان [فقهای شورای نگهبان] آمده‌اند گفته‌اند ماده (۳۴ مکرر) قانون ثبت^۱ خلاف شرع است. یعنی چه؟ در آن

۱. ماده (۳۴ مکرر) قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ و منسوخ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۸: «ماده ۳۴ مکرر- در کلیه معاملات مذکور در ماده (۳۴) این قانون بدهکار می‌تواند با تودیع کلیه بدهی خود اعم از اصل و اجور و خسارت قانونی و حقوق اجرایی نزد سردفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند، مورد معامله را آزاد و آن را با دیگری معامله نماید یا کلیه بدهی خود را در صندوق ثبت یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و با تسلیم مدرک تودיעی به دفترخانه تنظیم‌کننده سند، موجبات فسخ و فک سند را فراهم کند. دفاتر اسناد رسمی مکلفند وجوه امانی مذکور را بلافاصله و در صورت انقضای وقت اداری در اولین وقت اداری بعد به صندوق ثبت تحویل نمایند.

هر بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد نیز می‌تواند کلیه بدهی موضوع سند به بستانکار دیگر و نیز حقوق دولت را پرداخت و یا در صندوق ثبت و یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و تقاضای استیفای حقوق خود را از اداره ثبت بنماید. هرگاه مدت سند باقی باشد باید حق بستانکار تا آخر مدت رعایت شود. در صورت صدور اجرائیه، گواهی اداره اجرا در مورد بلامانع بودن فک و فسخ معامله یا انجام معامله نیز ضروری خواهد بود.

در کلیه موارد مذکور فوق هرگاه منافع مال مورد معامله حق سکنی یا حقوق دیگری بوده و به بستانکار منتقل شده باشد باید حق نامبرده تا آخر مدت مذکور در سند رعایت شود.

تبصره ۱- انتقال قهری حق استرداد به وراث بدهکار موجب تجزیه مورد معامله نخواهد بود. هرگاه قبل از صدور اجرائیه یا قبل از خاتمه عملیات اجرایی کلیه بدهی و خسارت قانونی و حق اجرا در صورت صدور اجرائیه از ناحیه احد از وراث مدیون در صندوق ثبت یا مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین نماید تودیع شود مال مورد معامله در وثیقه وراث مزبور قرار می‌گیرد. در این مورد هرگاه هر یک از وراث به نسبت سهم‌الارث بدهی خود را به وراث مزبور به پردازد به همان نسبت از مورد وثیقه به نفع او آزاد خواهد شد. ترتیب و نحوه وصول طلب وراث پرداخت‌کننده دین از

←

آقای علیزاده - واقعاً این بند هم ماهیت بودجه‌ای ندارد. آقایان مثل بندهای سابق رأی بدهند تا به سراغ بندهای بعدی برویم.

آقای مدرس‌یزدی - حکم بند الحاقی (۵۲) ممکن است برای دولت هزینه هم داشته باشد.

آقای مدرس‌یزدی - هزینه هم ممکن است داشته باشد.

آقای علیزاده - بله. ۸ نفریم، ۷ تا رأی آورد.^۲

منشی جلسه - «بند الحاقی ۵۳- دریافت و پرداخت هرگونه وجهی تحت هر عنوان توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی باید در چهارچوب قوانین موضوعه کشور بوده و هرگونه دریافت و پرداخت غیر، در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب می‌شود و کلیه مسئولان و مقامات ذی‌ربط، معاونین، ذی‌حسابان و مدیران مالی حسب مورد مسئول اجرای این حکم هستند.»

آقای علیزاده - اینها یعنی چه؟!

منشی جلسه - حاج‌آقا، عبارت «هرگونه دریافت و پرداخت غیر»، یعنی چه؟

آقای مدرس‌یزدی - به غیر.

آقای سلیمی - یعنی غیر از این [چهارچوب قوانین موضوعه‌ی کشور].

آقای مدرس‌یزدی - عبارت یک مقدار ناقص است.

آقای اسماعیلی - یعنی این حکم برای امسال ممنوع است ولی برای سال‌های بعد جایز است؟!

آقای علیزاده - الان همین را در قانون مجازات داریم که می‌گوید اصلاً گرفتن هر نوع وجهی جایز نیست مگر اینکه طبق قانون باشد.^۳

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۳. در این زمینه در ماده (۴) قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مقرر شده است: «ماده ۴- دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح

آقای علیزاده - خب، این وکالت هم برای وثیقه است.

آقای مؤمن - برای وثیقه، رهن گرفته شده است.

آقای جنتی - آقا، اجمالاً این بند بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - واقعاً بودجه‌ای نیست.

آقای مؤمن - خیلی خب، بگوئید بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند بند الحاقی (۵۰)، بودجه‌ای نیست، رأی بدهند.

آقای سلیمی - رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۵۱- به منظور ارتقای بهره‌وری و جلوگیری از تأخیر در روند اجرای طرح‌هایی که از طریق تسهیلات مالی توسعه‌ای بلندمدت بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی تأمین مالی می‌شوند، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلف است نسبت به تخصیص صد درصد (۱۰۰٪) سهم داخلی و اعتبار ریالی طرح‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب مربوط اقدام نماید.

بند الحاقی ۵۲- نام کارفرمایان و پیمانکاران کارگاه‌ها، پروژه و واحدهای مشمول تأمین اجتماعی در فهرست بیمه‌شدگان آنها قرار می‌گیرند و نرخ حق بیمه آنها همانند سایر بیمه‌شدگان همان کارگاه خواهد بود.»

آقای علیزاده - این بند، چطور ماهیت بودجه‌ای دارد؟!

آقای مؤمن - این بند هم باز بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - ببینید، این بند می‌گوید من که کارفرما هستم، وقتی کارگرم را بیمه می‌کنم ...

آقای ره‌پیک - خودم هم با او هستم.

آقای علیزاده - بله، من کارفرما را هم بیمه کنید. حالا حکم این بند چه ربطی به قانون بودجه دارد؟! آخر این چه قانون بودجه‌ای است؟! واقعاً این بند، مربوط به قانون بیمه است یا قانون بودجه؟

خب بیایند به جای قانون بودجه، قانون بیمه بنویسند.

آقای سلیمی - مثل اینکه مجلس هر جا خلأ قانونی وجود داشته، می‌خواهد از طریق قانون بودجه جبران کند.

آقای علیزاده - بله هرچه به فکرشان رسیده در بودجه آورده‌اند.

آقای ره‌پیک - بله، در واقع می‌خواسته‌اند یک جای دیگر الزام ایجاد کنند، ولی در قانون بودجه آورده‌اند.

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

خسارت تأخیر پس از تعیین تکلیف تا آن زمان و انجام تسویه حساب کامل مورد تأیید بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری بخشوده می‌شود به نحوی که در این موارد، نرخ سود تسهیلات جدید حداکثر معادل نرخ سود تسهیلات تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار باشد. چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تسویه بدهی‌های معوق خود به بانک‌های عامل مراجعه نمایند به هیئت مدیره بانک‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات، برای مطالبات بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود از سایر اموال منقول و غیرمنقول آنان مازاد بر وثائق تحویلی به بانک‌ها اقدام نمایند.»

آقای اسماعیلی - حاج آقا، این همان بندی است که دولت به شدت به آن معترض بود و به نظر می‌رسد حرفشان درست باشد.^۱

آقای علیزاده - بله، خیلی اعتراض داشتند.

آقای ره‌پیک - البته این بند هم بودجه‌ای نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - حرف دولت درست است. حکم این بند به نوعی جایزه دادن به بد حساب‌ها است.

آقای اسماعیلی - واقعاً به نظر می‌رسد حکم این بند رانت خیلی بزرگی را ایجاد می‌کند. حق با دولت است. این چه حکمی است که در بودجه آورده‌اند؟

آقای مدرسی‌یزدی - این بند، جایزه دادن به آدم بد حساب است.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - البته شاید به دلایلی این کار موجه شود.

آقای اسماعیلی - خب، این می‌شود «به تشخیص هیئت مدیره

۱. جزء (۱۷) بند (ه-۲) نامه مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور: «بند الحاقی ۵۵- سرفصل‌های حسابداری بانک‌ها به صورت استانداردهای جهانی است که بر اساس زمان عدم بازپرداخت آن به سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول تقسیم‌بندی می‌شوند و اعتبار هر یک از بانک‌ها بر اساس این استانداردها سنجیده می‌شود. چنانچه قانون‌گذار بخواهد سرفصل‌های حسابداری نظام بانکی را تغییر دهد این امر موجب بی‌اعتباری بانک‌های کشور در نزد مؤسسات مالی بین‌المللی و در نتیجه گران شدن نرخ مبادلات بانک‌های کشور خواهد شد. در عین حال این اقدام باعث سوء استفاده بدهکاران بزرگ بانکی می‌شود که از پرداخت بدهی خود به استناد این بند استتکاف می‌نمایند. عدم بازپرداخت بدهی‌ها، باعث می‌شود توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها کاهش یافته و در سالی که سال حماسه اقتصادی نامیده شده است قدرت بانک‌ها برای اعطای تسهیلات برای تحرک بخشیدن به تولید به شدت کاهش خواهد یافت. همچنین در مقررات بانک‌ها موضوعی به نام جریمه خسارت تأخیر تأدیه وجود ندارد، بلکه وجه التزام در قراردادهای وجود دارد که در صورت بخشوده شدن آن، هیچ پایبندی برای ایفای تعهدات باقی نخواهد ماند.»

آقای سلیمی - حالا ذکر این بند را می‌شود یک‌طوری توجیه کرد.
آقای یزدی - این بند تا حدودی دریافت‌ها و پرداخت‌ها را محدود کرده است.

آقای علیزاده - ان‌شاءالله خیر است.

منشی جلسه - «بند الحاقی ۵۴-

۱- کلیه جریمه‌های مالیاتی ناشی از تأخیر در پرداخت مربوط به عملکرد سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بنگاه‌های تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری که بتوانند ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به تسویه اصل بدهی مالیاتی قطعی شده خود اقدام نمایند، بخشوده می‌شود.

۲- این جزء با بند (۶۴) لایحه بودجه ادغام گردید.

بند الحاقی ۵۵- به منظور حمایت از تولید و اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی موظفند پس از تأیید هیئت مدیره بانک با درخواست متقاضی، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسید گذشته و معوقه پرداختی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند، برای یک‌بار و تا پنج‌سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. همچنین جریمه

→

نام است و یا تابع قوانین خاص هستند ممنوع می‌باشد.»
همچنین در ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، تصرف غیرمجاز در اموال عمومی، به شرح زیر جرم‌انگاری شده است: «۵۹۸- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.»

آقای یزدی - در حقیقت این بند تسهیلاتی است برای اشخاصی که وام می‌گیرند و وام می‌پردازند.

منشی جلسه - آقای دکتر اسماعیلی، اصلاً مؤسسه‌ی اعتباری دولتی نداریم. این بند گفته «بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری»، اصلاً مؤسسه اعتباری دولتی نداریم؛ همه‌ی مؤسسات اعتباری خصوصی هستند.

آقای علیزاده - اصلاً این بند جریمه‌ها را هم بخشیده است. ببینید، دولت باید بدهی‌ها [و جرایم دیرکردی] که بخشیده می‌شود را برای بانک‌ها تضمین کند. مجلس نمی‌تواند به بانک بگوید شما این را نگیرید. ما قبلاً در مورد بانک‌های دولتی هم می‌گفتیم که دولت باید سود آنها را تضمین کند. سرمایه‌ی بانک‌ها از دارایی‌های مردم تأمین می‌شود و بانک‌ها با سرمایه‌ی مردم قرارداد می‌بندند.

آقای مدرسی یزدی - بعضی [از جریمه‌ها] میلیاردی است. ضمن اینکه با این تورمی که ایجاد شده اگر مثلاً فردی یک میلیارد تسهیلات گرفته که با آن زمین یا ساختمانی بخرد، الآن قیمت آن ملک، ۲۰ میلیارد شده است. حالا این بند می‌گوید کسی که اقساطش را به بانک نداده، بدهی‌های معوقه‌اش را ۵ سال تقسیط کن!

آقای علیزاده - نباید اجازه داد که بدهی‌های معوق پرداخت نشود.

آقای اسماعیلی - با حکم این بند، به بدهکاران می‌گویند ۵ سال دیگر هم بدهی خود را پس ندهند.

آقای علیزاده - بله، می‌گوید ۵ سال دیگر هم پس نده.

آقای مدرسی یزدی - البته باید توجه کنیم که اگر دلیل [نپرداختن اقساط بانک] موجه باشد، اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - حاج‌آقا، درست می‌فرمایید، ولی عملاً این‌طور نیست.

آقای یزدی - بله، حکم این بند برای تشویق شخصی است که پولی از بانک گرفته و نرفته همین جوری آن را خرج کند یا با آن بازی کند، بلکه با آن یک کار تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، خدماتی مثل کارگاه یا دامداری را به وجود آورده و به هر حال نتوانسته اقساط آن را بپردازد؛ الآن وام او را به صورت ۵ ساله تقسیط می‌کنند و به او کمک می‌کنند. چرا؟ برای اینکه چنین شخصی در افزایش تولید نقش داشته است.

آقای مؤمن - نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - حاج‌آقا ببینید، الآن یکی از مشکلات بزرگ

بانک؛ یعنی فقط افرادی که با هیئت مدیره ارتباط دارند می‌روند ۵ سال مهلت می‌گیرند.

آقای جنتی - چه اشکالی می‌توانیم به این بند بگیریم؟

آقای اسماعیلی - اصلاً ماهیت بودجه‌ای هم ندارد و مربوط به امسال هم نیست.

آقای مدرسی یزدی - این بند، اصلاً حقوق بانک‌های خصوصی را ضایع می‌کند.

آقای علیزاده - بانک‌های دولتی هم همین‌طور است.

آقای مدرسی یزدی - حالا مطالبات بانک‌های دولتی، چون بانک متعلق به خود دولت است، [شاید توجیه‌پذیر باشد].

آقای اسماعیلی - اینکه گفته: «برای یک‌بار و تا پنج‌سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند»، یعنی مربوط به امسال نیست. این بند بودجه‌ای نیست. به نظرم واقعاً حق با دولت است.

آقای مدرسی یزدی - شاید مربوط به امسال نباشد، ولی بودجه‌ای است.

آقای اسماعیلی - چرا حاج‌آقا؟!

آقای یزدی - به هیئت مدیره‌ی بانک اجازه داده که اگر مطالبات معوق را نپرداختند، از سایر اموال طلبکاران برداشت شود.

آقای علیزاده - برداشت از سایر اموال غیر از تخفیفی است که در صدر بند الحاقی (۵۵) آمده است. آن [که شما می‌فرمایید مربوط به ذیل ماده است] که مربوط به افرادی است که بدهی معوق دارند و وثیقه‌شان تأمین‌کننده‌ی مطالبات بانک نیست. این تخفیف و بخشودگی جرایم [که در صدر بند آمده] ارتباطی موضوع ذیل ماده ندارد.

آقای اسماعیلی - این بند دارد وظایف بانک‌ها را تعیین می‌کند، چه ربطی به امسال و بودجه دارد؟

آقای یزدی - حکم این بند تقسیط بدهی‌های بانکی است.

آقای اسماعیلی - درست است که مربوط به تقسیط بدهی‌ها است، ولی حکم این بند دارد برای ۵ سال را تعیین تکلیف می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - ببینید، اینکه امسال حجم پول چقدر باشد، در گردش باشد، سرمایه‌گذاری به چه نحو باشد و... مرتبط با بودجه است. بنابراین، این بند از این نظر مشکلی ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا حاج‌آقا؟ ضمن اینکه بعضی از احکام این بند مربوط به بانک‌های دولتی هم نیست و به بانک‌های خصوصی مربوط می‌شود.

را بفروشد، گرفتاری‌اش حل می‌شود.

آقای مؤمن - دلیل موجهی نیست.

آقای علیزاده - دلیل موجه چیست؟ اینکه فرد بگوید من نمی‌توانم اقساط تسهیلاتم را بدهم، چه دلیل موجهی است؟

آقای مدرسی یزدی - واقعاً این، دلیل موجه نیست.

آقای جنتی - آقا، معوقات را با یک دلیل موجه باید به تأخیر بیندازند.

آقای مدرسی یزدی - دارند سوء استفاده می‌کنند.

آقای علیزاده - ببینید حضرت آیت‌الله یزدی، بعضی از این بدهکاران، تسهیلات را گرفته‌اند و [به هر دلیل، نمی‌خواهند برگردانند]. اطلاق این بند، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - باید اینجا ایراد گرفته شود که مراد از «دلایل موجه» چیست؟

آقای یزدی - منظور آن است که دلایل ارائه شده باید واقعاً موجه باشد.

آقای مدرسی یزدی - باید توضیح بدهند، ضمن اینکه مرجع تشخیص آن را هم باید مشخص کنند.

آقای جنتی - مرجع تشخیصش را باید قاضی تشخیص بدهد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای جنتی - آقا، از این جهات نمی‌شود به بند الحاقی (۵۵) ایراد گرفت.

آقای ره‌پیک - الآن موجه بودن را بانک تشخیص می‌دهد، بانک هم [سلیقه‌ای عمل می‌کند].

آقای مدرسی یزدی - بله. من افرادی سراغ دارم که سر سال و شب عید، سکه پخش می‌کنند.

آقای ره‌پیک - بله، همین طور است. الآن من می‌توانم به شما ده‌ها شرکت را نشان دهم که با اینکه وضع مالی‌شان نسبت به سال گذشته ۱۰ برابر بهتر شده است، ولی حاضر نیستند بدهی تسهیلاتشان را پرداخت کنند.

آقای یزدی - الآن بانک می‌خواهد چه کار کند؟ می‌خواهد واحدهای تولیدی را از صاحبانش بگیرد؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای جنتی - قاعدتاً افرادی که معوقات بانکی دارند موجب تصویب این بند شده‌اند.

آقای یزدی - بانک می‌گوید من که نمی‌توانم بانکداری کنم. بانک الآن می‌خواهد چه کار کند؟ گرفتن دامداری [که به درد بانک نمی‌خورد].

دولت همین معوقات بانکی است. یعنی دولت اگر معوقات را بگیرد اصلاً مشکلات اقتصادی‌اش حل می‌شود.

آقای یزدی - بله، ولی معوقات بانکی از چه کسانی؟ حالا این بند الآن به چه کسانی اجازه می‌دهد که بتوانند معوقاتشان را تقسیط کنند؟

آقای اسماعیلی - الآن عرض می‌کنم. الآن که بدهکاران بانکی موظفند معوقات را به پس بدهند، نمی‌دهند. دولت هم دستش خالی است. حالا مجلسی‌ها آمده‌اند با حکم این بند دولت را موظف کرده‌اند که ۵ سال دیگر هم معوقات را به تأخیر بیندازد. با این وضعیت دولت چه کار باید بکند و بدهی‌ها را از کجا باید تأمین کند؟

آقای یزدی - مجلس از چه کسانی بگیرد؟

آقای اسماعیلی - از بدهکارها.

آقای یزدی - مجلس از کسی که توانایی دارد و نمی‌دهد، باید مطالبات معوق را بگیرد یا از کسی که پول گرفته و با آن بازی کرده و آن را خرج بی‌مورد کرده است.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۵۵)، با این اطلاق واقعاً اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - حاج آقا، افرادی که دستشان به بانک‌ها می‌رسد و از رانت استفاده می‌کنند می‌توانند از این مزایا استفاده کنند و گرنه به آدم بدبخت مثل یک کشاورز که مهلت داده نمی‌شود.

آقای یزدی - ببینید، این بند می‌گوید: «بابت فعالیت در امور تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی که در بازپرداخت تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند»؛ یعنی مثلاً شامل افرادی می‌شود که مرغداری، دامداری یا کارخانه دارند. خود من در قم چند نفر را می‌شناسم. مثلاً یکی از آنها سنگبری دارد. این افراد تسهیلات را از بانک‌ها گرفته‌اند و این واحدها را به وجود آورده‌اند، حالا نتوانسته‌اند همه‌ی تسهیلات را بازپرداخت کنند. بله، حق دارند [از مزایای بند الحاقی (۵۵) برخوردار شوند].

آقای اسماعیلی - حاج آقا، دلیل موجهی نیست.

آقای علیزاده - ببینید، من یک مطلب به شما بگویم. یکی از مازندران‌های ما که آدم محترمی است پیش من گِله می‌کرد. می‌گفت پسر من از بانک‌ها وام گرفته و اطراف گرگان یک کارخانه آب معدنی زده، الآن اقساطش عقب افتاده و حاضر به فروش قسمتی از آن یا گرفتن شریک برای دادن بدهی‌هایش هم نمی‌شود! خب الآن این فرد به راحتی با پولی که آن زمان گرفته و با تورمی که پیدا شده اگر بیست درصد (۲۰٪) از سهم کارخانه

برای وصول بدهی آنها از طریق وثائق سپرده شده و از غیر وثائق از طریق اموال و دارایی‌های آنان وصول کند. اما زیر (۵۰۰) میلیون تومان را اجازه داده برای آنها تا (۵) سال تمدید کنند ولی برای بالای (۵۰۰) میلیون تومان گفته که بانک‌ها معوقات را از آنها بگیرند.

آقای جنتی - خیلی خب.

آقای علیزاده - خب برای چه بروند این کار را بکنند؟

آقای رهپیک - نه، آن [تقسیم مجدد و به تعویق انداختن بدهی،] مطلق است. یعنی مهم نیست که میزان بدهی بیش از پنج میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد. وقتی صدر بند الحاقی (۵۵) آن امتیاز تقسیم پنج‌ساله بدهی را داده، دیگر نوبت به ذیل آن نمی‌رسد؛ می‌رود موجهش می‌کند و بدهی‌اش را (۵) سال به تعویق می‌اندازد. **آقای سلیمی -** چون این بند درباره‌ی یک موضوع است، معلوم می‌شود که آن صدر، غیر از این ذیل نیست؛ یعنی درخواست مجوز برای تقسیم هم مربوط به بدهی‌های کمتر از (۵۰۰) میلیون است.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای رهپیک - نه، بحث مطالبات بیش از پنج میلیارد ریال یک مطلب دیگر است.

آقای جنتی - آقا، بگذارید ما ایراد بگیریم، بعداً در کمیسیون اصلاحش کنند.

آقای سلیمی - اگر صدر و ذیل بند الحاقی (۵۵) جابه‌جا شود، درست می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - یک مسئله‌ی شرعی هم در خصوص این بند مطرح است. بعضی از بانک‌ها خصوصی هستند. در این بانک‌ها هم مالی را که به عنوان وثیقه از تسهیلات‌گیرنده می‌گیرند، در رهن خود نگه می‌دارند که اگر فرد نتوانست بدهی‌اش به بانک را بدهد، با وکالتی که از طرف می‌گیرند بتوانند از آن محل برداشت کنند. حالا این بند، بانک‌های خصوصی را هم از گرفتن وکالت بلاعزل منع کرده است! به چه حقی این کار را کرده است؟

آقای رهپیک - خب منع کنند.

آقای مدرسی یزدی - به چه حقی؟ چرا چنین کاری می‌کنند؟ خب مجلس نمی‌تواند چنین کاری بکند؛ این کار خلاف شرع است.

آقای اسماعیلی - خیلی جالب است که این بند می‌گوید بانک‌ها موظفند وکالت نگیرند.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر، به همین جهت می‌گویم خلاف

آقای مدرسی یزدی - بانک آنها را می‌فروشد.

آقای یزدی - بدهکاران حاضرند دامداری، مرغداری و... را در عوض طلبی که بانک از آنها دارد، بدهند.

آقای مدرسی یزدی - حاضر نیستند چنین کاری بکنند.

آقای یزدی - بانک می‌گوید من که دامداری نمی‌توانم بکنم، من که باغداری نمی‌توانم بکنم.

آقای رهپیک - الآن این بند می‌گوید بانک بازپرداخت تسهیلات را ۵ سال به تعویق بیندازد؛ یعنی بانک وثائقش را به جریان نیندازد.

آقای یزدی - اگر دلیل عقب افتادن بدهی تسهیلات‌گیرندگان موجه است به آنها مهلت داده شود تا به تدریج معوقاتشان را بپردازند و الا اگر [موجه نیست، باید وثائق را به اجرا بگذارند].

آقای رهپیک - حاج آقا، همه‌ی بدهکاران به نحوی بدهی معوق خود را توجیه می‌کنند.

آقای اسماعیلی - بند الحاقی (۵۵) بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - این بند، ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بودجه‌ای که هست.

آقای یزدی - نه، انصافاً بودجه‌ای است.

آقای مدرسی یزدی - شما به ذیل این بند نگاه کنید؛ «با رعایت...».

آقای اسماعیلی - حالا ۵ سال دارد ...

آقای سلیمی - حاج آقا ببینید، همین بند را می‌خوانم: «... چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تسویه بدهی‌های معوق خود به بانک‌های عامل مراجعه نمایند به هیئت مدیره بانک‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات، برای مطالبات بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود از سایر اموال منقول و غیرمنقول آنان مازاد بر وثائق تحویلی به بانک‌ها اقدام نمایند.» این قسمت را که اشکال ندارید؟

آقای علیزاده - نه.

آقای سلیمی - صدر بند را به عنوان مقدمه آورده است. اگر قسمت ذیل این بند را در صدر آن می‌آورد و بعد می‌گفت که برای رواج کار و غیره و برای کسانی که کمتر از این مبلغ بدهی دارند اجازه‌ی تقسیم داده می‌شود، اشکال نمی‌گرفتید.

آقای علیزاده - صدر این بند بدهی‌ها را تقسیم کرده است.

آقای رهپیک - وقتی در صدر این بند گفته با مجوز هیئت مدیره‌ی بانک امکان تقسیم وجود دارد دیگر اصلاً به حکم ذیل بند نمی‌رسد تا بخواهد آن وثائق به اجرا گذاشته شود؛ چون بدهکاران می‌روند و از بانک اجازه می‌گیرند.

آقای سلیمی - نه آقای دکتر، این بند می‌خواهد بگوید آن کسانی که بدهکاری‌های سنگین دارند و بدهی‌شان را نمی‌دهند، بانک

او قرض دادم شرعاً می‌توانم عین مرهونه‌ای که پیش من است را بفروشم و دینم را بردارم.

آقای یزدی - می‌توانم هم بفروشم و تقسیط کنم و زمان به او بدهم.

آقای مدرسی یزدی - بله، می‌توانم. می‌توانم اصلاً این دین را به او ببخشم، ولی اشکال بند الحاقی (۵۵) این است که بانک‌ها را اجبار به تقسیط می‌کند؛ می‌گوید حتماً باید تقسیط کنی.

آقای امیری - حاج آقای مدرسی، در عمل بانک‌ها وثیقه‌ها را بر نمی‌دارند.

آقای یزدی - بله، عملاً کاری به وثیقه ندارند.

آقای مدرسی یزدی - به فرض اگر یک جایی برداشته باشند، تکلیف چیست؟

آقای امیری - نه، فراوان داریم که مثلاً بانک برای دادن تسهیلات پانصد میلیارد تومانی، ملکی به ارزش دو هزار میلیارد تومان رهن گرفته و صاحب ملک حاضر است به اندازه‌ی تسهیلاتی که گرفته از ملکی که در رهن گذاشته استفاده شود، ولی بانک می‌گوید من پول می‌خواهم.

آقای مدرسی یزدی - همه جا که این طور نیست. بنده هم اطلاقی را عرض کردم؛ عرض کردم اطلاق این بند نسبت به بانک‌های خصوصی، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - این بند، غیربودجه‌ای است. بله، باید ایراد غیربودجه‌ای بودن را رأی بگیریم. حضرات آقایانی که می‌فرمایند بند الحاقی (۵۵) غیربودجه‌ای است، رأی بدهند.

آقای یزدی - غیربودجه‌ای بودن یک بحث دیگر است.

آقای جنتی - خب رأی آورد.

آقای علیزاده - رأی آورد.

منشی جلسه - شش تا رأی دارد.

آقای علیزاده - آقای دکتر کدخدائی هم رأی دادند.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقعاً ایراد به این بند باعث می‌شود جلوی سوء استفاده‌ی برخی گرفته شود.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۵۶ - کلیه بانک‌های عامل موظفند درقبال پرداخت تسهیلات به کشاورزان، روستاییان و عشایر، اسناد

شرع است.

آقای اسماعیلی - این بند بانک‌ها را موظف کرده که ۵ سال معوقات بانکی را به تعویق بیندازند.

آقای جنتی - آقای علیزاده، این بند را رأی بگیرید. ان شاء الله رأی می‌آورد.

آقای مدرسی یزدی - نسبت به چه چیزی می‌خواهید رأی بگیرید؟ اگر ایراد شرعی‌اش را می‌خواهید بگیرید، باید بگویید اطلاق حکم این بند نسبت به بانک‌های خصوصی، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - ایراد خلاف شرع بودن، نسبت به بانک‌های دولتی هم مطرح است.

آقای مدرسی یزدی - حالا خلاف شرع بودن این بند را رأی بگیرید.

آقای علیزاده - نسبت به بانک‌های دولتی هم همین است، چرا در مورد بانک‌های دولتی می‌گویید خلاف شرع نیست؟

آقای یزدی - یعنی بانک اگر بخواهد با وجود عذر موجه بدهی‌هایش را تا ۵ سال تقسیط کند، خلاف شرع است؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - چون وقتی رهن و وثیقه گذاشته باشند در صورت نپرداختن بدهی، باید از وثیقه برداشت شود.

آقای یزدی - درست است که وثیقه گذاشته، ولی این وثیقه را گذاشته که هر وقت توان پرداخت بدهی‌اش را داشت، بیاورد بدهد.

آقای مدرسی یزدی - همه فقها فرموده‌اند که در صورت عدم وصول طلب، امکان برداشت از وثیقه وجود دارد.

آقای یزدی - حالا الآن این بند می‌گوید «با عذر موجه». این بند می‌گوید مثلاً کسی که سنگ‌بری ایجاد کرده، یا گاوداری زده است و الآن نه کسی از او می‌خرد و نه می‌تواند کار دیگری انجام دهد، بدهی تسهیلات معوقش را برای ۵ سال تقسیط کنند تا بتواند بدهی‌اش را بپردازد. آن وقت شما می‌گویید بانک اگر بخواهد بدهی چنین شخصی را تقسیط کند، خلاف شرع کرده است؟!

آقای مدرسی یزدی - نه، من الآن عرض می‌کنم. یک مثال ساده می‌زنم؛ کسی آمده برای انجام کاری پول از من قرض کرده و خانه‌اش را به عنوان وثیقه نزد من رهن گذاشته است. بعد این آقا نه تنها نتوانسته کاسبی کند، ضرر هم کرده است. بنده که به

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

آقای علیزاده - یعنی چه؟

آقای یزدی - یعنی می‌گوید اسناد مشاعی، اسناد مفروز و سند رسمی و پروانه را می‌توان به عنوان وثیقه قبول کرد.

آقای علیزاده - پروانه چه ارزشی دارد؟

آقای کدخدائی - اکثر این بندهای الحاقی، بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - این بندها بودجه‌ای نیست.

آقای کدخدائی - ایراد کلی باید بگیریم.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند بند الحاقی (۵۶) بودجه‌ای نیست، رأی بدهند.

آقای جنتی - چند تا رأی آورد؟

آقای علیزاده - رأی آورد.^۱

مثنی جلسه - «بند الحاقی ۵۷ - به وزارت نفت اجازه داده می‌شود از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط برای احداث واحدهای صنعتی وابسته به نفت و گاز مانند پالایشگاه‌های گاز و نفت و پتروشیمی با بخش غیردولتی، خصوصی و تعاونی، با رعایت ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^۲ و

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵ - بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ (اصلاحی ۱۳۸۹/۱۲/۱۱): «ماده ۳ - قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، اعم از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیر دولتی، به هرنحو و به هر میزان ممنوع است.

تبصره ۱ - دولت مکلف است سهم، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت خود را در شرکت‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که موضوع فعالیت آنها جزء گروه یک ماده (۲) این قانون است، تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۲ - تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاه‌های مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضای قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است.

تبصره ۳ - سازمان‌های توسعه‌ای مصوب دولت پس از فراخوان عمومی از سوی وزارتخانه یا شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط و احراز عدم تمایل

مشاعی و مفروز اراضی مسکونی و کشاورزی ثبتی و غیر ثبتی مربوط به محل اجرای طرح‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن و اموال منقول دارای سند رسمی و پروانه‌های بهره‌برداری از مراتع و سایر فعالیت‌ها و اسناد اراضی محل اجرای طرح‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن به عنوان سند محل اجرای طرح وثیقه و تضمین‌های وام‌های بخش کشاورزی و وام‌های پرداختی به روستاییان و عشایر با ارزش روز مورد تقویم کارشناس رسمی یا کارشناس بانک، مورد قبول تلقی نمایند.»

آقای مؤمن - این بند می‌گوید برای دریافت تسهیلات در زمینه‌ی کشاورزی، اسناد اراضی و... را هم به عنوان ضمانت قبول کنند.

آقای یزدی - سند رسمی و پروانه‌ی بهره‌برداری و... را قبول کنند.

آقای علیزاده - برای همه‌ی مواردی که در بند الحاقی (۵۶) ذکر شده، قانون داریم. مگر نداریم؟

آقای ره‌پیک - مشکلی نیست.

آقای یزدی - مشکلی نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - شرع می‌گوید که واقعاً وثیقه باید به گونه‌ای باشد که وام‌گیرندگان بتوانند دینشان را ایفا کنند.

آقای یزدی - حالا بالاخره این بند اشکالی ندارد. قانوناً و شرعاً اشکالی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - ما قبلاً نظیر این حکم را اشکال کردیم که وثیقه باید به گونه‌ای باشد که بتواند دینش را استیفا کند. آقایان فقها اشکال کردند. یادتان است؟

آقای علیزاده - اگر بانک خودش ببیند که یک سند ارزش دارد قبول کند، و اگر ارزش ندارد قبول نکند. مگر الان بانک [برای گرفتن این اسناد به عنوان وثیقه] معنی دارد؟ حالا واقعاً این بند، چه ماهیت بودجه‌ای دارد؟

آقای مؤمن - این بند می‌گوید این اسناد، اسناد با ارزشی است و بانک‌ها می‌توانند آنها را به عنوان وثیقه قبول کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا واقعاً معلوم نیست بانک بتواند این اسناد را بفروشد. باید یک قید برای این بند گذاشت.

آقای علیزاده - من که معتقدم این بند واقعاً ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای کدخدائی - بانک طبق قانون وظایفی دارد...

آقای علیزاده - خب همان وظایف را انجام بدهد. خود بانک بررسی کند، اگر اسناد ارزش دارد قبول کند، اگر ارزش ندارد قبول نکند.

آقای مؤمن - این بند می‌گوید ارزش این اسناد این قدر است.

سقف‌های مشارکت تعیین شده نسبت به تضمین تسهیلات بانکی متناسب با قدرالسهم دولت اقدام نماید.

بند الحاقی ۵۸- وزارت نفت مکلف است نسبت به نوسازی و توسعه شبکه خطوط لوله انتقال نفت خام و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و تأمین منابع مالی سهم دولت در توسعه پالایشگاه‌ها اقدام و منابع مورد نیاز را از محل افزایش پنج درصد (۵٪) قیمت هر لیتر فرآورده‌های نفتی به عنوان عوارض و صد درصد (۱۰۰٪) برای موارد مذکور تأمین نماید.»

آقای عزیززاده - «بند الحاقی ۵۹- به منظور کاهش هزینه‌ها و استفاده از سرمایه بخش غیردولتی خصوصی و تعاونی در تولید کالا یا خدمت، به دولت اجازه داده می‌شود تا ده درصد (۱۰٪) از اعتبار ردیف‌های دستگاه‌های اجرایی مربوط در جدول شماره (۷) این قانون کسر و معادل آن از ردیف‌های مربوط در جدول شماره (۹) این قانون با رعایت اصول قانون اساسی نسبت به خرید کالا یا خدمت اقدام نماید. آیین‌نامه این بند با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی حداکثر تا یک ماه بعد از تصویب این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

بند الحاقی ۶۰- دولت مکلف است از طریق شورای پول و اعتبار، علاوه بر منابع مندرج در ماده (۹۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم

→

ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی خواهد رسید.

تبصره ۳- دولت مکلف است در حد مقابله با بحران نسبت به تأمین کالاهای اساسی مانند گندم و سوخت برای مدت معین، تمهیدات لازم را ببندد.

ج- سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌ها و بنگاه‌های مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون منحصراً در اختیار دولت است.

تبصره ۱- خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاه‌های بخش‌های غیردولتی در فعالیت‌های گروه سه ماده (۲) این قانون به شرط حفظ مالکیت صد درصد (۱۰۰٪) دولت طبق آیین‌نامه‌ای که ظرف مدت شش ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، مجاز است.

آیین‌نامه مربوط به کالاها و خدمات نظامی، انتظامی و امنیتی نیروهای مسلح و امنیتی حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و جهت تصویب به فرماندهی کل نیروهای مسلح تقدیم خواهد شد.

تبصره ۲- فعالیت‌های حوزه‌های سلامت، آموزش و تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست و هرگونه توسعه توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین هرگونه واگذاری به بخش غیردولتی در این حوزه‌ها مطابق لایحه‌ای خواهد بود که ظرف مدت یک سال از ابلاغ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

→

بخش‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری بدون مشارکت دولت در طرح‌های اقتصادی موضوع فعالیت‌های گروه یک ماده (۲) این قانون در مناطق کمتر توسعه یافته می‌توانند به هر میزان اقدام به سرمایه‌گذاری مشترک با بخش‌های غیردولتی نمایند. سهام یا قدرالسهم دولتی ناشی از این نوع مشارکت باید ظرف حداکثر سه سال پس از بهره‌برداری با رعایت مقررات این قانون واگذار شود.

نوع طرح‌های اقتصادی، نحوه فراخوان و حد مجاز سرمایه‌گذاری دولت در هر مورد باید توسط وزارتخانه ذی‌ربط، وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به‌طور مشترک تهیه شود و به تصویب هیئت وزیران برسد. دولت موظف است فهرست و مشخصات این طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را همه‌ساله به صورت جداگانه و پیوست لوایح بودجه سنواتی به مجلس شورای اسلامی اعلام نماید. حکم این تبصره تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اعتبار دارد.

تبصره ۴- سازمان‌های توسعه‌ای مجازند منابع داخلی خود را با اولویت به صورت وجوه اداره شده نزد بانک‌های توسعه‌ای دولتی برای اعطای تسهیلات یا کمک به طرح‌های مصوب در حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته به بخش‌های غیردولتی اختصاص دهند. همچنین این سازمان‌ها می‌توانند تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) با بخش‌های غیردولتی به صورت مشترک در حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته سرمایه‌گذاری نمایند و در این صورت موظفند حداکثر ظرف سه سال پس از بهره‌برداری، سهام یا قدرالسهم خود را مطابق مقررات این قانون واگذار نمایند. نام سازمان‌های توسعه‌ای ذی‌ربط و سرمایه‌گذاری‌های موضوع این بند در هر مورد قبل از اجرا باید به تصویب هیئت وزیران برسد و فهرست آنها همه‌ساله به صورت جداگانه و پیوست لوایح بودجه سالانه به مجلس شورای اسلامی اعلام شود.

تبصره ۵- سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران به عنوان سازمان توسعه‌ای تعیین می‌شود و کلیه شرکت‌های استانی تابعه آن مطابق مقررات این قانون مشمول واگذاری می‌باشند. به منظور فراهم نمودن امکانات واگذاری شرکت‌های یادشده، هرگونه فعالیت حاکمیتی غیرقابل واگذاری آنها با تشخیص کارگروه مشترک معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن و تصویب هیئت وزیران، به سازمان‌های صنایع و معادن استان‌ها و یا سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط، نظیر استانداری‌ها منتقل می‌شود.

ب- دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثنای راه و راه‌آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۱- دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.

تبصره ۲- بخش‌های غیردولتی مجاز به فعالیت در زمینه راه و راه‌آهن هستند. سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های راه و راه‌آهن مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و

←

دارد امهال بدهی‌ها را برای بخش خصوصی اجبار می‌کند.
آقای مدرسی یزدی - امهال در صورت وجود اعسار و نداشتن وثیقه جایز است، ولی اگر معسر نبودند و پول دیگری داشتند یا وثیقه گذاشته باشند و اعطای وام از سوی بانک خصوصی بوده باشد، [الزام بانک به امهال بدهی اشکال دارد].

آقای یزدی - خب معلوم است، در مواقعی که تسهیلات گیرندگان نمی‌توانند تسهیلات را بازپرداخت کنند، می‌گویند بانک‌ها امهال کنند.

آقای اسماعیلی - نه این بند چنین تصریحی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، این بند نمی‌گوید اگر نمی‌توانند بازپرداخت کنند برای آنها امهال کنند.

آقای اسماعیلی - می‌گوید همین که خسارت دیدند برای امهال کافی است.

آقای مدرسی یزدی - بله، طبق بند الحاقی (۶۱)، صرف ورود خسارت برای امهال وام‌ها کافی است.

آقای کدخدائی - نه، می‌گوید: «با تأیید کارگروهی ...»

آقای یزدی - فرض این است که تحقق موضوع این بند را کارگروه تشخیص می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - خب، تأیید کارگروه با چه میزانی؟

آقای یزدی - فرض این است که یک کارگروهی متشکل از آدم‌های قابل اعتماد برای تشخیص گذاشته شده است.

آقای مدرسی یزدی - معیار تشخیص تحقق موضوع این بند چه باید باشد؟ این بند گفته معیار تشخیص عوامل مشخصی مثل خشکسالی و... است.

آقای علیزاده - ببینید، انتهای این بند محل تأمین بار مالی اضافی را هم پیش‌بینی کرده است.

آقای مدرسی یزدی - ولی ایراد ما از جهت امهال وام‌های بانک‌ها و مؤسسات خصوصی است؛ یعنی الزام بانک‌ها و مؤسسات خصوصی به امهال بدهی را خلاف شرع می‌دانیم. اطلاق حکم این بند [= الزام همه‌ی بانک‌ها به امهال بدهی‌ها] نسبت به بدهکارانی که غیرمعسر هستند یا وثیقه گذاشته‌اند، را خلاف شرع می‌دانیم.

آقای علیزاده - خیلی خب، رأی می‌گیریم.

آقای یزدی - در این بند، تشخیص موضوع را با کارگروه گذاشته است. اعضای کارگروه هم آدم‌های عاقلی هستند و فهم دارند که بین کسی که میلیارد است و دارد و نمی‌دهد با آن کسی که نمی‌تواند بدهد، فرق بگذارند.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، حالا به هر حال اگر شامل نیست رأی ندهید.

توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۱ از محل وصول اقساط وجوه اداره‌شده و فروش اموال و املاک مازاد تا سقف پنج هزار میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال سرمایه سه بانک تخصصی دولتی (بانک صنعت و معدن، کشاورزی و توسعه صادرات) را به منظور اعطای تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی، افزایش دهد.

بند الحاقی ۶۱- کلیه بانک‌های کشور اعم از دولتی، غیردولتی و مؤسسات مالی و صندوق‌های حمایتی که به بخش کشاورزی تسهیلاتی پرداخت نموده‌اند، موظفند بازپرداخت وام‌های اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که دچار خسارت خشکسالی یا سرمازدگی یا آفات و بیماری‌های همه‌گیر و یا حوادث غیرمترقبه و یا آتش‌سوزی غیرعمدی شده باشند را با تأیید کارگروهی متشکل از نمایندگان جهاد کشاورزی شهرستان، بانک مربوط در شهرستان، صندوق بیمه کشاورزی شهرستان و فرمانداری شهرستان، مشروط به تأمین بار مالی اضافی از محل اعتبارات ماده (۱۲) قانون مدیریت بحران^۲ و اعتبارات پیش‌بینی‌نشده قانون بودجه به مدت سه سال امهال نمایند. این بند حداقل منابع و مصارف را مشخص کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، مربوط به بخش کشاورزی هم است.

آقای جنتی - حکم این بند خوب است و اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - بانک‌ها و مؤسسات خصوصی چه می‌شود؟

آقای علیزاده - این بند خسارت بخش کشاورزی را پیش‌بینی کرده که از آن محل پرداخت شود.

آقای مؤمن - گفته بار مالی اضافی آن را از محل تعیین‌شده تأمین کنند.

آقای اسماعیلی - اشکال حاج‌آقای مدرسی [در خصوص مکلف کردن بانک‌های خصوصی] را عرض می‌کنم.

آقای کدخدائی - حکم این بند برای حوادث غیرمترقبه است.

آقای اسماعیلی - حوادث غیرمترقبه باشد، ولی بند الحاقی (۶۱)

۱. ماده (۹۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۹۳- دولت مجاز است با پیشنهاد مشترک معاونت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی در قالب بودجه‌های سنواری، بخشی از سود شرکت بیمه ایران و بانک‌هایی را که به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)، صد درصد (۱۰۰٪) در بخش دولتی باقی خواهند ماند، پس از کسر مالیات برای افزایش سرمایه دولت در شرکت مذکور و بانک‌های یادشده اختصاص دهد.»

۲. ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور اصلاحی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰: «به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی‌نشده معادل دو درصد (۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین کند تا به صورت اعتبارات خارج از شمول با پیشنهاد شورای عالی و تأیید رئیس جمهور هزینه گردد.»

بند الحاقی ۶۳- احداث گلخانه‌ها، دامداری‌ها، مرغداری‌ها، مزارع پرورش ماهی و واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی و معدنی با رعایت ضوابط زیست‌محیطی در اراضی خارج از حریم شهرها و روستاها و مورد موافقت سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها، نیاز به مجوز تغییر کاربری ندارد.» این بند واقعاً بودجه‌ای است؟!

آقای سلیمی - این بند هم بودجه‌ای نیست. رد بشویم.

آقای علیزاده - حکم این بند در قانون مربوطه پیش‌بینی شده است. کسانی که بند الحاقی (۶۳) را غیربودجه‌ای می‌دانند رأی بدهند.

آقای یزدی - بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - رأی آورد.^۲

آقای علیزاده - «بند الحاقی ۶۴- در اجرای بند (ل) ماده (۱۹۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۳ به منظور تأمین اعتبارات هزینه‌ای شرکت شهرک‌های کشاورزی مبلغ ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و به منظور مطالعه و طراحی شهرک‌های کشاورزی مبلغ ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اعتبار تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تسهیلات و وجوه اداره‌شده تحت عنوان ردیف مستقل در اختیار شرکت شهرک‌های کشاورزی قرار گیرد.

بند الحاقی ۶۵- شورای برنامه‌ریزی استان حداقل هشت درصد (۸٪) از اعتبارات عمرانی استان‌ها را در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و شهرستان قرار می‌دهد تا صرف اجرای طرح‌های عمران و بهسازی روستاهای استان شود.

بند الحاقی ۶۶- شرکت‌ها، مؤسسات و بانک‌های دولتی مجازند جمعاً تا سقف سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از هزینه عملیاتی خود را در جهت اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی و صرفاً برای تربیت ده میلیون حافظ قرآن کریم و بر اساس سیاست‌های کمیسیون آموزش عمومی شورای توسعه فرهنگ قرآنی هزینه نمایند.»

آقای مدرسی یزدی - اعضای کارگروه که فقیه نیستند. شما باید قانون را درست وضع کنید.

آقای علیزاده - اگر به اطلاق حکم این بند نسبت به بانک‌های خصوصی در خصوص کسانی که وام گرفته و رهن دارند و معسر نیستند، اشکال دارید رأی بدهید.

آقای یزدی - حالا اصلاً سه نفر هم که بیشتر نیستیم.

آقای مؤمن - چرا.

آقای مدرسی یزدی - من اشکال دارم. من این را حرام می‌دانم.

آقای علیزاده - رأی نیاورد. برویم به سراغ بند بعدی.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً آقایان توجه کردند و رأی نیاورد؟ بنده واقعاً میلیاردری می‌شناسم که از حکم این بند الحاقی (۶۱) استفاده می‌کند.

آقای یزدی - چنین شخصی خلاف کرده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، خلاف نکرده است. خود بانک رسماً و طبق قانون به او مهلت می‌دهد.

آقای جنتی - حالا من هم به نظر شما رأی می‌دهم ولی همین جور که آقای یزدی می‌فرمایند قاعده‌اش این است که معمولاً تشخیص از سوی کارگروه است [و با تأیید کارگروه امهال به آنها تعلق می‌گیرد].

آقای مدرسی یزدی - نه حاج آقا، این‌طوری نیست. چون اصل قانونش این است که کسی که دچار خشکسالی شد، به او مهلت بدهند، حالا اینکه مالی برای پرداخت بدهی‌اش دارد یا ندارد را کاری ندارند.

آقای علیزاده - «بند الحاقی ۶۲- مبلغ مندرج در ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم^۱ برای واحدهای تولید کالا و یا خدمات تولیدشده دارای پروانه بهره‌برداری (اشخاص حقیقی و حقوقی) به پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال افزایش می‌یابد.

۱. ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷:

«ماده ۲۰۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر است از کشور جلوگیری نماید. حکم این ماده در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بر درآمد شخص حقوقی یا مالیات‌هایی که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف است به کسر و ایصال آن می‌باشد و مربوط به دوران مدیریت آنان بوده نیز جاری است. مراجع ذی‌ربط با اعلام وزارت یا سازمان مزبور مکلف به اجرای این ماده می‌باشند.

تبصره- در صورتی که مؤدیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر و یا فرزندان نمایند سازمان امور مالیاتی می‌تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضایی اقدام نماید.»

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۳. بند (ل) ماده (۱۹۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ل- اقدام قانونی در جهت ایجاد شرکت شهرک‌های کشاورزی با اصلاح اساسنامه یکی از شرکت‌های مادر تخصصی موجود در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور هدایت، راهبری و احداث و توسعه زیرساخت‌های مجتمع‌های کشاورزی، دامی و شیلاتی.»

سالم بین استان‌های کشور در مقاطع سه‌ماهه از طریق شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور توزیع می‌شود تا پس از مبادله موافقتنامه بین معاونت برنامه‌ریزی استانداری‌ها و شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی استان‌ها هزینه گردد. اعتبار مذکور حسب وصولی‌ها صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته است و وجوه فوق به عنوان درآمد شرکت ذی‌ربط محسوب نمی‌گردد و مشمول مالیات نمی‌شود.

آقای مؤمن - اصل اینکه گفته منابع حاصل از این بند به حساب خزانه‌داری کل واریز شود درست است، اما حکم ذیل اصل (۵۳) را نیاورده که بر اساس آن، پرداخت‌ها هم باید در حدود اعتبارات مصوب باشد.

آقای علیزاده - بله، ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت نشده است. نگفته تا چقدر؟ پس این ایراد را قبول داریم.^۱

«بند الحاقی ۶۸- به منظور اجرای طرح‌های افزایش بازدهی نیروگاه‌ها با اولویت نصب بخش بخار در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات، بهینه‌سازی مصرف، صرفه‌جویی در مصرف سوخت مایع و افزایش سهم صادرات سوخت، به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود تا سقف یکصد و بیست هزار میلیارد (۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به روش بیع متقابل با سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی و عمومی قرارداد اجرای طرح‌های افزایش بازدهی و تولید نیروگاه‌های بخش دولتی و خصوصی، توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات و بهینه‌سازی مصرف انرژی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل منعقد نماید.

دولت مکلف است در قبال این تعهد، سوخت مایع (نفت گاز) صرفه‌جویی شده یا معادل آن نفت خام را با محاسبه میزان صرفه‌جویی حاصله در مدت حداکثر دو سال به سرمایه‌گذاران تحویل نماید. آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارتخانه‌های نیرو و نفت حداکثر دو ماه پس تصویب این قانون با تأیید معاونت به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

مثنی جلسه - «بند الحاقی ۶۹- ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم موظف است کلیه مصوبات ستاد را از ابتدای تشکیل ظرف پانزده روز بعد از ابلاغ این قانون و همچنین مصوبات ستاد بعد از تاریخ ابلاغ این قانون را ظرف بیست و چهار ساعت پس از تصویب برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. چنانچه رئیس مجلس

آقای مدرسی‌یزدی - واقعاً تربیت ده میلیون حافظ قرآن کریم عملی است؟

آقای یزدی - اتفاقاً خیلی خوب است و در مسیر اجرای این کار هستند.

آقای مؤمن - بیست میلیون...

آقای یزدی - اتفاقاً در زمینه‌ی تربیت حافظان قرآن، خیلی خوب دارد کار می‌شود.

آقای جنتی - شما با حفظ قرآن مشکل دارید؟

آقای یزدی - من گاهی برنامه‌های رادیو قرآن را گوش می‌کنم، روابطی که با حافظین دارد و مصاحبه با اشخاصی که شروع به حفظ قرآن کرده‌اند، واقعاً نشان می‌دهد که دارند کار می‌کنند. مخصوصاً در میان بچه‌ها و خانم‌ها زیاد هستند [کسانی که شروع به حفظ قرآن کرده‌اند].

آقای امیری - در استان‌ها و شهرستان‌ها خیلی وسیع دارد کار می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - عیبی ندارد.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۶۶) نمی‌گوید امسال ده میلیون حافظ تربیت شود؛ می‌گوید این کار را بکنید تا تعداد حافظان قرآن به ده میلیون برسد [یعنی برای تربیت ده میلیون حافظ این قدر هزینه شود].

آقای یزدی - مثل بسیج که امام (ره) آن روز فرمودند چقدر بوده و الآن چقدر است، تعداد حافظان هم ان‌شاءالله به تدریج به ده میلیون نفر می‌رسد.

آقای علیزاده - اما واقعیت این است که ما باید خدا را شکر کنیم که بعد از انقلاب اسلامی واقعاً یک جهش بزرگ در زمینه‌ی توجه به قرآن داشته‌ایم.

آقای یزدی - بله، بعد از انقلاب به قرآن خیلی توجه شده است.

آقای مدرسی‌یزدی - خیلی هم عالی است، منتها باید روی حساب باشد.

آقای امیری - ما برای قضاوت که امتحان می‌گرفتیم، ۳۴ نفر حافظ کل قرآن بودند.

آقای علیزاده - «بند الحاقی ۶۷- وزارت نیرو از طریق شرکت‌های آب‌های شهری سراسر کشور مکلف است علاوه بر دریافت نرخ آب‌های شهری به ازای هر متر مکعب فروش آب شرب مبلغ یکصد (۱۰۰) ریال از مشترکین آب دریافت و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. صد درصد (۱۰۰٪) وجوه دریافتی از محل حساب مذکور صرفاً جهت آبرسانی شرب روستایی اختصاص می‌یابد. اعتبار مذکور بر اساس شاخص کمبود آب شرب

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۷- بند الحاقی (۶۷) و بند الحاقی پنجم، با توجه به ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی اشکال دارند.»

آقای اسماعیلی - بله.

آقای کدخدائی - حاج آقا، این بند را من یک توضیحی بدهم. ستاد تدابیر ویژه در واقع ۷-۸ سال پیش در شورای عالی امنیت ملی و با مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی شکل گرفت و در واقع مقصود از تشکیل آن بیشتر این بود که تحریم‌ها را دور بزنند و بتوانند اقداماتی انجام بدهند که تشریفات قانون و قانون‌گذاری نتواند دست و پای دولت در مقابله‌ی با تحریم‌ها را ببندد. اما از جهت بحث قانونی، مجلس هشتم مدعی بود که مصوبات این ستاد باید برای رئیس مجلس ارسال شود که به نظر ما، امر قانونی نیست.

آقای علیزاده - بله، قانون اساسی این را نمی‌گوید.

آقای کدخدائی - بله، اصل (۱۳۸) قانون اساسی منحصر به مصوبات دولت است. اما این نکته هم هست که برخی از مصوبات ستاد تدابیر ویژه، خلاف قانون است. باید فکری برای این مصوبات بشود.

آقای علیزاده - خوب باشد. نسبت به مصوبات خلاف قانون باید به دیوان عدالت اداری یا مراجع قانونی ذی‌ربط دیگر شکایت کنند.

آقای کدخدائی - امکان شکایت از مصوبات شورای عالی امنیت ملی وجود ندارد.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای جنتی - این اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - مصوبات شورای عالی امنیت ملی، سرّی است. **آقای کدخدائی -** البته مصوبه‌ی اول که ستاد تدابیر ویژه را تشکیل داده است، تأیید شورای عالی را دارد ولی مصوبات ستاد تدابیر ویژه، دیگر مصوبات شورای عالی امنیت ملی محسوب نمی‌شود.

آقای جنتی - آقا، [موضوعات مورد بررسی و مصوبات] این ستاد، یک مسئله‌ی فوق‌العاده است. ما نمی‌توانیم مسائل مهمی که در جلسات این ستاد مطرح است و خیلی وقت‌ها محرمانه است را موکول به این کنیم که بروند و از [رئیس] مجلس اجازه بگیرند.

آقای کدخدائی - نه، یک بحثی که مطرح است این است که اصلاً مصوبات ستاد تدابیر ویژه نباید به مجلس ارسال شود.

آقای علیزاده - [اینکه مصوبات این ستاد به مجلس ارسال شود یا نشود] ربطی به ما ندارد. به شورای نگهبان که ارسال نمی‌شود.

ما به آن چه کار داریم؟

آقای مدرسی‌یزدی - آقا، اجازه بدهید. ببینید، یک وقت بحث شورای عالی امنیت ملی است که روشن است در مصوبات

مصوبه‌ای را مغایر این قانون و سایر قوانین تشخیص دهد، موظف است آن را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع دهد. این‌گونه مصوبات تنها در صورتی قابل اجراست که طی یک ماه با رعایت اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی^۱ به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد. این بند رافع مسئولیت ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم، در برابر قانون نیست.»

آقای علیزاده - موضوع این بند از موارد مرتبط با اصل (۱۳۸) قانون اساسی^۲ است؟

۱. اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری
۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه‌گانه

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

- مسئول امور برنامه و بودجه

- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

- وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات

- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.»

۲. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های مشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

آقای مدرس‌یزدی - این روش، اشتباه است.

آقای علیزاده - این روش، درست نیست. ما الآن می‌گوییم بند الحاقی (۶۹) خلاف قانون اساسی است.

آقای مدرس‌یزدی - اصل (۱۷۶) می‌گوید حدود اختیارات شوراهای فرعی را قانون تعیین می‌کند. الآن این مصوبه هم می‌گوید اختیار ستاد تدابیر ویژه تا وقتی است که رئیس مجلس هم مصوباتش را تأیید کند.

آقای علیزاده - اولاً بند الحاقی (۶۹)، ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - بله، این بند اشکال بودجه‌ای نبودن را دارد.

آقای علیزاده - دوم اینکه خلاف اصل (۱۳۸) است. یعنی بند الحاقی (۶۹) دو تا اشکال دارد.

آقای کدخدائی - بله.

آقای مدرس‌یزدی - نه، خلاف اصل (۱۳۸) نیست.

آقای علیزاده - خلاف اصل (۱۳۸) است.

آقای کدخدائی - خلاف اصل (۱۳۸) است.

آقای امیری - بگوییم این ماهیت بودجه‌ای ندارد تا برگردد اصلاح شود.

آقای مدرس‌یزدی - چرا؟

آقای کدخدائی - چون اصل (۱۳۸) مربوط به مصوبات دولت است.

آقای مدرس‌یزدی - ولی اصل (۱۷۶) گفته که حدود اختیارات شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند.

آقای علیزاده - اگر ما الآن نگوییم بند الحاقی (۶۹) خلاف اصل (۱۳۸) است، اگر بعداً هم بخواهند قانون دائم برای آن تدوین کنند، آن زمان [به دلیل وجود این سابقه] دیگر نمی‌توانیم آن را خلاف اصل (۱۳۸) اعلام کنیم.

آقای مدرس‌یزدی - نه، مجلس در این بند الحاقی (۶۹)، به صورت ضمنی [یکی از حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی زیرمجموعه‌ی شورای عالی امنیت ملی را] مشخص کرده است؛ این چیزی که اینجا برای نظارت رئیس مجلس آمده یکی از این حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی است [که در اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تعیین آن را بر عهده‌ی مجلس گذاشته است].

آقای علیزاده - [مجلس باید در قانون مستقلی حدود وظایف و اختیارات شوراهای فرعی را مشخص کند]. در آن قانون بیابند بگویید هر کس نسبت به مصوبات این شوراهای فرعی شکایت دارد به دادگستری مراجعه کند؛ به ما ربطی ندارد.

شورای عالی امنیت هیچ کس نمی‌تواند دخالتی بکند؛ هرچه تصویب شد باید [اجرایی شود].

آقای کدخدائی - بله.

آقای مدرس‌یزدی - اما یک وقت بحث، مربوط به شوراهای فرعی زیرمجموعه‌ی شورای عالی امنیت ملی است. طبق اصل (۱۷۶)، حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند.

آقای علیزاده - ما به [تعیین حدود و وظایف شوراهای فرعی] ایراد نداریم.

آقای مدرس‌یزدی - خب، الآن اینجا هم قانون دارد می‌گوید...

آقای علیزاده - این بند نمی‌تواند بگوید مصوبات ستاد تدابیر ویژه برای رئیس مجلس ارسال شود. اصل (۱۳۸) قانون اساسی اجازه داده که مصوبات دولت به نظر رئیس مجلس برسد؛ مصوبات جاهای دیگر را که نگفته به نظر رئیس مجلس برسد.

آقای مدرس‌یزدی - اصل (۱۷۶) هم می‌گوید حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون تعیین می‌کند.

آقای کدخدائی - نه، طبق اصل (۱۳۸)، رئیس مجلس نمی‌تواند [در خصوص مصوبات این ستاد اظهار نظر کند].

آقای مدرس‌یزدی - نه، ما که طبق اصل (۱۳۸) نمی‌گوییم.

آقای علیزاده - اما اظهار نظر رئیس مجلس در مورد مصوبات ستاد تدابیر ویژه، نیاز به اجازه قانون اساسی دارد.

آقای کدخدائی - بله.

آقای علیزاده - قانون اساسی در اصل (۱۳۸) گفته آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات هیئت وزیران باید به نظر رئیس مجلس برسد.

آقای مدرس‌یزدی - بحث مصوبات دولت جدا است.

آقای کدخدائی - این بخش از فرمایش شما [در خصوص تعیین حدود وظایف و اختیارات شوراهای فرعی زیرمجموعه‌ی شورای عالی امنیت ملی، توسط قانون مصوب مجلس] درست است و ما هم موافقیم. اما اینکه مصوبات ستاد تدابیر ویژه، اگر مغایر قوانین موضوعه بود، چه کار باید کرد [خودش یک موضوع مستقلی است].

آقای علیزاده - آن [بحث بررسی مغایرت مصوبات ستاد] که در این بند نیامده است.

آقای کدخدائی - چرا دیگر، اینکه در بند الحاقی (۶۹) گفته مصوبات ستاد به نظر رئیس مجلس برسد، برای جلوگیری از مغایرت مصوبات ستاد با قوانین موضوعه است.

آقای ره‌پیک - می‌روند هماهنگ می‌کنند.

۱۳۸) برای رئیس مجلس حق نظارت قائل شده است.

آقای علیزاده - خب، مصوبات بقیه‌ی نهادها [غیر از موارد مذکور در اصل (۱۳۸)] را که نمی‌شود گفت به نظر رئیس مجلس برسد.

آقای کدخدائی - بله، رئیس مجلس نمی‌تواند در غیر از موارد اصل (۱۳۸) اظهار نظر کند.

آقای مدرسی‌یزدی - موارد مذکور در اصل (۱۳۸) که حصری نیست.

آقای کدخدائی - چرا.

آقای علیزاده - اصل این است که طبق قانون اساسی برای اینکه هر مقامی بتواند در تصمیمات مقام دیگر مداخله کند، نیاز به مجوز دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - آن که اصل دیگری از قانون اساسی است.

آقای علیزاده - اصل دیگری در این زمینه نداریم.

آقای کدخدائی - کدام یک از اصول دیگر چنین مجوزی را به رئیس مجلس داده است؟

آقای مدرسی‌یزدی - خود اصل (۱۷۶).

آقای کدخدائی - اصل (۱۷۶) مربوط به شورای عالی امنیت ملی و شوراها فرعی آن است. در خصوص مصوبات شورا که مشکلی نداریم.

آقای یزدی - رئیس مجلس فقط راجع به مصوبات هیئت دولت می‌تواند اظهار نظر کند.

آقای علیزاده - بله، درست است. پس خلاف اصل (۱۳۸) بودن بند الحاقی (۶۹) رأی دارد.

آقای یزدی - اصلاً ظاهر این ارجاع در اصل (۱۳۸)، معنایش انحصار است.

آقای علیزاده - بله. حضرت آیت‌الله یزدی، اصلاً هر مقامی بخواهد در کار مقام دیگر مداخله کند، نیاز به مجوز قانونی دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - دخالت نیست. رئیس مجلس طبق قانون دارد اظهار نظر می‌کند.

آقای امیری - بله، این یک اصل کلی است که [مداخله‌ی مقامات در تصمیمات یکدیگر باید طبق قانون باشد].

آقای علیزاده - پس رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۷۰- کارکنان شاغل در شهرهای زیر

آقای کدخدائی - ذیل این بند که گفته مصوبات ستاد ویژه باید به تأیید خود شورای عالی برسد، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - بله، آن اشکال ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - وقتی به تأیید خود شورای عالی برسد که دیگر قضیه تمام و حل شده است.

آقای جنتی - خب حالا، غیربودجه‌ای بودن بند الحاقی (۶۹) را رأی بگیری.

آقای کدخدائی - اصلاً اگر ایراد غیربودجه‌ای به بند الحاقی (۶۹) بگیری، مشکل حل می‌شود.

آقای علیزاده - بله، این بند از جهت غیربودجه‌ای بودن اشکال دارد. آقایان رأی بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - بله. این بند غیربودجه‌ای است.

آقای علیزاده - ببینید، اگر ما الان نگوئیم که این بند خلاف اصل (۱۳۸) است، اگر بعداً این موضوع را در یک مصوبه‌ی دیگر بیاورند، نمی‌توانیم به آن ایراد اصل (۱۳۸) بگیریم. ما الان می‌گوییم صدر بند الحاقی (۶۹) خلاف اصل (۱۳۸) است.

منشی جلسه - حاج‌آقا، خلاف اصل (۸۵) هم است.

آقای کدخدائی - بله، خلاف اصل (۸۵) هم است.

آقای علیزاده - آیین‌نامه‌های دولت باید به نظر رئیس مجلس برسد، ولی در هیچ جای قانون اساسی نگفته که آیین‌نامه‌ی کمیسیون‌ها و شوراها باید به نظر رئیس مجلس برسد.

آقای مؤمن - خلاف اصل (۱۳۸) نیست.

آقای علیزاده - رئیس مجلس برای مداخله در مصوباتی غیر از مصوبات موضوع اصل (۱۳۸)، مجوز می‌خواهد.

آقای کدخدائی - بله.

آقای مؤمن - نمی‌شود. این خلاف آن است.

آقای جنتی - من هم به خلاف اصل (۱۳۸) بودن این بند، رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - ما هم قبول داریم. ما همه قبول داریم.

منشی جلسه - حاج‌آقا، بند الحاقی (۶۹) خلاف اصول (۸۵) و (۱۳۸) شناخته شد؟ یک سری از موارد هم در اصل (۸۵) آمده است.

آقای علیزاده - نه، خلاف اصل (۸۵) نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - خلاف اصل (۸۵) که نیست.

آقای کدخدائی - اصل (۸۵) مربوط به اساسنامه‌ها است؛ اصل (۱۳۸) است که مربوط به مصوبات دولت است.

آقای مؤمن - بند الحاقی (۶۹)، خلاف اصل (۱۳۸) نیست. اصل

۱. بند (۱۸) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۸- بند الحاقی (۶۹)، علاوه بر اینکه ماهیت بودجه‌ای ندارد، مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیز می‌باشد.»

دوازده هزار نفر جمعیت دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری از امتیازات کارکنان شاغل در روستاهای همان شهرستان‌ها برخوردارند.»

آقای علیزاده - کجای این بند بودجه‌ای است؟!

آقای ره‌پیک - دائمی هم است.

آقای علیزاده - بله، دائمی هم است. واقعاً این بند خلاف اصل (۵۲) است. آقایانی که موافقت رأی بدهند. البته ما در ایرادمان نمی‌گوییم که دائمی است؛ ما می‌گوییم بودجه‌ای نیست. رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «بند الحاقی ۷۱- احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.

بند الحاقی ۷۲ - این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است.»

حاج‌آقا، بند الحاقی (۷۲) که گفته از تاریخ تصویب لازم‌الاجراست، نه از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱، ایرادی ندارد؟

آقای علیزاده - نه، این بند گفته که همان قانون [سه‌دوازدهم بودجه ۱۳۹۲] جزئی از بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ احتساب می‌شود.

آقای سلیمی - [قبلاً گفتید که قانون سه‌دوازدهم، بودجه نیست.

آقای علیزاده - حالا ما که همین را می‌گفتیم. شما آقایان آن زمان می‌گفتید که [سه‌دوازدهم] بودجه نیست. آن زمان که بحث می‌کردیم من حقیر می‌گفتم [قانون سه‌دوازدهم، بودجه نیست.

آقای سلیمی - شما هر روز می‌گفتید [سه‌دوازدهم هم جزئی از] بودجه است.

آقای علیزاده - ما می‌گفتیم قانون سه‌دوازدهم، بودجه‌ی سه‌ماهه است، اما شما می‌گفتید نیست؛ حالا معلوم شد که هست.

منشی جلسه - آقای دکتر، وقتی گفته «از تاریخ تصویب» یعنی ۱۳۹۲/۳/۸، در حالی که باید بگویید از ۱۳۹۲/۱/۱ لازم‌الاجرا است.

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - «تاریخ تصویب» یعنی چه؟ ابهام دارد. تاریخ تصویب یعنی تاریخی که پس از تصویب مجلس، به تأیید شورای نگهبان می‌رسد [یا تاریخی که مجلس، این لایحه را به تصویب رسانده است؟]

آقای مؤمن - حالا ابهام داشته باشد، [ابهامش مغایرتی با موازین

شرع و قانون اساسی ندارد].

آقای اسماعیلی - حاج‌آقا، خیلی بحث نکنیم.

آقای علیزاده - ببینید، درست می‌گویید. یا باید بگویند این قانون از اول سال لازم‌الاجرا است یا بگویند از اول خرداد.

آقای ره‌پیک - یا بگویند پس از تصویب شورای نگهبان.

آقای اسماعیلی - نه، پس از تأیید شورای نگهبان.

آقای امیری - حاج‌آقا، به هر حال بعد از تأیید شورای نگهبان، لازم‌الاجرا می‌شود.

منشی جلسه - آقای دکتر، باید بگویند از ۱۳۹۲/۱/۱ لازم‌الاجرا است.

آقای علیزاده - بحث اینجاست که قبلاً برای سه‌ماهه‌ی اول سال، قانون سه‌دوازدهم تصویب کرده‌اند.

منشی جلسه - حاج‌آقا، قانون سه‌دوازدهم را که گفته‌اند علی‌الحساب است.

منشی جلسه - نه، در ایران فرآیند قانون‌گذاری بعد از تأیید شورای نگهبان است.

آقای علیزاده - خب اگر قانون سه‌دوازدهم را علی‌الحساب گفته‌اند، قانون بودجه را باید از اول سال لازم‌الاجرا بدانند.

آقای یزدی - مقصود از عبارت «این قانون»، قانون بودجه است و چون برای سه ماه اول، قانون جداگانه تصویب کرده‌اند، قانون بودجه را از زمان تصویب لازم‌الاجرا دانسته است. یعنی تا زمان تصویب، طبق اجازه و قانون قبلی عمل می‌شود. این قانون بودجه را نمی‌توان از اول سال اجرا کرد؛ چون از اول سال تا حالا طبق قانون سه‌دوازدهم هزینه کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - در آن قانون سه‌دوازدهم که به دولت اجازه داده شد در سه ماه اول سال بر طبق آن هزینه کند، تصریح کردند که در صورت تصویب قانون بودجه، این سه ماه را هم تسویه حساب کنند.^۲

آقای علیزاده - بله، مقرر شد که سه ماه اول سال را حساب کنند.

آقای سلیمی - بله، همین‌طور است. پس الآن بگوییم طبق گفته‌ی خودشان عمل کنند.

آقای علیزاده - بله، باید به مجلس یادآوری کنیم که قانون بودجه باید از اول سال لازم‌الاجرا باشد.

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: ۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۵)، (۵۶) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. تبصره بند (ب) قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۷: «تبصره- با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، دولت موظف است از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ بر اساس قانون مزبور اعمال حساب نماید.»

آقای رهپیک - بله. تخصیص‌ها نسبت به بودجه ۱۳۹۱ هم بسیار کمتر شده است.

آقای علیزاده - قانون سه‌دوازدهم گفته باید بر اساس قانون بودجه ۱۳۹۲، محاسبه کنند.

آقای یزدی - بله، طبق قانون سه‌دوازدهم باید اعتبارات سه‌ماهه‌ی اول دستگاه‌ها را [مطابق سال ۱۳۹۱] می‌دادند.

آقای مدرسی یزدی - آقا، اصلاً در بودجه‌ی ۱۳۹۲، اعتبار برخی جاها را صفر کرده‌اند، ولی بر اساس قانون سه‌دوازدهم، [چون طبق قانون بودجه پارسال عمل کرده‌اند]، به این جاها بودجه پرداخت کرده‌اند.

آقای یزدی - خب حالا [طبق بودجه‌ی ۱۳۹۲] کم می‌کنند.

آقای علیزاده - بله دیگر، حالا باید اعتبارات تخصیص داده شده را با این قانون بودجه احتساب کنند.

آقای رهپیک - اعتباراتی که به جاهای دیگر داده شده را جابه‌جا می‌کنند.

آقای علیزاده - پس نمی‌گیرند، فقط طبق قانون بودجه حساب می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - اعتبارات برخی طرح‌ها که صفر شده است را نمی‌شود حساب کرد.

آقای رهپیک - اعتبار جایی صفر نشده است؛ گفتند برخی از اعتبارات را تجمیع کرده‌ایم و به دستگاه مافوقش داده‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - حالا شاید برخی موارد صفر شده باشد.

آقای یزدی - خیلی خب، حالا بالاخره کم و زیاد می‌کنند.

آقای رهپیک - تسویه می‌کنند.

آقای یزدی - اجازه بدهید من اشکال ایشان [آیت‌الله مدرسی] را پاسخ دهم. اگر الان تصویب کنند که همانند گذشته عمل کنند، چون در گذشته این طرح‌ها اعتبار مصوب داشته و در بودجه‌ی امسال اعتبار آنها را صفر کرده‌اند این کار بدین معنا نیست که باید اعتبارات قبلی که به آنها تخصیص داده شده را پس بگیرند، بلکه یعنی از این به بعد در پرداخت حقوق به تدریج از اعتبار آنها کم می‌کنند و یا اگر تا به حال نداده‌اند و الآن باید بدهند به تدریج آن را اضافه می‌کنند. یکی از کارهای طبیعی امور مالی و اداری همین مسئله است.

آقای مدرسی یزدی - بحث این است که اصلاً دیگر بودجه به آنها نمی‌دهند. در واقع بودجه‌ی آنها را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - ما در نظرمان می‌گوییم که در قانون سه‌دوازدهم تصریح شده که این قانون به طور موقت اجرا می‌شود و بعد پرداخت‌های آن قانون را در قانون بودجه حساب می‌کنند.

آقای رهپیک - باید بگوییم قانون بودجه از اول سال لازم‌الاجرا است.

آقای یزدی - خب اگر آن مصوبه [= قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲] چنین قیدی را داشته باشد، یک حرف دیگری است.

آقای علیزاده - به مجلس بگوییم در این مصوبه‌ای که گذرانده‌اید منظورتان از «تاریخ تصویب» چیست؟ این را روشن کنید. حداقل یک تذکر به مجلس بدهیم.

آقای سلیمی - باید از اول سال لازم‌الاجرا باشد.

آقای رهپیک - باید بگوییم تاریخ لازم‌الاجرا شدن، ۱۳۹۲/۱/۱ است.

آقای یزدی - بسیار خب.

آقای مؤمن - اجازه بفرمایید. مگر آخر لایحه‌ی بودجه نیامده: «لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.»

آقای علیزاده - خب، قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور، خلاف این را می‌گوید.

آقای رهپیک - اینکه بگوید از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است، غلط است.

آقای مؤمن - در انتهای لایحه‌ی بودجه می‌گوید: «در جلسه‌ی هفتم خرداد به تصویب رسید»، یعنی از هفتم خرداد به بعد لازم‌الاجرا است.

آقای مدرسی یزدی - واقعاً این جور نمی‌شود. اگر قرار باشد از اول سال لازم‌الاجرا باشد، پرداخت‌هایی که تاکنون شده است را دوباره باید طبق این درست کنند.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - بله دیگر. در قانون سه‌دوازدهم آمده که: «با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، دولت موظف است از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ براساس قانون مزبور اعمال حساب نماید.» ما یک تذکر می‌دهیم، یا قبول می‌کنند یا نمی‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی آنچه را که داده‌اند، پس می‌گیرند.

آقای رهپیک - به هیچ دستگاهی بیشتر از اعتبارات مصوب پرداخت نشده است.

آقای یزدی - چیزی را پس نمی‌دهند؛ اعتبارات تخصیص داده شده را محاسبه می‌کنند.

آقای علیزاده - حالا تذکر که ایراد ندارد؛ اگر قبول کردند، کردند.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً الآن در لایحه، بودجه‌ی شورای نگهبان را کم کرده‌اند.

بند الحاقی دوم- در سال ۱۳۹۲ پرداخت حقوق و مزایای کارکنان قراردادی دانشگاه‌های سراسر کشور طبق روش بند (و) تبصره (۱۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ قابل انجام است.



د- پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می‌گردد.

ه- پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال‌زا به شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از شصت درصد (۶۰٪) سهام و سرمایه آنها متعلق به افراد معلول است.

و- اختصاص حداقل شصت درصد (۶۰٪) از پست‌های سازمانی تلفنیچی (اپراتور تلفن) دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و معلولان جسمی، حرکتی.

ز- اختصاص حداقل شصت درصد (۶۰٪) از پست‌های سازمانی متصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی، حرکتی.

۳. بند (و) تبصره (۱۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴: «و-»

۱- به منظور ایجاد هماهنگی و پرداخت به موقع حقوق و مزایای مستمر کارکنان رسمی و پیمانی شاغل در کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مذکور در ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به استثنای وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر تا پایان فروردین‌ماه سال ۱۳۸۶ اعتبارات مربوط به پرداخت‌های پرسنلی اعم از حقوق، انواع فوق‌العاده مستمر، حق عائله‌مندی و اولاد و همچنین پاداش پایان سال (عیدی) کارکنان یادشده را به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این بند معین خواهد شد از سقف اعتبارات هزینه‌ای مصوب دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی کسر و به سقف اعتبار ردیف ۵۰۳۹۳۳ منظور در قسمت چهارم این قانون با عنوان «وزارت امور اقتصادی و دارایی- اعتبار حقوق و مزایای کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و دستگاه‌های اجرایی محلی» اضافه نماید. موارد مستثنی از مقررات این بند و چگونگی پرداخت به کارکنان در آیین‌نامه یادشده معین می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این بند با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲- دستگاه‌های مشمول ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مجازند از محل اعتبارات هزینه‌ای خود برای برنامه‌ها و احکامی که اجرای آنها دارای مجوز قانونی بوده ولی در نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در قالب برنامه‌های کمیته‌پذیر ذیل دستگاه پیش‌بینی نشده‌اند در فعالیت‌های اصلی ذیل برنامه‌های ذی‌ربط، اعتبار لازم را به هنگام مبادله موافقت‌نامه پیش‌بینی نمایند.

۳- اعتبار کمک‌های بلاعوض کلیه دستگاه‌های اجرایی بر اساس جداول این قانون، با رعایت اصول بودجه‌ریزی عملیاتی و به صورت هدفمند بر اساس تخصیص اعتبار و مبادله موافقت‌نامه به عنوان کمک، به هزینه قطعی منظور می‌شود. دستگاه‌های اجرایی مجوزی برای جابه‌جایی اعتبارات خود از این محل و به منظور استفاده برای هزینه‌های اداری و پرسنلی ندارند.»

آقای مدرسی‌یزدی - الان سؤال من این است که مؤسساتی هستند که برای خرج و مخارج [طبق قانون سه‌دوازدهم] پولی به عنوان بودجه به آنها داده‌اند و حالا در این لایحه اصلاً اسمشان نیامده و حذف هم شده‌اند. الان برای این مؤسسات چه کار می‌کنند؟

آقای علیزاده - اسمشان در ردیف دیگری [و در سرجمع اعتبارات دستگاهی دیگر آمده است].

آقای مدرسی‌یزدی - نه، آنها را حذف کرده‌اند.

آقای یزدی - خیلی خوب، حالا بالاخره یک اقدامی می‌کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا جواب نمی‌دهید؟

آقای علیزاده - ما چه می‌دانیم. ما می‌گوییم با توجه به قانون سه‌دوازدهم، این بند را در این مصوبه‌ی بودجه درست کنید. ^۱ خیلی خوب، ادامه دهیم.

منشی جلسه - «بند الحاقی اول- به سازمان بهزیستی کشور اجازه داده می‌شود وجوه حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و اموال غیرمنقول خود را به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید و معادل صد درصد (۱۰۰٪) وجوه مذکور را تا سقف دوست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال علاوه بر موارد هزینه درآمد حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و اموال غیرمنقول برای کلیه دستگاه‌های اجرایی را به صورت وجوه اداره شده برای تأمین سهم آورده مددجویان در برنامه تأمین مسکن معلولان و مددجویان و کمک به سرمایه در گردش با ایجاد صندوق فرصت‌های شغلی مددجویان موضوع بند (۳) ماده (۷) قانون جامع حمایت از معلولان ^۲ به مصرف برساند.

۱. بند (۱۹) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در

خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۹- در بند الحاقی (۷۲)، با توجه به اینکه مطابق تبصره ذیل ماده واحده قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مقرر گردیده است «با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، دولت موظف است از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ بر اساس قانون مزبور اعمال حساب نماید»، منظور از «تاریخ تصویب» در این بند، روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. ماده (۷) قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶: «۷- دولت موظف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول تسهیلات ذیل را فراهم نماید:

الف- اختصاص حداقل سه درصد (۳٪) از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند به افراد معلول واجد شرایط.

ب- تأمین حق بیمه سهم کارفرما توسط سازمان بهزیستی کشور و پرداخت آن به کارفرمایانی که افراد معلول را به کار می‌گیرند.

ج- پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی و صنفی و کارگاه‌های تولیدی حمایتی در مقابل اشتغال افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می‌گردد.



هم ایراد گرفتیم و گفتیم چون معلوم نیست پولش چه می‌شود، ایراد دارد. به این بند هم حداکثر [می‌توان ایراد ابهام گرفت].
آقای علیزاده - ولی این بند واقعاً این‌طور نیست.

آقای امیری - نه حاج‌آقا، در این بند چون منظور از واگذاری همان فروش است، منابع حاصل در بودجه وارد می‌شود. ما باید از لحاظ معلوم نبودن واریز منابع این بند به خزانه، ایراد بگیریم.
آقای مؤمن - بفرمایید منابع حاصل از این بند، طبق اصل (۵۳) باید به خزانه واریز شود.

آقای امیری - این درست است.

آقای یزدی - این بند مدیریت و واگذاری اماکن ورزشی را به هیئت‌های ورزشی داده است.

آقای سلیمی - باید بند الحاقی سوم را به نحوی اصلاح کنند که منابع آن به خزانه واریز شود.

آقای امیری - بله، این حرف درست است، ولی این بند ماهیت بودجه‌ای دارد.

آقای ره‌پیک - مصرف این بند در چه مواردی است؟

آقای مؤمن - حالا مصرف را مشخص نکرده است.

آقای علیزاده - علاوه بر اینکه نگفته است منابع این بند باید به خزانه برود، مصارف این بند را هم مشخص نکرده‌اند.

آقای سلیمی - سال دیگر مصرف می‌کنند.

آقای علیزاده - اصل (۵۳) در این بند رعایت نشده است.

آقای ره‌پیک - اصل (۵۳) یعنی [احکام باید به صورت] درآمد هزینه [در بودجه بیاید].^۱

آقای علیزاده - «بند الحاقی چهارم - اعتبارات هزینه‌ای غیر از فصل (۱) و (۶) وزارت ورزش و جوانان و اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای آن به جز ردیف‌های مشخص شده در قانون بودجه به نسبت هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) در شهرها و بیست و پنج درصد (۲۵٪) در روستاها قابل هزینه است.

بند الحاقی پنجم - عوارض ساخت و ساز و جرائم تخلفات ساختمانی خارج از حریم شهرها و خارج از محدوده روستاهای دارای دهیاری به حساب خزانه معین استان واریز تا صد درصد (۱۰۰٪) درآمد حاصل آن در جهت توسعه و عمران روستاها میان دهیاری‌های همان استان توزیع و هزینه گردد.» این بند برای

بند الحاقی سوم - به وزارت ورزش و جوانان اجازه داده می‌شود تا اماکن ورزشی را به هیئت‌های ورزشی طبق قوانین واگذار نماید.»
آقای علیزاده - این بند چیست؟ این بند، بودجه‌ای است؟!
آقای مؤمن - نخیر.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر، [این بند اجازه می‌دهد که اماکن ورزشی را به هیئت‌های ورزشی] در سال جاری واگذار کنند.
منشی جلسه - اصلاً منظور از «هیئت‌های ورزشی» چیست؟ این عبارت واقعاً ابهام دارد.

آقای علیزاده - بند الحاقی سوم ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای یزدی - این بند گفته اماکن ورزشی را به هیئت‌های ورزشی واگذار کنند.

آقای ره‌پیک - یعنی فدراسیون‌ها.

آقای یزدی - این بند، غیربودجه‌ای است.

منشی جلسه - در قوانین تعریفی از «هیئت‌های ورزشی» وجود ندارد.

آقای یزدی - رأی بگیرید. بند الحاقی سوم، غیربودجه‌ای است.

آقای علیزاده - بند الحاقی سوم غیربودجه‌ای است. آقایانی که رأی می‌دهند، اعلام بفرمایند.

آقای امیری - حاج‌آقا، گفته [اماکن ورزشی را به هیئت‌های ورزشی] واگذار کنند و پول بگیرند؛ وقتی دولت در عوض واگذاری پول بگیرد، این کار ماهیت بودجه‌ای پیدا می‌کند.

آقای یزدی - نه، این بند نگفته پول بگیرند و هزینه کنند.

آقای علیزاده - خودشان چه کار کنند؟

آقای امیری - وجوه حاصل از واگذاری اماکن را به خزانه واریز کنند.

آقای یزدی - نه، بند الحاقی سوم چنین چیزی نگفته است. بله، اگر گفته بود [این اماکن را واگذار کنند و دریافت‌های ناشی از آن را] به خزانه بریزند، مشکلی نداشت.

آقای امیری - نه، ما می‌توانیم این ایراد را بگیریم و بگوییم که از این جهت که مشخص نیست وجوه حاصل از این بند را چه کار می‌کنند، ابهام دارد.

آقای علیزاده - منظور از «واگذاری» چیست؟

آقای امیری - واگذاری این بند مثل همه‌ی واگذاری‌ها است.

آقای علیزاده - منظور از واگذاری این بند فروش که نیست.

آقای امیری - چرا، شامل فروش هم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - فروش را هم شامل می‌شود.

آقای امیری - مثل همین مصوبه را در گذشته هم داشتیم. قبلاً

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) برای ساخت، تکمیل و تجهیز فضاهای ورزشی دانش‌آموزی و پنجاه درصد (۵۰٪) به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای احداث، تکمیل و تجهیز فضاهای فرهنگی دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابد.»

آقای مؤمن - این بند هم نگفته منابع به خزانه‌ی کل واریز شود و به چه مقدار واریز شود.

آقای علیزاده - بله، ایراد اصل (۵۳) دارد.^۳

«بند الحاقی نهم - پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به دستگاه‌های اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی ممنوع است، به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانشجویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی دولتی، مساجد، حوزه‌های علمیه، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، پروژه‌های ورزشی و بهداشتی و روستایی پرداخت می‌گردد.»

منشی جلسه - «بند الحاقی دهم - صد درصد (۱۰۰٪) وجوه اداره‌شده پرداختی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۸ به صندوق رفاه دانشجویان، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان کمک جهت افزایش سرمایه صندوق‌های رفاه دانشجویان تلقی می‌گردد و وجوه حاصل از بازپرداخت وام‌های مذکور در قالب درآمد اختصاصی برای پرداخت مجدد به دانشجویان به مصرف می‌رسد. دولت موظف است گزارش عملکرد این بند را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.»

بند الحاقی یازدهم - کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند نسبت به فروش دارایی‌های مازاد و شرکت‌های وابسته خود اقدام کرده و منابع حاصل از آن را به حساب افزایش سرمایه خود منظور نمایند.»

آقای امیری - در خصوص بانک‌های دولتی ایراد وارد نیست؟

آقای اسماعیلی - در مورد بانک‌های خصوصی.

منشی جلسه - حاج‌آقا، در مورد بانک‌های خصوصی [ایراد دارد].

آقای امیری - بله، در مورد بانک‌های خصوصی. چطور می‌شود

وصول عوارض سقف تعیین نکرده است. ذیل اصل (۵۳) رعایت نشده است.

آقای مؤمن - باید منابع به خزانه‌ی ملی واریز شود.

آقای علیزاده - این بند گفته به خزانه‌ی معین استان برود. قبلاً قبول کردیم که خزانه‌ی معین استان جزئی از خزانه‌ی کل است که در استان وجود دارد. این بند ذیل اصل (۵۳) را رعایت نکرده است.^۱

«بند الحاقی ششم - در اجرای بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۲ وزارت راه و شهرسازی موظف است با هماهنگی و معرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران نسبت به تأمین مسکن پنجاه و دو هزار نفر (یک‌چهارم واجدین شرایط) از جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، آزادگان و فرزندان شهدا و جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) که قبلاً از زمین یا مسکن دولتی استفاده نکرده‌اند با مالکیت عرصه به قیمت منطقه‌ای و اعیان به قیمت تمام‌شده اقدام نمایند.» حکم این بند را قبلاً هم در قانون برنامه داشتیم.

آقای مؤمن - دوباره می‌گوید [اجرای این مقرر] عیبی ندارد.

آقای علیزاده - «بند الحاقی هفتم - مبلغ پانصد و پنجاه میلیارد (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با روند فزاینده و شدت وقوع پدیده‌های مخرب جوی نظیر سیل و گرد و غبار و خشکسالی در کشور و پایش آنها به سازمان‌های حفاظت محیط زیست و هواشناسی کشور اختصاص می‌یابد.» ادامه‌اش را بخوانید.

منشی جلسه - «بند الحاقی هشتم - دولت مکلف است در سال ۱۳۹۲ علاوه بر هرگونه عوارض دریافتی برای واردات دخانیات به کشور به ازای هر نخ سیگار وارداتی مبلغ بیست (۲۰) ریال دریافت نماید. پنجاه درصد (۵۰٪) از منابع حاصل به وزارت آموزش و

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۷- بند الحاقی (۶۷) و بند الحاقی پنجم، با توجه به ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی اشکال دارند.»

۲. بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ل- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است تا پایان برنامه، مسکن جانبازان پنجاه درصد (۵۰٪) و بالاتر، جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) تا پنجاه درصد (۵۰٪) را که حداقل دو سال سابقه حضور در جبهه داشته‌اند و همچنین آزادگان و فرزندان شهدا و جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر فاقد مسکن را در صورتی که قبلاً از زمین یا مسکن دولتی استفاده نکرده‌اند، تأمین نماید.»

۳. بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

انرژی خورشیدی) به جای استفاده از سوخت‌های فسیلی (نفت گاز) مبلغ معادل پرداختی بابت یارانه سوخت را به شرکت‌های تولیدی سیستم برق من جمله خورشیدی پرداخت نماید و تجهیزات مربوطه را به کشاورزان تحویل نماید.»

منشی جلسه - «بند الحاقی چهاردهم - بانک‌ها موظفند تسهیلات ارزی و ریالی مورد نیاز طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی در حوزه فعالیت‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی را همزمان بررسی و تعیین تکلیف نموده و تسهیلات مصوب را بر اساس زمان‌بندی اجرای طرح و پیشرفت کار پرداخت نمایند. در صورت عدم پرداخت تسهیلات مطابق برنامه زمان‌بندی شده مصوب، متناسب با تأخیر در پرداخت، تسهیلات اعطایی قبلی، بدون دریافت جریمه استمهال‌شده و به‌روز می‌گردد.

تبصره - در صورت عدم رعایت زمان‌بندی پرداخت تسهیلات ارزی و ریالی توسط بانک عامل که موجب تحمیل هزینه مازاد بر سرمایه‌گذاری گردد، بانک عامل موظف است بر اساس نظر کارشناس رسمی، هزینه تحمیلی را جبران کند.»

آقای علیزاده - این بند الحاقی چهاردهم را چه می‌گویید؟

آقای مؤمن - عیب ندارد تا بند الحاقی پانزدهم بخوانید.

آقای علیزاده - این بند هم مثل بندهای قبلی، غیربودجه‌ای است.

آقای ره‌پیک - شبیه همان [بند الحاقی (۵۵) است].

آقای علیزاده - بند الحاقی چهاردهم همان اشکال غیربودجه‌ای بودن را دارد.

آقای یزدی - همان اشکال غیربودجه‌ای بودن را دارد.

آقای اسماعیلی - این بند الحاقی واقعاً مربوط به امسال نیست.

آقای ره‌پیک - این بند هم مثل همان [بند الحاقی (۵۵)] است.

چه فرقی با آن می‌کند؟

آقای یزدی - بله، عین همان است.

آقای ره‌پیک - ملاک این بند، همان ملاک [بند الحاقی (۵۵)] است.

آقای علیزاده - ولی این بند با آن بند [الحاقی (۵۵)] فرق دارد. این بند مربوط به مواردی است که بانک تسهیلات را پرداخت نکرده است، در حالی که آن بند [= بند الحاقی (۵۵)] مربوط به بدهی‌های معوقی است که از سوی تسهیلات‌گیرندگان پرداخت نشده است.

منشی جلسه - «بند الحاقی پانزدهم - به منظور تأمین هزینه‌های اجرایی طرح‌های خوداشتغالی نهادهای حمایتی و نظارت بر

بانک‌های خصوصی را موظف به فروش دارایی‌های مازاد و... کرد. **آقای علیزاده -** چه اشکالی دارد؟ بانک‌های خصوصی از دولت مجوز گرفته‌اند. حالا دولت می‌گوید دارایی‌های مازاد به جای اینکه بلااستفاده بماند؛ باید آنها را تبدیل به سرمایه بکند. در واقع دولت می‌خواهد امور مالی را تنظیم کند.

آقای مدرسی یزدی - «نسبت به فروش دارایی‌های مازاد»، که به حساب سرمایه‌ی خود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری افزوده می‌شود، یعنی چه؟ مقصود از سرمایه فقط پول است یا اعم از پول است؟

آقای امیری - نه، منظور پول است.

آقای مدرسی یزدی - خب، این یعنی چه؟ سرمایه فقط پول...

آقای اسماعیلی - این بند به بانک می‌گوید دارایی‌های مازاد را بفروش.

آقای علیزاده - نه، منظور از این بند هر چیزی است که سرمایه قلمداد شود.

آقای مدرسی یزدی - خب اگر منظور این باشد که همه‌ی دارایی‌های بانک (اعم از مازاد و...) سرمایه‌اش محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - «مازاد» یعنی دارایی‌هایی که مورد نیاز بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیست. این بند می‌گوید این دارایی‌های مازاد را بدهند و مثلاً صرف خرید ساختمان مورد نیاز آنها بشود.

آقای مدرسی یزدی - منظور از دارایی، سرمایه است.

آقای علیزاده - بله، منظور سرمایه است. این بند نمی‌گوید «پول»، کجا گفته پول؟

آقای مدرسی یزدی - ببینید وقتی که بانک دارایی‌اش را بفروشد، هر دارایی یک سرمایه است. مثلاً یک پیراهن هم اگر داشته باشد، سرمایه است.

آقای یزدی - نه، یک دارایی مازاد است که به هیچ دردی نمی‌خورد. این بند می‌گوید بانک‌ها چنین دارایی‌هایی اگر دارند بفروشند. مثلاً الآن یک مشت صندلی و مبل بی‌خودی در زیرزمین شورای نگهبان ریخته‌اند که به هیچ دردی نمی‌خورد؛ این بند می‌گوید بانک‌ها دارایی‌های این‌چنینی خود را بفروشند و مثلاً با آن یک ساختمان بخرند. این که خیلی مهم نیست.

آقای ره‌پیک - می‌گوید بانک بفروشد؛ قراردادی است.

آقای مدرسی یزدی - این کار ظلم است. شاید یک بانک خصوصی نخواهد اموال مازادش را بفروشد.

آقای علیزاده - «بند الحاقی سیزدهم - دولت موظف است در ازای برقی کردن چاه‌های کشاورزی با منابع انرژی نوین (از جمله

پایداری طرح‌های مذکور معادل پنج درصد (۵٪) تسهیلات تخصصی از محل جزء (۶) ردیف ۵۲۰۰۰۰ به سرجمع ردیف بودجه کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی اضافه می‌گردد.»

آقای جنتی - اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۴۹/۱۵۱۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۸، لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب جلسه مورخ هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- از آنجا که در بند (۳-۱) آمده مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود، عبارت مذکور ابهام دائمی بودن آن را می‌نماید؛ بنابراین مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.

۲- تبصره الحاقی بند (۳-۲)، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.

۳- در تبصره بند (۳-۷) و همچنین بند (۳-۱۰)، از این جهت که مشخص نیست آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۴- در بند (۳-۹)، باید ردیف مشخص یا سقف تعیین شود و الا اشکال دارد.

۵- بندهای (۱۰)، (۳-۳) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

۶- منظور از تکلیف دولت در بند (۱۴-۱۳)، روشن نیست که آیا مربوط به فروش حداقل ۵۰٪ از سهام است یا مربوط به سقف سیصد هزار میلیارد ریال یا فروش رساندن آن به صورت نقدی و یا همه این موارد را شامل می‌شود، پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. علاوه بر این دولت مدعی است بخشی از این سهام قبلاً واگذار گردیده که در این صورت آیا شامل آنها نیز می‌شود یا خیر؟

۷- منظور از واژه‌های «شبه‌دولتی»، «هواداران»، «اهلیت» و «قابلیت» در جزء الحاقی (۲) بند (۱۴-۱۳)، مشخص نیست. به علاوه، روش واگذاری در فراز دوم این جزء در خصوص باشگاه‌های استقلال و پیروزی روشن نیست که آیا واگذاری اینها نیز از طریق بورس انجام می‌گیرد یا خیر؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۸- در بند (۱۵)، با توجه به اینکه بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، اصلاح آن به این صورت مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان می‌باشد.

۹- در بند (۲-۲۱)، واژه «فاینانس» بدون معادل فارسی آن به کار رفته است که لازم است مانند بند (۱-۲۱) اصلاح گردد.

۱۰- در بند (۳۵)، تجویز وصول سود سهام دولت در شرکت دولتی و مالیات متعلق به این سود توسط سازمان امور مالیاتی و در وجه خود، از این حیث که مشخص نیست که آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.



۱۱- در بند (۴۴)، منظور از حق انتفاع پروانه روشن نیست که آیا همان حق مالکانه است یا خیر؟ همچنین مشخص نیست که آیا شامل واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود یا نه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۱۲- نظر به اینکه تبصره الحاقی بند (۶۱)، دارای ماهیت بودجه‌ای نیست، مغایر اصل (۵۲) شناخته شد. علاوه بر این از حیث عدم تعیین منبع، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

۱۳- بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)، از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.

۱۴- در بند الحاقی (۲)، استفاده از واژه «بیومتریک»، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.

۱۶- در بند الحاقی (۱۶)، منظور از عبارت «اوراق وقفی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۱۷- بند الحاقی (۶۷) و بند الحاقی پنجم، با توجه به ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی اشکال دارند.

۱۸- بند الحاقی (۶۹)، علاوه بر اینکه ماهیت بودجه‌ای ندارد، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی نیز می‌باشد.

۱۹- در بند الحاقی (۷۲)، با توجه به اینکه مطابق تبصره ذیل ماده واحده قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مقرر گردیده است «با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، دولت موظف است از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ بر اساس قانون مزبور اعمال حساب نماید»، منظور از «تاریخ تصویب» در این بند، روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- نظر به اینکه هر ساله در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار می‌گیرد، شایسته است دولت و مجلس محترم ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه یا طرح قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند. این اشکال در برخی از بندهای این مصوبه نیز وجود دارد که در بند (۱۵) به آنها اشاره شده است.

تذکر:

- در انتهای بند (۵۹)، ظاهراً منظور از «ضرر و زیان»، جریمه است که باید جمله اصلاح شود.»

